

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۸ صفحه

پیکار

۸۲

سال دوم - دوشنبه ۲ آذر ۱۳۵۹ بها ۳۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- جنگ و رادبوهای ضد انقلابی ۲۵ صفحه
- ماننا الله قناب، همکار خلخالی!! ۲۵ صفحه
- مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۱۰) پیام شیخ عزالدین حسینی درباره برخورد آگاهانه ۱۶ صفحه
- به جنگ ایران و عراق ۵ صفحه
- پاسخ به نامه ها ۱۸ صفحه

پیام به توده های جنگ زده ایران و عراق

۱۲ صفحه

۲۳ صفحه



گرامی باد خاطره ییکارگران شهید رفقا



حمید رحمان پور



حسین نورائی



بهرام شاهموران



غلام سقاط

السلام

هدیت حاکمه و اوج گیری جنگ قدرت

در هفته های اخیر در حیوحه جنگ ایران و عراق، ما شاهد افزایش در کسریها و شدت یابی بحران در درون هشتت حاکمه بوده ایم. سالها کرفس اختلافات در راه دوتولوبیون و کنار گذاشته شدن اسرانیها از سوی حاج حزب خمینوری و متغیلا مصاحبه با اصطلاح "ساز" قطب را ده و مسلطی اسلامی از کاسال دوم تلویزیون و حمله شده آنها به ح... جمهوری اسلامی و سردمداران آن، شنه در صفحه ۲

صد و شصت و یکمین سالگشت تولد فردریش انگلس آمو رگار کبیر پرولتاریا گرامی باد!

۱۳ صفحه

تلاش ز زبیم برای آزادی گروگانها

قافیه را بر روی زبونیستنها و اپورتونیستنها تنگ میکنند

۹ صفحه

آلبانی سوسیالیستی و دستاوردهای درخشان سوسیالیسم

۱۵ صفحه

ندیدن سوسیال امپریالیسم: نکته ای بس مهم در قضیه سعادت

۲۱ صفحه

عاشورا: نمونه ای از بخدمت گرفتن عزیز توده ها در جهت تخفیف تضادهای طبقاتی

۲۸ صفحه

رویزبونیستهای فدایی (اکثریت) به دفاع از سرمایه داری دولتی بر میخیزند! مروری بر مبارزات کارگران چپ تری و موضع گیری فدائیان (اکثریت)

۳ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سرمقاله...

متعاقباً دستگیری قطب زاده و رها کردن او پس از چند روز تحت فشار لیبرالها، نطق شدیداً لحن آیت الله خمینی در دیدار فارغ التحصیلان دوره دوم دانشکده افسری علیه لیبرالها و دفاع از روحانیت و جناح حزب جمهوری اسلامی بطور تلویحی و در پوشش حفظ وحدت و یکپارچگی، و فردای آن روز در اجتماع عده‌ای از اهالی قسم برای اولین بار حمله‌گاملاً صریح به لیبرالها بعنوان دشمنان اسلام، روحانیت و جمهوری اسلامی و نشان کشیدن برای آنها و دفاع صریح و آتشین از روحانیت و حزب جمهوری و سپس حمله عوام‌ل حزب جمهوری به دفتر روزنامه میزان در روزنامه سوغا و هاشور و سخنرانی بهشتی در دانشگاه تهران و بی‌پایه‌دانستن آنها مات جناح رقیب به حزب جمهوری اسلامی دست‌آخر سخنرانی بنی صدر در میدان آزادی، در روز عاشورا و موضع‌تثابی او علیه حزب جمهوری اسلامی و بطور تلویحی علیه آیت الله خمینی... نمودهای بارزی از اختلافات عمیق و تضادهای ریشه‌دار دو جناح هیتت‌حاکمه یعنی لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی را به نمایش می‌گذارد.

موضع‌تثابی بنی صدر در سخنرانی روز عاشورا و در مقابل به جناح رقیب قبیل از هر چیز مبین آنست که لیبرالها که بخصوص در دوره اخیر و از زمان نخست‌وزیری رجا شی به‌اینتر فاسوی جناح رقیب و آیت الله خمینی تحت فشار قرار گرفته‌اند، تصمیم دارند تا در برابر حمله حزب جمهوری کوتاه‌نمایند و با دست‌زدن بیک ضد حمله‌نه‌تنها از موجودیت سیاسی خود مواضع تدریجی که در اختیار دارند، دفاع‌نمایند، بلکه با تعرض وسیع‌تر و گسترده‌تر، به کسب مواضع بیشتری در قدرت سیاسی نایل آیند.

نطق آیت الله خمینی در روز هشتم محرم و سخنرانی بنی صدر در روز عاشورا بی‌انگراسی مسئله نیز هست که لیبرالها و در رأس آنها بنی صدر، اینبار در تعرض و تهاجم خود به‌تنها حزب جمهوری، بلکه شخصی آیت الله را نیز که به‌مراحت از روحانیت و حزب جمهوری دفاع کرده‌است، مورد خطاب قرار داده‌اند و این همان ویژگی‌ای است که تعرض اخیر لیبرالها را از حرکات قبلی آنها متمایز و تهاجمی و تهاجمی‌دهای دو جناح حاکمه را در سطحی گسترده‌تر و عمیق‌تر به‌نمایش می‌گذارد.

در پاسخ به این سوال که چه عواملی باعث موجب تعرض و تهاجم وسیع لیبرالها گشته، باید گفت که اولاً قدرت‌یابی روزافزون حزب جمهوری و در اختیار گرفتن پست نخست‌وزیری، برخی از وزارتخانه‌ها، اکثریت مجلس، شورای عالی قضائی و راديو و تلویزیون و کوشش این حزب برای محدود ساختن هر چه بیشتر قدرت جناح رقیب، لیبرالها را در موقعیت خلیف و در عین

حال تعیین‌کننده‌ای قرار داده‌است، بطوریکه با با بدتحت فشار جناح مقابل تن به عقب‌نشینی داده و مواضع کلیدی قدرت را از دست بدهند که البته این معادل با مرگ سیاسی آنها خواهد بود، و با با تهاجم عوام‌ل نیرومندی که در زیر پرده آنها آشکاره خواهد شد، دست‌به‌تعرض متقابل زده و با تحکیم و تثبیت مواضع و موقعیت کنونی خود، زمینه‌دستیابی به مواضع جدید قدرت و تضعیف جناح رقیب را نیز فراهم‌نمایند، لیبرالها در این تعرض خود، آنطور که ظاهر و در ابتداستندای امر ممکن است تصور شود، آنقدرها مهمی‌گذارنده‌اند و آنگاه که بتوانند به آن تمام‌سیاسی نام‌نمایند، آنها برگهای برنده‌ای را در این بازی در اختیار دارند که جناح رقیب، علیرغم توانائی‌های بالفعل کنونی و در پشت‌سرداشتن‌حاجی نیرومندی چون آیت الله خمینی، از دست‌چنین امکانات و برگهای محروم‌است.

لیبرالها تمایل از هر چیز متکی به ارتش و حمایت آن هستند، ارتش ایران که در اساس خود همان ارتش آریا مهری با همان سیستم و همان فرماندهان‌شاهنشاهی است، بخوبی نشان داده که میتواند تقبل و پیش‌از همه در کنار ریسورژوانی لیبرال قرار گرفته و بعنوان ارگان سرکوب بورژوازی، نقش خود را در حفظ و بقای سیستم سرمایه‌داری و بسته‌وحاکمیت امپریالیست‌ها برای ایران ایفا کند. دفاع همیشگی وی چون و چرای بنی صدر از ارتش و حمله‌و به‌تنامسی گروهها و نهادها‌ش‌که می‌کوشند به تضعیف آن بپردازند و مواضع گیری فرماندهان ارتش به نفع بنی صدر و رژیم، که هم‌اکنون ارتش میتواند در جنگ ایران و عراق داشته‌باشد، شاه‌نده‌است که بنی صدر در این ضدحمله خود، بر روی ارتش به عنوان یکی از برگهای برنده خود حساب‌باز میکند و امیدوار است تا در جنگ قدرت‌چناج‌های رقیب از آن حداکثر استفاده را بنمایند. عوام‌ل دیگری که بنی صدر و لیبرالها روی آن حساب میکنند، بهبود و گسترش روابط ایران و آمریکا بدنبال تصمیم‌خبر دولت مبنی بر آزاد ساختن گروهک‌ها و در همین رابطه ارسال سلاح و مهمات جنگی از سوی آمریکا به ایران و تقویت ارتش و امکان ادامه جنگ با عراق و جلوگیری از شکست قطعی میباید. اظهارات‌ها شمی رفسنجانی رئیس مجلس در مصاحبه اخیرش با روزنامه‌لبنانی "الفسیر" این مساله را بخوبی توضیح میدهد:

"ایران علیرغم تحریم‌صورت‌گالا از سوی آمریکا که از زمان گروهک‌گیری در سفارت آمریکا در تهران آغاز شد، همچنان اسلحه دریافت میکند."
وی بدون آنکه توضیح دهد اظهار داشت:
"ما شروع به دریافت چیزهای موردنیاز کرده‌ایم". (روزنامه‌کیهان ۲۵ آبان‌ماه - تا کیدازماست.)

نقطه‌نگاری سوم لیبرالها، توده‌های وسیع مردمی است که تاکنون و بطور روزمره از حزب جمهوری اسلامی و حتی آیت الله خمینی کنده شده و متأسفانه به‌دلیل نبود یک قطب و اکثریت تهاجمی، پشت‌سر لیبرالها که میکوشند تا متأسفانه با آنها و بدبختی‌ها را بر سر حزب جمهوری و عوام‌ل و انصارش خراب‌کنند، جمع‌نمایند. جمعیت‌کثیری که در سالگرد هفده شهریور و عاصرای اسال در میدان شهدا آزادی‌یابی صحبت‌بنی صدر کردند و استدلال وسیعی که از او بعمل آوردند، و مواضع حمایت‌و پشتیبانی سازمان‌مها هدین خلق از لیبرالها و بنی صدر در مقابله‌ای افت‌و کاهش شدیدتر فرمان‌حزب جمهوری، میتوانند با به‌مهم‌و قابل‌انگاشی برای بنی صدر و طرفدارانش بوده‌و از آن بعنوان برگ برنده قابل اطمینان، در برابر حریف و رقیب خود استفاده‌نمایند.

بهر حال آنچه که قطعی است و تاکنون صورت واقعیت بخود گرفته، تصمیم‌جدی هر دو جناح به حفظ مواضع قدرت و پیشروی برای کسب مواضع جدید است. هر دو رقیب از این مساله بخوبی آگاه‌هی دارند که هرگونه عقب‌نشینی، به معنی تضعیف قدرت خود و تقویت جناح مقابل است و از همین رو علیرغم‌ناکیدات لفظی آنها بر روی حفظ وحدت و آثار عوام‌ل‌ناشی از تفرقه و اختلاف بویژه در شرایط جنگی (که البته این به‌پیچ‌و‌خم معنی‌نا دیده‌گرفتن وحدت آنها در سرکوب جنبش و انقلاب نیست)، از هر امکان و ابزاری برای ابراز مخالفت و تعرض و حمله‌به‌یکدیگر و آزاداشتن حریف به‌عقب‌نشینی استفاده میکنند. این جنگ قدرت در گذشته نیز وجود داشته‌و در آینده نیز وجود خواهد داشت و اگر این درست‌است که بحران دریا شین، موجب بحران دریا لا میشود، بدون تردید فلاکت‌ناشی از جنگ و گسترش گران‌نی، فقر، بیکاری در میان توده‌ها و سرکوب‌بازهم بیشتر آزادی‌های سیاسی از سوی رژیم و نتایج شدت‌یابی بحران اقتصادی و سیاسی جامعه، بمعنی شکاف هر چه بیشتر دریا لا و تا شیر متقابل آن در پاشین و نتیجتاً رشد و گسترش هر چه بیشتر جنبش توده‌ای خواهد بود. آنچه در این میان اهمیت دارد، کار وسیع آگاه‌گرانه در میان توده‌های زحمتکش و بویژه کارگران و ارتقا و شکل مبارزات آنانست... هم‌اکنون جنبش اعتراضی توده‌ها بویژه در میان آوارگان جنگ در حال شکل‌گرفتن است و این هنوز ابتدای کار است. تب جنگ ایران و عراق و حرارت‌ناشی از آن در نزد توده‌ها بتدریج فروکش میکند و سردی و فلاکت‌ناشی از این جنگ افزون بر بحران عمیق سیاسی و اقتصادی جامعه که تقبل از جنگ و بدون آن نیز وجود داشته و خواهد داشت، جنبش اعتراضی توده‌ها را هر چه

بقیه در صفحه ۱۳

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



خراج ۱۲۶ نفر از
کارگران و کارمندان
صنایع فولاد اهواز:
"خیرات" جنگ ارتجاعی

عوارض فلاکت با رنجگ کنونی هرروزبیش از پیش گریبا نکیرکارگران و زحمتکشان کشور- مان، بخصوص کارگران و زحمتکشان مناطق جنگی میشود، یکی از این عوارض بیکاری کارگران میباشد. براساس جنگ ایران و عراق عده زیادی از کارگران مناطق جنگ زده از کار رستاده اند، رژیم جمهوری اسلامی در این اوضاع واخواست شرایط را مسا عدیده تا درکنار بازاری ارتش ضد خلقی و سرکوبی نیروهای انقلابی و کمونیست و سرکوب خلق کرد، دست نه اخراج کارگران بزند و هرکس را هم که اعتراضی در این باره بکنند تحت عنوان "ضد انقلاب" و "شون پنجم دشمن" سرکوب نماید.

اخیرا درصنایع فولاد نیز ما شاهد پیاده شدن این سیاست از جانب ایادی رژیم جمهوری اسلامی هستیم. "سیج جمعه اسلامی مجتمع فولاد" که از عناصر مزدور مجتمع تشکیل شده است، اطلاعاتی صادر میکند مبنی بر آنکه هرکس بیشتر از ۶ روز غیبت داشته باشد از کارخانه اخراج میگردد. در پی صدور این اطلاعیه در تاریخ ۱۲/۸/۵۹، ۱۲۶ نفر از کارگران و کارمندان شرکت ما و ذوب شماره ۱ را از کارخانه اخراج میکنند. در شرایطی که قحطی - گرانی بیش از پیش به کارگران و زحمتکشان فشار وارد میآورد و خانواده هایشان آواره گشته اند و خانه هاشان نشانی ویران شده است، "سیج مجتمع فولاد" یا همان مزدوران جمهوری اسلامی با اخراج عده ای از کارگران فشار وارد بر آنها را دوچندان کرده و آنها را در معرض فقر و فلاکت قرار داده است و ما هیت ضد کارگری خود را بنمایش گذاشت. رژیم جمهوری اسلامی از یک طرف ادعا میکند که بخاطر منافع کارگران و زحمتکشان در این جنگ شرکت کرده است. اما از طرف دیگر با اخراج و بیکار کردن آنها، در عمل ثابت میکند که نه تنها بیکاری و گرسنگی هزاران کارگر و زحمتکش برایش کمترین ارزشی ندارد، بلکه این منافع سرمایه داران است که با بستن برآورده و حفظ شود.

کارگران مبارز!

مسلمانان آخرین اقدام برای اخراج کارگران مجتمع فولاد نمی باشد، بلکه در آینده ما با زحمات اخرجیهای وسیع دیگری هستیم که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بعلمت ماهیت ضد خلقی اش و با استفاده از شرایط جنگ انجام میدهد.

بقیه در صفحه ۷

رویزبونیستهای فدائی (اکثریت) به دفاع از سرمایه داری دولتی برمیخیزند! مروری بر مبارزات کارگران چیت ری و موضعگیری فدائیان (اکثریت)

کورس (کارفرمایان کارخانه) بر سر منافع کارگران داشت و در سال ۵۵ بوسیله سنا و اک دستگیر و زندانی شده بودند اینک در جریان قیام آزاد گردیدند این امر موجب افزایش شدید محبوبیت وی در میان کارگران شده بود و از همین روتلاش میکردند تا او را برگردانند و موفق هم شدند. اما سعواتی بعد از ارتقاء موقعیت شغلیش به عنصری سازگار تبدیل گردید و حتی اختلافش با کورسها که منجر به زندانی شدنش گشته بود، عمدتا جنبه شخصی داشت به همین دلیل بعد از بر گشتن او به کارخانه، اولین خواستهای که مطرح کرده بود گرفتار ۲۷۰۰۰۰ تومان غرامت دو سال بیکاری بود. کارگران که عده بسیار کمی بودند، تا اینکه سرانجام وی پولش را گرفت و بعد - از استخفا مرسمی بعنوان رئیس شورای (که شورایی فرمایشی مشکل از سرپرستان و سر کارگران و عواما مل کارفرما بود و بعد از قیام تشکیل شده بود)، برگزیده شد. در چنین شرایطی بود که نیروی جدیدی از طرف دولت وارد کارخانه شد. این نیرو که "بینا دستمغفین" بود با ادعای ملی کردن کارخانه سعی کرد تا در میان کارگران نفوذ پیدا کند. البته روشن است که اینگونه "ملی کردن"ها از جانب ارگانهای وابسته به رژیم ارتجاعی، بجای زانسانرویزبونیستها (که آنرا اقدامی انقلابی میخوانند)، نمیتواند حمایت کارگران را جلب نماید. چرا که این "ملی کردن"ها در واقع جایابی ثروت از حبس این دارودسته سرمایه دار به عده ای رودسته دیگریست که قدرت را در دست دارد و چرا که این "ملی کردن"ها یعنی حفظ همان وابستگی به امپریالیسم.

"بینا" برای پیشبرد منافع خود ما نعی چون شورا مواجه بود. شورا و در آن سعواتی که بدنبال منافع خرد بود و ما هیتی ضد کارگری

بقیه در صفحه ۸

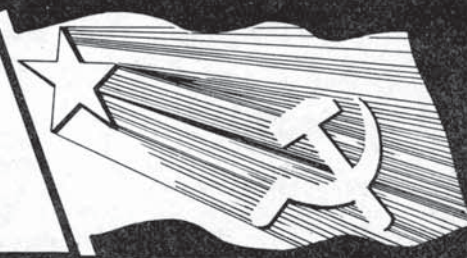
طبقه کارگران ایران در طی مبارزات خلق که منجر به قیام مپهم ماه و سرنگونی رژیم شاه شاه شد گردید، اگر چه از ستاد در زنده و اعمال رهبری خود بر جنبش، محروم بود، لیکن تجربیاتی بس - گرا تنها کسب نمود که موجب عمیق تر شدن مبارزات کارگری گردید. یکی از این تجربیات که در اینجا سعی خواهیم کرد، به بررسی آن بپردازیم، مبارزات کارگران چیت ری بعد از قیام است، تجربه ای که رویزبونیستهای "اکثریت" در به - اصطلاح تحلیل آن، ما هیت ضد کارگری و خائنانه خویش را بیش از پیش عریان نموده اند. فدائیان "اکثریت" که جا بپلوسی از سرمایه داران و رژیم مدافعشان را پیشه خود قرار داده اند، در این کارخانه به دفاع از ارگان دولتی و ضد کارگری "بینا دستمغفین" پرداخته اند. آنها با شیوه ماکیا ولیستی به تحریف واقعیات پرداخته و از جمله رفقای ما را به دفاع از شورای ضد کارگری و کارفرمای سابق کارخانه متهم ساخته اند. ما سعی خواهیم کرد در روند بررسی این تجربه - کارگری ما هیت ضد کارگری رویزبونیستها را نشان دهیم.

۱ - تاریخچه مبارزات کارگران چیت ری: نخستین اقدام انقلابی کارگران در اردیبهشت ۵۸ بود که طی آن کارگران، خشمگین از اقدامات ضد کارگری رئیس کارگزینی (خان محمدی) و رئیس نگهبانی (شرابی)، بطور دستجمعی به کارگزینی هجوم آورده و خان محمدی را که ظلمهای زیادی به کارگران کرده بود، بیرون انداخته و شرابی را هم دیگر به کارخانه راندند.

در این هنگام کارگران درگیر مسئله دیگری هم بودند و آن برگرداندن نماینده سابقشان "منصور سعواتی" به کارخانه بود. سعواتی کارگری سابقه ای بود که حدود ۱۲ سال در کارخانه کار کرده بود. او که به همراه کار، درس میخواند، بعد از گرفتن دیپلم، ارتقاء یافته و کارمند کارگزینی گردید. او درگیریهایی با برادران

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۶)

رویزونیست‌ها، آنا رشیست‌ها و آمیختن تبلیغ باتوده‌های وسیع

گفتمیم که با بدعنوان مبلغ، مروج و سازمان ده‌بیمان توده‌ها رفت، ویژگی تبلیغ و اینکه توان یک سازمان یا حزب بستگی تا به نفوذ ایدئولوژیک - سیاسی در میان توده‌های وسیع دارد، رابازگفتم و تاکید کردیم که بدون تبلیغات گسترده در میان توده‌ها، سخنی هم از نفوذ گسترده در میان زحمتکشان نمیتوان به میان آورد. اکنون به انحرافات رویزونیستی و آنا رشیستی که در ارتباط با پیوند با توده‌ها، میتواند در مرتب تبلیغ رخ دهد، میپردازیم:

رویزونیست‌ها و دیگر نمایندگان بورژوازی توجه بسیاری به این اصل تبلیغ از خود نشان میدهند. آنها همیشه میگویند با بدعنوان توده‌ها رفت، آنها خود را مبلغ می‌توانند میدانند اما آنها معتقد به مشی توده‌ای - انقلابی در تبلیغ نیستند. آنها برای در آمیختن با توده‌ها دنبال پست ترین عواطف و عقب مانده ترین بخش توده‌ها می‌افتند. آنها همواره کمونیست‌ها را از منفر شدن از توده‌ها میترسانند درحالی که خود سیرا بده‌ها که بورژوازی در میان توده‌های نا آگاه تبلیغ میکنند مچ میگذارند تا مبادا توده‌ها برنماید آنها برای اینکه دل توده‌ها را بدست آورند، نقش بزاخش را بازی میکنند که در مقابل نا آگاه‌ها، توهوم عقب ماندگی توده‌ها، مداسر را بعلامت تاخیرتکان میدهند. مثلا در فرآیند و جمه‌پوری اسلامی، رویزونیست‌ها به بیانه جدا نبودن از توده‌ها، رای آری را تبلیغ کردند. آنها در حقیقت به بیانه در آمیختن با توده‌ها، به تبلیغ شعارهای بورژوازی که در میان توده‌ها طرفدار داشت می‌پرداختند. رویزونیست‌ها از رفتن بمیان توده‌ها، افتادن به قعر منجالب نا آگاه‌ها، توهوم عواطف پست توده‌ها را در نظر دارند، چرا که این روحیات توده‌ها بیش از همه بسود بورژوازی است! کمونیست‌ها به میان توده‌ها میروند تا روحیات انقلابی را در آنان تقویت کنند، آنها را آگاه کرده و تسلط زحمتکشان آگاه به منافع طبقاتی خود، ارتقاء بخشند. درحالی که رویزونیست‌ها در تبلیغات خود میکوشند از ارتقاء روحیات آتشین توده‌ها جلوگیری و مانع آگاه‌ها

آنان شوند. در ۲۰ ماهه پس از قیام، مثلث تبلیغات فدائیان را بنگرید (حتی در همان هنگام که هنوز رویزونیست نشده و انقلابی نبودند) آنها در تبلیغات خود تا چه حد میکوشیدند سلاح آگاه‌ها را بر علیه امیربا لیسوم و ارتجاع ارتقاء بخشند. تا چه حد روحیات توده‌ها را بسود سرنگونی سرما پیداری و ایستة برمی - انگیزتند. حتی معاهدین را که یک نیسروی انقلابی است، بنگرید، آنها به تبلیغات بسیار به داده و توده‌های وسیعی را نیز جذب کرده‌اند. اما آنها با این توده‌ها چه کرده‌اند، آیا آنها را تا سرحد زحمتکشان آگاه به منافع طبقاتی واقعا آموزش داده‌اند، آیا بروحیات آتشین توده‌ها دمیده‌اند، با برعکس با تبلیغ صبر و سکوت و توسری خوری جلوی غلبان خشم مقدس توده‌ها را نیز تا حدی گرفته‌اند، البته، ما تا آن حدی که این نیروها در آگاه‌ها بخشیدن به توده‌ها کوشش کرده‌اند، ارج میگذاریم، اما مسئله اصلی اینجاست که آنها بیشتر به جذب توده‌ها توجه داشتند تا ارتقاء توده‌ها، رویزونیست‌ها در میان توده‌ها دست به تبلیغات وسیع میزنند، اما نه برای انقلاب، بلکه برای سوار شدن بر توده‌ها و برای تبدیل آنان به بره‌های رای می در جهت منافع خود، آنها از میان توده‌ها، رهبران مبارزه طبقاتی را تربیت نمیکنند. تبلیغات آنان توده‌ها را آموزش نمیدهند نسبت به دشمنانش بر نمی‌انگیزد و آگاه نمیکنند. رویزونیست‌ها از منافع توده‌ها حرکت نمیکنند، به بیانه توهوم توده‌ها، بر نا آگاه‌ها و روحیه خمود توده‌ها دامن میزنند. علاوه بر این رویزونیست‌ها در تبلیغات خود به قشر عقب مانده توده‌ها تکیه می‌کنند، بر مبنای روحیات و نیازهای آنان تبلیغات خود را اجرا می‌دهند، یک انحراف رویزونیستی دیگر که بصورت آکونومیم خود را نشان میدهد، تبلیغات فقط در میان کارگران و عدم پیوند با دیگر طبقات است و طبیعی است که آکونومیم‌ها در همین تبلیغات نیز فقط به مسائل اقتصادی توجه میکردند.

آنا رشیست‌ها، به توده‌ها می‌توجهند، در عشق توده‌ها با ظواهر رسوز و گذارند، اما نمیدانند با نمایی

توانند با توده‌ها پیوندی انقلابی برقرار نمایند، آنها رشیست‌ها نسبت به تبلیغ در میان توده‌های وسیع بی توجهند و با تبلیغ رافضط منحصربه‌فشر پیشرو توده‌ها میدانند، آنها به کار صورت‌انقلابی برای آگاه کردن توده‌ها اعتقاد ندارند، رفیق پویان را در نظر بگیرید پس از دو ماه کار در کارخانه این نتیجه میرسد که کارگران، لمپن هستند و بدرد نمیخورند، آنها رشیست‌ها به افشاگریهای سیاسی بعنوان یک نیروی تغییرچران اعتقاد ندارند آنها این حرف‌لنین را بهیچ میگیرند که:

"... افشاگریهای سیاسی بخودی خود، یکی از وسائل توانای متلاشی ساختن رژیم متخاصم، یکی از وسائل حد نمودن متفقین تصادفی و با موقتی از دشمن و یکی از وسائل کاهش تخم‌نفاق و عدم اعتماد بین شرکت‌کنندگان دائمی حکومت مطلقه است، در زمان ما حزبی نمیتوانند پیش از آگاهی انقلابی گردد که بتوانند موجهات افشاگری‌ها را واقعا در برابر آگاه مردم فراهم سازد. این واژه‌ها به مردم دارای مضمون بسیار وسیعی است." (چپا یادکرد، تاکید از خولین است.)

آنها رشیست‌ها از آنجا که به توده‌ها بعنوان یگانه برپا دارندگان انقلاب اعتقاد ندارند با به‌جذب توده‌های وسیع از طریق تبلیغات و افشاگری‌ها گسترده بی اعتناء هستند و بازمانی هم که دست به تبلیغات میزنند، از آنجا که روحیات توده‌ها را در نظر نمیگیرند و بی‌نیازهای اساسی آنها نمی‌برند، قادر به انطباق تبلیغات با توده‌ها نیستند، تبلیغاتشان آنقدر جدا از مسائل توده‌هاست که نمیتوانند آنها در هم آمیزد و با چون میزان توهوم نا آگاه‌ها توده‌ها را در نظر نمیگیرند بصورت نا آشنا نه‌ای در میان توده‌ها را به اعمال عکس‌العمل‌های تند بر می‌انگیزد. در این میان میتوان به مثال استالین در مورد تبلیغات ضد تزار برخی از بلشویک‌ها "چپ رو" اشاره کرد که بجای پیوند با توده‌ها، از آنان دور تر میشدند و سخن لقب مبلغ ناشی میگرفتند، انحراف "چپ" و آنا رشیستی در تبلیغ نمیتوانند بصورت برخورد "آگاه‌دمیستی" و روشنفکرانه نیز جلوگیری کند که البته خود نشان عیب ما ندگی مبلغین نیز هست. مثلا برخی میتینگ‌های نیروهای کمونیستی در گذشته فاقد خصلت توده‌گیری و انطباق با توده‌ها بود برخی رفقا میتینگ تبلیغی را با کلاس مروحین اشتباه گرفته و با پیام‌های طویل و غیر تبلیغی خویش سر شرکت کنندگان در میتینگ را بدرد می‌آوردند انکار که نمیکند استند به جذب توده‌های وسیع مبادرت کنند.

رویزونیست‌ها توده‌ها را برای زائیده ساختن بورژوازی میخوانند و تبلیغ را در این جهت سازمان‌دهی میکنند ولی آنها رشیست‌ها تبلیغی به پیوند با توده‌های وسیع از خود نشان

خلق ها و مسئله ملی



اخباری از کردستان

اسامی شهدای کشتار ایندرفاقش

- ما خیر قتل عام فجع اهالی روستای ایندرفاقش توسط پاسداران را در پیکار شماره ۸۱ آوردیم. لیستی که در زیر ملاحظه میکنید ما سی قریباً نیا این جنایت فجع میباشد:
- ۱- حاجی مصطفی وهتمان ۱۸- علی با یزید
 - ۲- حسین خدری حاجی ۱۹- ابراهیم پیرسالی
 - ۳- کریم سیدی ۲۰- ما مرحیم
 - ۴- سلیمان کریمی سیدی ۲۱- محمد مره
 - ۵- علی قنبری ۲۲- دابوش محمد رسولی
 - ۶- خدری قنبری ۲۳- با یزید (اسما عییل بیگ) برخانه
 - ۷- حسن خدری ۲۴- حاجی خوسه
 - ۸- رسول سیدی ۲۵- حسین خوسه
 - ۹- رحمان صوفی ۲۶- ابوبکر خوسه
 - ۱۰- مولودی سواره ۲۷- عبداللہ رسولی
 - ۱۱- خسروا موسی ۲۸- ما م عبداللہ
 - ۱۲- سیدعلی حسینی ۲۹- پسر ما م عبداللہ
 - ۱۳- استا دحسین ۳۰- سید عثمان
 - ۱۴- ایرج دریزی ۳۱- عثمان دیواری
 - ۱۵- زبیده علائی ۳۲- عصمت محمددشتی
 - ۱۶- محمود پیروتی ۳۳- بلال
 - ۱۷- محمود رسولی ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ - ناشناس

انقلابیون سقر تظاهرات رژیم را به حرکتی بزرگ ارتجاع تبدیل کردند

سقر ۱۳/۸/۵۹

در این روز بدعت مزدوران رژیم جنا بتکار و نیز فرماندار منفقوسقر، قراشردرا هیماشی صورت گیردنیروهای فذخلق به سبک قوانین آریامهری طی ابلاغیه ای به تمام مسدارس و ادارات و سازمانها را علام کرده بودند که آنها حتما در این تظاهرات شرکت کنند. اما دانش آموزان مبارز جوانان انقلابی شهر برنا مهذا انقلابی مزدوران را به حرکتی برضد رژیم تبدیل کردند. دانش آموزان انقلابی بهنگام حرکت از مدار خود به طرف محل تظاهرات، با نظمی انقلابی شروع بدان شعار نمودند. آنها با دادن شعارهاشی از قبیل "ه بیژی شورش موقا و مه تی خالکی کورد" (پیروز با دجنش مقاومت خلق کسورد) "پیش مه رگه تا و ت به رزه دو ژمن نه خا تله زره" (پیشمرکه بلندآ و زهای، سمت پشت دشمن را به لوزه درمیا ورد) و با خواندن سرود (شعی ره قیب) براستی که پشت دشمنان خلق کرد را بلرزدر آوردند. درهمین حین جوانان انقلابی

بقیه در صفحه ۶

پیام سپید عزالدین حسینی درباره برخورد آگاهانه به جنگ

کشتار اهالی بیدفاع دزفول و سایر شهرهای ایران، بدست تحاوزگران بعث عراق، بانگ و فریاد بر میاورد، تبلیغات گسترده بر اسی - اندازد و شکایت میکند که چرا جهان اسلام در مقابل این جنایات سکوت میکند، اما در همان حال با تعرضات نظامی جدید به شهرها و روستاهای کردستان، صدها نفر از مردم مسلمان کرد از جمله زنان و کودکان بیدفاع را به شهادت رسانیده و دهها هزار نفر دیگر آواره کرده است. ... آیا ممانعی که حکام بعضی عراق به عنوان یک دولت مهاجم خارجی به مردم خرمشهر، آبادان، اهواز، دزفول و دیگر شهرهای ایران تحمیل کرده است، با وحشیگریهایی که دولت جمهوری اسلامی ایران در داخل کشور خود به هنگام اشغال خونین سنج، سقز، بانه، مریوان، مهاباد، و دیگر شهرهای کردستان مرتکب گردیده تها و تسی دارد؟ گفته سیدی:

بیری مال مسلمان و جومات ببرند بانگ فریاد بر آری که مسلمان نیست؟ حرکات خونخوارانه هیات حاکمه در یکماه اخیر در کردستان، نشان داده است که این رژیم

بقیه در صفحه ۶

اخیرا سید عزالدین شخصیت ملی و مذهبی خلق کرد در باره توطئه های جدید رژیم ایران و عراق بیانیه ای صادر کرده که در زیر قسمتهاشی از آن را منتقل از خبرنا مه کومله شماره ۸۷ مورخه ۹ آبانماه منتقل میکنیم:

پیام ما موستا ما موستا سید عزالدین با انتشار اعلامیه ای در مورد رویدادهای روزهای اخیر بشمرگان جنبش مقاومت را دعوت نمود که با رفتن آگاهانه خود مبارزات عادلانه خلق کرد را همچنان با دوراندیشی و سیاست درست پیش ببرند و بدین طریق با همه توطئه های رژیم ضد خلقی ایران به مقابله برخیزند. در اینجا به قسمتهاشی از این پیام اشاره میکنیم:

"... پیشمرگان قهرمان کردستان! خلق ستم دیده و مبارز کرد! در حالیکه آتش جنگ دولتها را ارتجاعی ایران و عراق روز بروز بیشتر جان و سامان خلقهای دو کشور را بکامشعله های خانمانسوز خود میکشاند دولت جمهوری اسلامی ایران جنگ کردستان را بیش از پیش و در ابعاد خونین تری گسترش داده است هیات حاکمه ضد خلقی ایران، از



حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۵ انقلابیون ...

بلاک ردهای توپن آ میز نسبت به جنبش مقاومت خلق کرد را پاره کردند. نظا هرات همچنان ادامه یافت. وشعاهای انقلابی "محمل میرزمد، ارتجاع میبارزد" فضای شهر و خیابانها را زیر چکمه های خونین مزدوران رژیم پلرزده در آورده بود.

رژیم از قریط وحشت نیروهای جاش و پاسدار خود را برای شناسائی نیروهای انقلابی و دستگیری آنها بسیج میکند و عده ای از جوانان و مردم انقلابی شهر به توسط مزدوران دستگیر میشوند. به این ترتیب بعد از مدتی با تسلط رژیم بر جو نظا هرات، نیروهای انقلابی از صفوف نظا هرات خارج میشوند و فقط دار و دسته های مزدور در معیت حاشها و پاسداران در محله های میمانند. هم چنین خاشنن به خلق یعنی سازمان جریکهای اکثریت و حزب خاشن توده نیز دست در دست ضد خلق، فعالانه در نظا هرات ضد انقلابی مزدوران شرکت میکنند. نظا هرات انقلابی اهالی مبارز قزق بویزه جوانان انقلابی تاشر عظیمی بر روجه مردم گذاشته و آنها از حرکت نیروهای انقلابی باغوش باز استقبال نمودند آن روز مردم، در تمام مناطق شهر از نظا هرات و وحشت سی پان رژیم از همسنگی و پیوند آهنین خلق کرد سخن میگفتند.

پیروزی با جنبش مقاومت خلق کرد!

ضرب شست پیشمرگان
فهرمان به ضد خلق

بانه ۵۹/۸/۹

در این روزیونی که از با نه طرف روستای "بوین" برای با صلاخ با کمازی در حرکت بود مورد حملات شجا عا نه پیشمرگان نه همران جنبش مقاومت قرار گرفت. در این حمله عده ای از اجاشها و پاسداران و ارتشیان به هلاکت رسیدند.

ارتش اردن

در شهرهای کردستان عراق

مستقر شد

نیروهای ارتش اردن وارد شهرهای کردستان عراق شدند.

طبق اخبار رسیده از کردستان عراق طی روزهای اخیر رژیم فاشستی بعث مومنت خود را در شهرهای کردستان بوسیله نیروهای ارتش مزدور اردن تقویت کرده است. قسمتی از این نیروها را عده ای جاش و دیگر نیروهای بعث عراق در شهر قلعه دزه و هم اکنون در تدارک حمله ای بسوی با بگا ههای پیشمرگان اتحادیه میهنی کردستان عراق می باشد. رژیم بعث عراق با وجود آنکه در جنوب ایران وسیعاً درگیر جنگ است از حمله نیروهای مبارز در کردستان عراق غافل نیست.

طی هفته های گذشته، دوبار بسوی با بگا ه های پیشمرگان در شنی پیروی نمودند که هرناربا مقاومت سرخنا نه نیروهای اتحادیه میهنی روبرو گشته و با دادن عده زیادی کشته و زخمی، مجبور به عقب نشینی گردید.

مختصری از اوضاع کردستان

کردستان قهرمان نه همران در اثر محاصره اقتصادی در حال ابتلا به قحطی و گرسنگی تمام عیار است. روستاها تحت شدیدترین فشار اقتصادی قرار دارند. در برخی از روستاها مردم زحمتکش حتی از داشتن نفت برای روشن نگه داشتن لامپا های خود در شبها نیز محروم هستند. پاسداران ضد خلق و جاشها از ورود ازا ق به روستاها جلو گیری میکنند. خبری حاکی است که عده زیادی از منتقصان خدمت عا را به کردستان اعزام کرده اند و بخشی از آنها در سقز مستقر شده اند. در میان این عده، کسانی نیز دیده شده اند که از شهرهای جنوبی کشور به کردستان اعزام شده اند بدین ترتیب رژیم ارتجاعی علیرغم جنگ با عراق، لحظه ای از سرکوب خونین خلق کرد غافل نیست.

آموزش و پرورش کردستان نیز اعلام کرده است که تا با صلاخ با کمازی و در حقیقت تصفیه انقلابیون از ادا ره صورت نگیرد، مدارس با ساز نخواهند شد. همچنین اخیراً رژیم حقوق معلمین کردستان را که هنوز بعثت با ز شدن تمام مدارس سرکار بر سر نگشته اند، قطع کرده است و قرار است فقط ۴ حقوق آنها را برداخت کند. در ضمن قرار است که اگر در خانوادهای دونفر کارمند یا معلم وجود داشته باشد، فقط حقوق یکی از آنها پرداخت گردد. با این کار ارتجاع حاکم علاوه بر کشتار خلق کرد، و محاصره اقتصادی برای تامین بودجه های نظامی خود بیش از پیش از خلق زحمتکش را تحت فشار قرار میدهد.

پوزش

"با چشم باز در افاق خونین کردستان" خاطرات یک سرباز که ۱۳ قسمت آن در بیکارهای گذشته آمد از این شماره قطع میشود و مجموعاً بصورت جزوه در اختیار علاقه مندان قرار خواهد گرفت.

بقیه از صفحه ۷ اتحاد ...

مدیرعامل که حرکت کارگران و کارکنان مبارز اخراجی از یک طرف و بیستیمانی اکثریت کارگران از آنها را دیده بود، مذبحا نه تلاش میکرد که به هر نحوی شده این حرکت مبارزاتی را باخواباند. پس از مدتی جروبحث، مدیرعامل متوجه شد که نمیتواند به این سادگی هانیت بلید خود را عملی کند. در نتیجه مخفیا نه با خبر کردن سپاه پاسداران کارخان نه فولاد شهر و زرس شهر، سعی در سرکوب این مبارزه نمود. پاسداران که تعداد آنها به ۲۵ نفر رسید پس از ورود به کارخانه ابتدا به محاصره ساختمان مرکزی که کارگران و کارکنان اخراجی در آن بودند، دست زده و سپس تمام محیط کارخان نه را به اشغال نظامی خود در آورده و اجازه خروج به هیچکس نمیدادند تا راحت تر بتوانند به سرکوب و دستگیری کارگران اخراجی بپردازند. آنها با لخره با زور سرنیزه

بقیه از صفحه ۵ پیام ...

علیرغم گسترش جنگ ایران و عراق و از دست دادن بخش بزرگی از خاک خود، هنوز هم به سرکوب خلق کرد! صمیمیت بیشتری میدهد. سر تا مه جدید هبات حاکمه این است که با بهره گیری از جنگ با عراق، ضمن سرکوب مبارزات سراسری ایران برقراری حفا ن فاشستی در کشور و توطئه سکوت در مورد اخبار کردستان، سخا ل خود، کار سرکوب خلق کرد را، با شدیدتسا رنظا مسی و اغتصادی بکسره کند. ... پیشمرگان دلیر و فداکار کردستان شما که تفنگ بر دوش و جان بکف، در راه برافتخار دفاع از خلق رنج دیده کردید - کدام راه بد فرما موش نکند که همواره با سیاست صحیح انقلابی بر تنگنای حاکم باشد ...

بنا بر این، در اقدام به هر حرکت نطامی باید نتایج سیاسی آن را به خوبی ارزیابی کرده و آگاهانه نه به آن ر خورودنما شیم. این رژیم ما سرطخ و آتشی نداد و حاضریه دادن حقی نیست بنا بر این با بد مبارزه خود را مبارزه ای طولانی بدانیم که تنها با اشکا، توده های مردم و بسا فداکاری و جانبازی شما فرزندان خلق بسه پیروزی خواهد رسید. در این شرایط که دشمن چون گرگ ها در دست به حمله میزند و مردم کردستان با ر سنگین شهادت عزیزان و سختی و مشقت خانه خرابی و آوارگی را تحمل میکنند، بر شما واجب است که بیش از هر وقت دیگر، نگران خان وهستی مردم و همزمان خود باشید، زیرا برای ادامه این مبارزه سخت و طولانی ما با بد تلفیات و ویرانیها را به حداقل ممکن برسانیم.

در راه با بد مبارزه مردم، چه در داخل کردستان و چه در مورد خلقهای دیگر ایران بخصوص مردم مناطق همسایه با بدطوری رفتار حسنه و انقلابی داشته باشید که آنها را هر روز بیش از قبل به حقا نیت مبارزه و آینه پیروزی مندان مطمئن گردانید.

وز - تواناستند کارخان نه را فتح کرده و کارگران و کارکنان اخراجی را با ما شنیهای خود بپزند. این منطق هم جوامع طبقاتی است که در آن دولت به توسط ارکانهای سرکوبگر خود، منافع طبقات استثمنا رگرو در اینجا منافع سرمایه داران و کارفرمایان را پاسدار می کند.

پس از اینکه کارگران اخراجی را در دادگاه زرس شهر زندانی میکنند، بزور از آنها تعهد میگیرند که دیگر در جلو کارخان نه تجمع نکنند و سپس آنها را آزاد مینمایند.

کارگران مبارزان می بینیم که مدیرعامل بقیه در صفحه ۸



کارگران چیت ری با افزایش استثمار به بهانه جنگ مبارزه می کنند!

در پی وقوع جنگ و خاموشیهای مداوم بعضی از کارخانه‌ها عملاً خوابیده اند ولی در بعضی کارخانه‌ها شیفت کاری زیاد شده و با وجود خاموشی در شب، ساعات کار به سه شیفت تبدیل شده است این موضوع خطرات فراوانی برای کارگران دارد، ولی سرمایه داران زالوصفت ترازانند که بفرکارگران باشند.

مهندس ترجمانی (*) نماینده "بنیاد مستضعفین" (همه کارچیت ری) که به هیچ وجه حاضر به کم کردن ساعت کاری نمی باشد، در شبهای اول جنگ بر اثر خاموشیها فشار بسیاری به کارگران وارد آورد و دوسه شیفت در کارخانه تریب زبرگذاشت: از ۶ صبح تا ۲ بعد از ظهر، از ۲ تا ۱۰ شب و از ۱۰ شب تا ۶ صبح.

کارگران زن که به همراه کودکان خود به کارخانه می آیند، از این بابت نگران بودند، این فشارها باعث شده که کارگران بصورت پراکنده و چند نفری جلوی ترجمانی را گرفته و بسا اعتراض میکنند. مهندس ترجمانی در مقابل خواست آنها جواب سریالاً میداد و در جواب کارگرانی که گفته بودند: "مگر تولید فقط روی چیت ری میجرخند؟" و "من که با بچه ام به کارخانه می آیم نمی توانم شب در تاریکی آنها را به خانه ببرم" گفته بود: "اصلاً به من ربطی ندارد، شما کارگرید و با بچه ۸ ساعت کار کنید."

کارگران نماینده های خود را بخاطر این موضوع تحت فشار قرار میدهند. بر اثر فشار کارگران، نماینده ها با مهندس ترجمانی جلسه ای برای کم شدن ساعت کاری گذاشتند، ولی از آنجا که نمایندگان مدافع کارگران نبودند مثل همیشه با مهندس به توافق می رسیدند که کارگران با بدکارکنند.

کارگران خودشان دست به کار میشوند و شیفت دوم کارخانه را تعطیل میکنند. در این هنگام نگهبانان ناآگاه جلوی خروج آنها را میگیرند، ولی کارگران که خشم سراپای وجودشان را گرفته بود با عصیانیت داد میزنند:

"نگذار همان بلایی که به سر ترجمانی در خوابیم آورد به سر تو هم بیاوریم" و با زور و فشار مقاومت نگهبانان را شکسته و روانه خانه هایشان میشوند.

فردای آرزو که ترجمانی از حرکت کارگران

(*) همان شخصی است که روی میز نیستیهای اکثریت برایش سینه چاک کرده اند.

با خبر میشود، بوسیله جا سوزان خود و نیروی ویژه لیسستی از کارگران فعال این جریان تهیه میکند. ۶ نفر اولی که در لیست قرار داشتند زغال-ترین کارگران ذربا فندگی ۲ هستند. این کارگران قدیمی میباشند و دارای نفوذ زیادی در کارگران هستند. وقتی خبر اخراج این ۶ نفر به گوش بقیه کارگران میرسد، دست به اعتصاب میزنند و تنها ما شینهای با فندگی ۲ را خاموش میکنند و همگی به طرف دفتر مهندس ترجمانی راه می افتند.

خواستهای آنها عبارت بود از:

- ۱ - کم شدن ساعت کار
- ۲ - برگشتن اخراجیها به سرکار و در غیر این صورت اعتصاب ادامه خواهد داشت.

ضمناً آنها متذکر شدند تا برآورده شدن خواست - هایشان به اعتصاب ادامه خواهند داد.

مهندس ترجمانی وقتی با این حرکت کارگران روبرو میشود، با صدای لرزان و رنگی بریده به آنها میگوید: اخراج آنها به شما هیچ ربطی ندارد! که یکی از کارگران زن در جواب میگوید: "به ما چه ربطی دارد؟ توجه حقی دار ی که آنها را بیرون می کنی با این خرج گران، با این فلاکت، نوی این سرمای زمستان چه حقی داشتی که برادرهای ما را بیرون کردی؟ تا وقتی آنها به سرکار برنگردند، ما هم به سرکار نخواهیم رفت!"

مهندس ترجمانی که با رای مقاومت نداشت و حرکت متحدان کارگران را میدید، مجبور شد که کارگران اخراجی را به سرکار برگرداند و از اخراج بقیه نیز برای مدت کوتاهی چشم پوشید. و به این ترتیب کارگران با ردیگریها مقاومت متحدانه خود، توانستند توطئه های سرمایه داران را نقش بر آب کنند.

حمایت پاسداران از مدیران و سرمایه داران

● اخراج کارگران مبارز از ایران کنف

چندی پیش صوفی املاشی مدیر عامل ایران کنف که از زمینداران بزرگ املاش نیز میباشد، اسامی ۷ نفر از کارگران شورا و سه تا مهندس را جلوی در کارخانه میزند تا از ورود آنها به کارخانه جلوگیری شود.

کارگران مبارز ایران کنف با اطلاع از این موضوع به حمایت از کارگران اخراجی پرداخته و صوفی املاشی را که قصد فرار داشت دستگیر و در مقابل تمام کارگران افشا و محاکمه میکنند. در اینجا صوفی مفتخر و خودکام رگربسه کارگران میگوید:

"شورای شما ضد انقلاب بوده و اخلاک گراست و

بقیه از صفحه ۳ اخراج... خواهد داد. وظیفه کارگران آگاه و مبارزان است که ماهیت این حرکات ضد کارگری رژیم حاکمه را برای سایر کارگران افشا نمایند و آنان را به مقابله با این توطئه ها فراخوانند و همچنین ماهیت ارتجاعی این جنگ، و غیره را دلانته بودن آن را برای دیگر رفقای خود توضیح بدهند.

سنگل از اعلامیه مورخ ۵۹/۸/۱۷ سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر حوزه ا هواز

اتحاد کارگران راه مقابله با توطئه اخراج کارگران مبارز "سیمان سپاهان"

چندی پیش ۳۰ تن از کارگران و کارکنان کارخانه "سیمان سپاهان اصفهان" توسط کمیته "پاکسازی" این جماعت سرکوب دولت ضد کارگری حکم تعلیق گرفته و در واقع اخراج میشوند. این کمیته لیست بلندبالایی از ۱۳ نفر تهیه کرده بود و برای غوا مفری در بین این عده که عمدتاً کارگران و کارکنان مبارز بودند، چندتن از افراد معلوم الحال و ضد کارگری چون امامی ها و مرتضوی ها (که خود کارگران مبارز هم خواستار

اخراجشان بودند) را نیز اخراج میکنند. این عمل ضد کارگری مورد اعتراض کارگران قرار نمیگیرد. از جمله کارگران متحد سیمان سپاهان اصفهان "اعلامیه های افشاگرانه در بین کارگران پخش میکنند که در زیر قسمتی از یکی از این اعلامیه ها را نقل میکنیم:

"کارگران مبارز! چنانکه اطلاع دارید صبح روز شنبه ۲۶ مهر، کارگران و کارکنان اخراجی بدنبال عدم قبول حکم تعلیق و از طریق پشتیبانی کارگران مبارز، وارد کارخانه شده و بدفتر مدیر عامل رفته و خواستار لغو حکم تعلیق خود شدند. بقیه در صفحه ۶

علاوه بر اینها شورا در مصرف کاغذ زیاد روی کرده است و برودت و یواری کارخانه شعار نوشته است و با توجه به اینکه آقای بنی صدر گفته شورایی شورا وجود بین اخلاک گران هم در اینجا زیاد است."

صوفی میخواست با این حرفهای صدمن یک غا ز که هر روز رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه داران تحویل کارگران میدهند، ذهن کارگران را منحرف سازد، اما کارگران مبارز ایران کنف زیر بار بقیه در صفحه ۸

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

بقیه از صفحه ۳ روزنیویسنهها...

داشت، دریا فته بود که در املق بل "بنیاد" انحصار - طلب، با کورس ها بهتر میتوان گفتگان را - سیده حبیب خود را برکتند، از اینجا بود که بقول معروف "دعوا بر سر لطف ملانصرالدین" شروع شد؛ از یک - طرف ثورا که به انکا - نوهم کارگران، پشتوانه توده ای داشت و از طرف دیگر "بنیاد" که نفوذی در کارگران نداشت و متکی بر ابزارهای سرکوب دولتی بود. بنیاد بدون توجه به نفوذ سماواتی از قدرت دولتی خود استفا ده کرده ثورا را منحل میکند، این عمل موجب آزادی دمجیوس - سماواتی و ثورا میگردد، کارگران از این عمل که نماینده شان هم در روزیما هم در این رژیم مورد بی حرمتی قرار نگیرد، سخت خشمگین می - شوند، از این پس اوضاع غادی کارخانه بهم می - ریزد و هر روز صادی اعتراض کارگران چه بصورت فردی و چه دستجمعی، بلند میشود. بخصوص کارگران قسمت بافندگی ۱ که منصوص سماواتی سالها در آنجا کار کرده و بیشترین نفوذ را داشت، هر روز دست از کار کشیده و با فریادهای "منصور - منصور" بطرف دفتر رئیس بنیاد (مهندس ترجمان) رفته و خواستار ادامه کار ثورا بودند، ترجمان که ابتدا در فریب کارگران "بی تحریه" و در کار خود "تا وارد" بود، نمی توانست پاسخ کارگران را بدهد و توسل اوبه آوردن یک روحانی و سخنرانی در مورد افزایش تولید... نیز، موثرا و قسوع نمی شد، تا اینکه ترجمان با کمک عده ای که اغلب تحصیل کرده بودند (ما نننداد نشجویان کمیته ضد کارگری پلی تکنیک وابسته به انجمن ثورا - های اسلامی)، به برنام مریزی جهت نفوذ در میان کارگران پرداخت و افراد خود را بمیان کارگران میفرستادند تا با ظاهری دوستانه خواهشهای کارگران را استوال کرده و وظا هر کنند که گویا

ترجمان قصد رسیدگی به آنها را دارد. در این میان کارگران جوان و نسبتا آگاه که به نسبت ضد کارگری ثورا و سماواتی بی برده بودند، مدتی نسبت به "بنیاد" دجا رتوهم کردند، از طرف دیگر روزنیویسنه های "اکثریتی" نیز به این نوهم دامن میزدند، از اینجا بود که دودستی در میان کارگران بوجود آمد که منجر به درگیریها بیسی گردید، از جمله یک روز که قسمت بافندگی ۱ کار را خوا با نده بود و ترجمان صحبت میکردند، تا که این عده ای از کارگران که اکثر آنها جوان و بیجه - سال بودند با شعار "مندوق - مندوق" (یعنی رای گیری مجدد) وارد شدند، در این جریان درگیری لفظی بین کارگران در گرفت.

چند روز بعد ترجمان دستور دستگیری سماواتی را داد، بلافاصله افراد مسلح کمیته به کارخانه آمدند سماواتی و چند کارگر دیگر را با خود بردند، کارگران بخشم آمده و بدقترا لارفته و شروع به اعتراض کردند. چند نفر که تهدید اعباسی بودند، میخواستند که ترجمان را از طبقه دوم به پایین بیا نندازند که دیگران مانع شدند. همانجا کارگران متوجه جماعتی شدند که بعدا معلوم شد ترجمان برای استفا ده طرفدارانش جهت سرکوب کارگران، آماده کرده بود، کارگران دیگر نگذاشتند ترجمان از اطاقش خارج شود و او را بگروگان گرفتند، گفتند تا وقتی که سماواتی به کارخانه نیاید، ترجمان از اینجا بیرون نمیروند. در این هنگام اکثر کارگران کار را تعطیل کرده و نظاره گسر جریا ن بودند، بین طرفداران ثورا و طرفداران بنیاد، درگیری شدیدی بوقوع می پیوندد که کار به جاکوشی و مضروب شدن چند نفر میکشد. جریا ن گروگانگیری تا صبح فردای آنروز ادامه داشت حتی حدود پنجاه نفر از کارگران با وجود استقرا ر کمیته و یا سداران در کارخانه، حاضر به

ترک آنجا نشده و شب را در کارخانه میمانند. با لآخره ترجمان حاضر شد سماواتی را آزاد کند به شرطی که در دفتر مرکزی (که از کارخانه جدا بود) مشغول بکار گردد، کارگران وقتا موافقت کردند ولی با زهم روی خواست بازگشت سماواتی به کارخانه با فشاری میگردند و حتی کارگران نسبت بافندگی یک قسمت تکمیل، مجددا با اعتنا ب دست زدند، اغلب سرپرستها و رئیس سالنها که منافعسان را در برابر زکشت سماواتی میدیدند، دامن زنده جریا ن بودند، در این هنگام موبدکه مسئله مطا لعه سودویزه از طرف کلیه کارگران مطرح میشود، بنیاد میگوید "بول نداریم، سود نداریم" ولی کارگران که نزدیک شدن عبدنوروز را میدیدند، این بول را میخوانستند، کارگران قسمت بافندگی درخواست بازگشت سماواتی و پرداخت سودویزه را مطرح کرده به اعتنا ب دست زدند، مهندس ترجمان که دیدگر خاصی شده بود خواست برای همیشه کار سماواتی را بیکره کند، لذا مدارکی جعلی درست کرد مبنی بر سماواتی بودن سماواتی! و برای تا نشیدن آن بکمک طرف - دارانش شروع به جمع آوری امضا نمود. در چنین شرایطی بود که صف بندیها بتدریج مشخص میگردد بکطرف بنیاد و در روسته اش (وا لبتها به پشتیبانی روزنیویسنه های (اکثریت)!)، طرف دیگر طرف - داران سرخست سماواتی که تعدادشان کم شده بود، و با لآخره اکثریت کارگران که هر چند بیشتر متمایل به ثورا بودند، ولی مردد و متزلزل مانده و فقط خواستهایشان را مطا لعه میکردند حال در چنین شرایطی تا تکنیک عنصر آگاه چه میبا بست با شد آیا با بداز ثورا بر علیه بنیاد دفاع کرد یا بالعکس؟ یا اینکه با بدهد و در افشا نمود و برای رسیدن کارگران به خواستهایشان واداسه مبارزه، راه سومی پیشنهاد کرد؟ (ادامه دارد)

بقیه از صفحه ۷ حمایت...

با تکبیر قوا بین صد کارگری از یک طرف و دستگاه ها و نیروهای سرکوب کردولت، جمهوری اسلامی و از جمله سپاه پاسداران از طرف دیگر، سعی در سرکوب اعتراضات و در نهایت مبارزه ما برای جلوگیری از اخراج کارکنان و کارگران مبارز اخراجی می نماید. میبینیم که ما کارگران در مقابل تمام این توانمندان، دستگا هیای سرکوبگر و انواع و اقسام دستجات ضد کارگری، به یک جیم میتوانیم تکیه نمائیم و فقط یک سلاح در دست داریم و آنهم اتحاد کلیه کارگران میباشد، اتحادی که خواهد توانست از تمام این توطئه ها جلوگیری کرده و آنها را درهم بکوبد. دریابان، اعلامیه خواستار تشکیل مجمع عمومی کارگر - ان و کارکنان کارخانه با شرکت اخراجیها شده تا اعضای کمیته "پاکسازی"، مدیرعامل و سایر عناصر ضد کارگر را محاکمه کند و همچنین خواستار بازگشت کارگران و کارکنان اخراجی برکاو گردیده است، بیرونی سرانجام از آن کارگران و زحمتمندان است اینپروزی سرانجام از آن کارگران و زحمتمندان است!

بقیه از صفحه ۶ اتحاد...

حرفهای صوفی ضد کارگر نرفته و یکی از کارگران در جواب او میگوید: "علت اخراج شورای ما آن چیزی نیست که تو میگوئی، بلکه شورای ما برای گرفتن ۴ تومان اضافه حقوق با رها با شما جلسه داشته است و شما بخاطر اینکه شورا حق ما را می - خواست بگیری آنها را اخراج کرده اید."

صوفی میگوید شما هر دو سرکار را، من ۴ تومان اضافه حقوق شما را میدهم اما کارگران قبول نکرده و همچنان اعتصاب میکنند.

سپس ثورا به صوفی املتی اجازه بیرون رفتن از کارخانه را میدهد، صوفی املتی ضد کارگر نیز بیکر است به سپاه پاسداران رفته و با ما شین پاسدار رویک مینی بوس به کارخانه می آید در اینموقع دوباره کارگران جمع شده و یکی از کارگران سخنرانی میکند، که یکی از پاسداران مزدور لوله - ۳ خود را روی سینه او قرار داده و تهدیدش میکند که اگر کلمه ای حرف بزنی ثورا میکشم.

سپس پاسداران سرمایه، شورای ۷ نفره کارگران و سه نفر مهندس را سوار ماشین کرده و میخوانند آنها را ببرند که کارگران جلوی در صف کشیده و با مقامت قهرمانان مانع میشوند که یکی از افراد اخراجی ثورا از کارگران می - خواهد که اجازه بدهند آنها را ببرند، سرانجام کارکنان مبارز و قهرمان ایران کف راضی شده و آنها را میبرند.

بنظر ما یکی از اشکالات کار این بود که نمی - بایست اجازه بدهند که صوفی املتی ضد کارگر از کارخانه بیرون برود و او را تا آمدن پاسداران میبایستی نگاهدارند و ما هیت کشیف او را برای کارگران افشا کنند، بنظر ما این عمل شورا نشی از نشان ایمان به قدرت کارگران و یکسری سازشکار رها بوده است و در آخر هم هتکا می که پاسداران میخوانستند آنها را ببرند، آنها نمی بایست مانع مبارزه کارگران بشوند.

(منتقل از بیک چوکا شماره ۶)

جنبش اعتراضی بر علیه گرانی، کمیابی و فلاکت زحمتکشان را سازمان دهیم

کلاس رژیم برای آزادی گروگانها — قافیه را بر رویونیستها و اپورتونیستها تنگ می کند —

● تلاش رژیم برای آزادی گروگانها، سوسال شونیستها، خجول فدائی (اکثریت) را بهوشاندن ماهیت امپریالیسم آمریکا و دفاع از این اقدام انقلابی جمهوری اسلامی می‌کند و سنا بر روی خیالی رژیمندگان و راه کارگر که گویا امپریالیسم آمریکا را فروختن جنگ ایران و عراق می‌کوشد رژیم "مستقل" جمهوری اسلامی را سرنگون سازد. فروپسوزده و سوسال شونیستها خجول ماراد چارمخصه می نماید.

— سنا فها اند، رویونیستها نمیوانندمد —
امپریالیسم باسند، مطالعه کار ۸۳ را توصیه میکنم.
فدائیان معتقدند که: "علمی برمی بارسانها
وانهامات، تصمیمات مجلس دربار گروگانها سنا
مخالص انقلاب انسانی دارد" آنها به ما زمان
فدا انقلابی "مجا همدن انقلاب اسلامی" و حنا ساج
خرده سوزوواشی مجلس که حواها ن سکوت کداردن
رسیدگی به مسئله گروگانها بودند و بررسی مسئله
گروگانها را پیش از انتخابات با ری به کار رنسر
میدانستند اعتبار می کنند و بدفاع از سوزوواشی
لسیرال و جناح سوزوواشی حزب جمهوری کسه
خواهان بررسی مسئله پیش از انتخابات بودند
برمی خیرند (گذشته از عامل اصلی یعنی مداحی
سوزوواشی، این عمل بخاطر انطباق خواست
سوسیال امپریالیسم سوزوواشی جمهوری اسلامی بر—
سرا انتخابات کارتر بود.) رویونیستها در ایس
ارتباط بد دفاع از کارتر برپداخته و میگویند:
"این واقعیت است که در هر حال چه بعد از
انتخابات آمریکا تصمیم گیری، میشود و چه قبل از
آن، روی موقعیت کا ندیدها به بیگان تا شپس
نمی گذاشت بنا براین استدلال کسانیکه فکر
میکنند اگر تصمیم گیری بعد از انتخابات آمریکا
انجام میدهد، هیچ ارتباطی با مسئله انتخابات
آمریکا پیدا نمیکرد، درست نیست چرا که در آن
صورت حتما این تعویق عملا به سودریگان یعنی
نماینده جناح کارترین و مرتجع ترین امپریا—
لیستهای آمریکا می تمام میشود و پیروزی او صلح
و امنیت جهان را بطور جدی به مخاطره خواهد
افکند."

پس اگر ریگان نماینده مرتجع ترین و
خیانتکارترین امپریالیستهای آمریکا می
است، لابد کارتر نماینده جناح "خوب" و پیشتر
دوست "امپریالیستهای آمریکا" است بدین—
ترتیب رویونیستها به مداحی جناحهای از
امپریالیسم آمریکا برداخته، در درون امپریا—
لیسم نیز جناحهای مورد حمایت می یابند و سنا
حمایت از کارتر را در پی میگویند جناح "خوب" را در
درون امپریالیسم تقویت کنند! پس فدائیان
جناح شرط مجلس را بعنوان پیروزی خلقهای
ایران معرفی میکنند. (با دربارها این چهار شرط
در یادداشتهای سیاسی پیکار ۸۰، سخن گفته ام
برای مقایسه نظرات ما با دیدگاه رویونیستها،
آنها با کار ۸۳ مقابله کنید.)

ما فقط برای اینکه نشان دهیم چگونه
رویونیستها طرفدار سوسیال امپریالیسم
روس، نمی توانند فدا امپریالیست باشند و
نفاذشان با امپریالیسم، از موقوله، وحدت و اتحاد
جناحی امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم است
و وحدت در مقابل انقلاب خلقها، وجه عمده،
روابط میان امپریالیستها و سوسیال امپریا—
لیسم است. پیروزی برای امپریالیسم را از دیدگاه

حال اگر سناست سوزوواشی به مقتضای منافعی
هر روز عوض میشود، رویونیستها بیچاره چه
کنایه دارند که محبوسند سناستهای خود را منطبق
با آن تغییر دهند! مسئله گروگانها مسئله بسیار
جالبی است. فداانها همواره از آن بعنوان
دلیلی برای توجیه دنباله روی خود از سوزوواشی
سودی هستند و در واقع "پیروان عثمانی" در دست
رویونیستها و اپورتونیستها برای محسنت
مدعای "فدا امپریالیستی بودن رژیم" بودا ما
اکنون که رژیم برای سازش با امپریالیسم
آمریکا میگویند گروگانها را آزاد کنند. با زهم
فدائیان با جمهوری اسلامی هم آوازند. هسم
گروگانگیری مبارزه فدا امپریالیستی است و هم
آزادی گروگانها با شرایطی حقیر و سونا نه!
اطلا هر چه رژیم جمهوری اسلامی انجام میدهد،
انقلابی است. سازش علنی با امپریالیسم هم
انقلابی است! بکمال جا روح حال دروغین فدا
امپریالیستی سنا را انقلابی است! پس گرفتن
همه اصول و فترارهای رژیم سرگروگانگیری هم
انقلابی است! وقتی یک حربان رویونیستی
بود، سنا بدکه ارتجاع را انقلاب جا سوزوواشی
خونابند سوزوواشی، با ید هر جناح نام میدهد. را
مورد مدح و ثنا قرار دهد. با مجبوریم چکا بست
کهنه لفظان و با دمجان را نقل کنیم سلطان
گرسنه بود و با دمجان میخورد، گفت با دمجان
سنا رطفا خوبی است. سنا عر متعلق دربار کسه
حاضر بود، شمعی زادر وصف این "میوه بهشتی" فی—
المداهه سرود. چون سلطان سر شد و شکمش باد کرد
گفت مزخرفتر از دمجان طعام پیدا نمیشود.
سنا عرفی الیاده اندر مضرات این طعام شیطانی
ایمانی چند گفت سلطان گفت: این چه حکایتی
است چرا اشعارت با هم مشتاقی است. سنا عسر
متعلق که راستگوش را رویونیستها می بود
گفت: قربان، من نوکر سلطانم، نه نوکر بادمجان
فدایان نیز نوکر جمهوری اسلامی هستند و چنین
است که همه مدح گرفتن گروگانها می نشینند و
هم در ثنای آزادی گروگانها کفاسا می کنند،
چه باک اگر در این میان به مداحی امپریالیسم
آمریکا نیز بنشینند ما به همه کسانیکه هنوز در

همچنانکه شخر لانه جاسوسی، ماهیت واقعی
سپاری از سوزوواها را که در پیش برده شعارهای
دروغین، خود را بسنا کرده بودند، سنا سنا،
تلاش رژیم برای آزادی گروگانها نیز سنا
اپورتونیستها و رویونیستها را موقوف سنا
— کند و عمق با درستی ادعاهایشان را آشکار می
— سازد.
تندیج سفارت، آنچنان فداان را سه
راست کسانیکه پس از مدتی (از کار ۵۹ به بعد)
به فدا منقلب رویونیسم در غلطندند. آنسان
گروگانگیری و هابیهی محاکمه گروگانها و عدم
سازش با امپریالیسم سرگروگانها را مبارزه
فدا امپریالیستی نامیده، پشت کردن خود به آرمان
سولنا ربا را توجیه میگردند و اکنون که دیگر
ظلم تو خالی "مبارزه فدا امپریالیستی" رژیم
بپاره شده است، سنا سنا، آنچه که تا دیروز
میگفتند به مدح و ثنا ای اقدامات رژیم در مورد
آزادی گروگانها و عدم محاکمه آنان می بردارند
و شرایط نازل مجلس و هابیهی بسیار برای هیچ
جمهوری اسلامی را پیروزی بزرگ می نامند.
رژیمندگان و راه کارگر نیز سنا توجیه
اپورتونیستی نظرات گذشته خود برداخته و سنا
لفظان الحیل میگردند و شکستگی تز "سنگونی
جمهوری اسلامی توسط آمریکا بعنوان هدف جنگ
ایران و عراق" را بسونا بند و برای سنا به این
تخمود "و حنا که خواهیم دید، از شیوه لغزیدن
میان نظرات سناخ و منسوخ و حتی دروغ گفتن
سنا باشی ندارند.

روییونیستهای فدائی (اکثریت): "صلاح مملکت خویش خسروان دانند!"

رویونیستها هیچ منطق و اصولی ندارند
هدف آنها حفظ منافع سوزوواشی است و در این
راه هر وسیله ای مجاز است. آنها آماده اند،
آنچه را که امروز میگویند، فردا پس بگیرند و سنا
— فدآن حرف بزنند، آنچه مطرح است سنا
سوزوواشی است و آنها موظفند در هر لحظه اقدامات
ارتجاعی سوزوواشی را به هزار رنگ سنا سنا

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

تلاش ۰۰

خاستن اکثریت (فداشان) می آوریم:
"شرط اول بدون تردید از نظر سیاسی حائز اهمیت فراوان است. اگر امیرالیم آمریکا اعلام کند که "از این بین" دیگر در امور ایران دخالت نمیکند. این یک پیروزی سیاسی برای جنبش - های فدا میریالیم است. ایران و جهان خواهد بود (!؟) و در فضای چهره متخا و از امیرالیم جفا نمی تاشیری سزا خواهد داشت... (!؟) خود سند محکومیت امیرالیم خواهد بود. این اعتراف خود به موضع دوستان و حاسوسان امیرالیم آمریکا و لیسرا لپا می که در کمین نشسته اند تا بیشتر ما ندر هر فرصتی آب تظهير بر سر امیرالیم آمریکا بریزند، سخت آسیب خواهد رساند." (اتفاقا جریا ن اعتراف امیرالیم به گنا هاش را اولین - با رجنا ب تطیب زاده لیسرال امیرالیم در وزارت خارجه علم کرد و حال فداشان خلق شزقطب زاده را ضربه بر لیسرا لپا و امیرالیم جفا نسی و پیروزی جنبشهای راها شیبش قلمدا دمیکند!) (رویزونستهای فدا بی آب تظهير بر روی امیرالیم می ریزند و میکوشند تا امیرالیم را غا بدکنند و پیروزی برا میریالیم را نشه - تا بودی ارتجاع داخلی (سرما به داری وابسته، ارتش و دولت حامی آن) بلکه قول و قرارهای امیرالیم جرفندندین ت تیب مدا حسی بورژوازی ایران به تظهير امیرالیم آمریکا می انجا دوما هیت بورژوازی فداشان بیس از پیش آشکار میشود.

راه کارگر - آیا میتوان میچ اپورتونیستهارا بموقع گرفت؟

"با ردیگر سخنان ما شب یا روس تا شید گردیده که میگفت مشکل است میچ یکفیر اپورتونیست را بوسیله فرمول گرفت، وی به آسانی هر فرمولی را امضا میکند و سیه آسانی هم عقب نشینی مینماید. زیرا اپورتونیسم همانا عبارت است از فقدان اصول معین و ثابت." (لنین جفا بدکرد منتهیات آن را یکجلی، صفحه ۱۴۶)
ما بی آنکه بخواهیم در مورد بدکاره انحرافی راه کارگر نیست به حاکمیت مسئله گروگانها و ... بر خورد کنیم انکاس کوشش رژیم برای آزادی گروگانها را بر روی راه کارگر نشان میدهیم. تاکید ما بر نشان دادن برخورد اپورتونیستی راه کارگر و رزمندگان بخاطر اینست که بگوئیم تا چه حد بانه تحلیلها یان در مورد جنگ حتی برای خودشان نیز متزلزل است و در بر خورد به واقعیت، برای خاک پا شیدن به چشم هواداران صادق و انقلابیسان چه ها که نمیکند:
راه کارگر ۴۷ در آبان، هنگامیکه دیگر با رفتن رجائی به نیویورک زد و بند رژیم - امیرالیم آتکار شده است در برخورد با واقعیتهای جون روز روشن میکوبد:
وقتی جنگ میان ایران و عراق با هجوم

و جنبشها و همه حاشیه عراق به حوزستان، اسلام و کرمانشاهان آغاز شد، ما گفتیم که آمریکا خواهد کوشید از فشارهای ناشی از جنگ، تشدید بحران اقتصادی، هزینه سرسام آور جنگ و شیوا ز به لوازم بدکی ارتش که به سلاحهای آمریکا شتی مجهز است برای به توافق رسیدن با جمهوری اسلامی و از حمله برای آزادی کروگانهای حاسوس استفاده کند." (تا کیدا زما ست .)
اگر کسی راه کارگرهای پس از شروع جنگ را نخواهد بداند، به اینکه راه کارگر ز پیش این واقعیت روشن را حدس زده است. آفرین خواهد گفت اما اگر نخواهد بداند شیطعا از اینکه نیروهای در درون جنبش کمونیستی تا این حد سقوط کرده

لیسم آمریکا موانع سابق را برای اقدام به سر - نکونی تا حدی بر طرف شده می بیند و ترا بیط مقتضی برای سر نکونی را تا حد زیادی موجود و از اینجاست که برای سر نکونی رژیم اسلامی تلاش میکند. امیرالیم آمریکا نگران آن است که اگر به موقع اقدام نکند، بی کفایتی حکومت اسلامی زمینه را برای قدرت گیری نیروهای انقلابی مستعد سازد. راه کارگر ویژه نامه شه و ز عراق شماره ۴۳، مقاله برای دفاع از همین ویا: "با این مقدمات، توطئه امیرالیم آمریکا برای سر نکونی رژیم اسلامی کاملا طبیعی است. فقط کسی نمیتواند از خصومت امیرالیم با حکومت اسلامی شگفت زده باشد که تضاد

● **رفقای راه کارگر هنگامی که تحلیلهای یک نیروی سیاسی در خدمت بورژوازی قرار گیرد شیوه های بورژوازی فریب تود همارا نیز نکار میگیرد و آماده است، خرفی را که در پیروز گفته، امروز پس بگیرد این راهی که انتخاب کرده اید، اگر با آن مبارزه نشود انتهای تلخ چگون رویزونیستهای فدا می خواهد داشت. هشدار که خطر نرزد یک است!**

● **این اساس تحلیل رزمندگان در مورد جنگ ایران و عراق بود: ضد انقلاب معلوب حمله کرده است امیرالیم درصد سر نکونی رژیم جمهوری اسلامی و جاپگزین کردن حکومتی کارگزار برای سر کوب بلا واسطه انقلاب است. انقلاب در خطر است، به خیزید و بجنگید. اما هنگامیکه مسئله گروگانها پیش میاید و هواداران رزمندگان مانند همه تود ههای مردم بند و دست رژیم با امیرالیم را بعیان مشاهده میکنند، رزمندگان مانند کبک سرس را در بر طرف میبرد و نغمه های دیگر ساز میکنند.**

منافع میان نیروهای فدا انقلابی سواشان قابل درک باشد. (همانجا) (همه تا کیدا زما ست .) از این نقل قولها میتوان آنها مورد دیگر یافت. چرا که اساسی و بیاه تحلیل راه کارگر (و نیز رزمندگان) در کشاندن توده ها به جنگ همین تحلیل بوده است. راه کارگر (و چنانکه خواهیم دید، رزمندگان نیز) می کوشیدند تا ترسانند توده ها از حکومت جدیدی که گویا امیرالیم در بی این جنگ میکوشد سرس را بر سر آورد، توده ها را بدنبال نیروی از جمهوری اسلامی بکشاند (ما نشان خواهیم داد که مداخلی خواندن جمهوری اسلامی در حرف، در عمل جلوی دفاع راه کارگر از بورژوازی حاکم نگرفته است. چرا که میان حرف و عمل اپورتونیستها، فاصله بسیار است.) اما اکنون که بند و بستهای رژیم امیرالیم بر سر مسئله گروگانها آشکار شده و رژیم متخا خواهد حتی از آمریکا اسلحه بخرد (آیا جنگ با آمریکا، آنهم با اسلحه آمریکا شتی که امیرالیم - ایران فروخته باشد، هواداران رزمندگان و راه کارگر را در مورد تحلیلهای شگرف آنان به اندیشه نمی برد و اپورتونیسم را آشکار نمیکند!) تا کیهان راه کارگر با قیافه ای حق بجانب میکوبد تا از اول گفتیم که آمریکا در این جنگ بدنبال توافق با رژیم ایران است و از اول گفتیم که این جنگ باعث آزادی گروگانها نمیشود (راه کارگر شماره ۴۷) اما ببینیم یکما پیش از این راه کارگر یعنی در شماره ۴۳ راه کارگر در مورد جنگ و گروگانها چه میگفت:

- اندکها دروغ گوئی و امضا کردن هر فرمول و با فقدان اصول معین و ثابت روز - روز - اپورتونیسمان با عمق می بخشد، جزا سف و جرکوش برای افشا این اپورتونیسم کساری نخواهد کرد.
اساس تحلیل راه کارگر در مورد دا دلانسه دانستن جنگ ایران عراق درست خلاف آن چیزی است که اکنون راه کارگر برای فریب هوا دارانش به دروغ ادعا میکند. راه کارگر (و نیز رزمندگان) سوق و گرنه در دست گرفته جنگ ایران و عراق را حرکتی از سوی امیرالیم آمریکا برای سر نکونی جمهوری اسلامی قلمداد کرده بودند. راه کارگر که پیش از این نیز در جنبه تضادهای فاحش نظرات اپورتونیستی خود گریافته بود، به صراحت میگفت:
"آمریکا امیدوار بود از طریق بورژوا - لیسرا لپا، رهبران جمهوری اسلامی را رام کند و بتدریج راههای مناسب برای همکاری با جمهوری اسلامی را بیابد کند. اما اکنون می بیند که کما میهای امیدوارکننده ای در این سمت بر - دا شته نشده است، آمریکا به شرطی حاضر شده نبود تن به استقلال سیاسی ایران بدهد که حکومت اسلامی با بهره مندی از نفوذ توده های خود بنحوی واقع بینانه و با سرعتی متناسب با شرائط سرما به داری وابسته را تجدید با زمان بدهد ولی اینک می بیند که حکومت اسلامی توانا شتی کافی و سرعت لازم برای انجام این کار را ندارد. و از آنجا که افزایش نا رضایتی مردم از حکومت نفوذ توده های سابق تر تضعیف شده است، امیرالیم -

تلاش ...

"جنگ ایران و عراق بی تردید بر مسئله گروگانها تاثیرخواهد گذاشت، و این ظاهر است. نفع آمریکا نیست ولی حکومت آمریکا بیش از آنکه نگران سرنوشت گروگانهای آمریکا بی با شدنگران سرنوشت نفوذ خود در ایران است." (راهکار، ۴۳۰)

یعنی جنگ چون حکومت امپریالیسم و رژیم ایران را افزایش میدهد، چرا که امپریالیسم بزمعمره کارگر میخواهد رژیم ایران را سرنگون کند. پس نفع آزادی گروگانها تنها نمیشود! با للمعبر راهکارگر که از اول گفته بود جنگ گروگانها را آزاد میکند، اما اشتباه نکنید، این از اول گفتن آنها مانند از اول گفتن حزب توده در مورد نزیه است. هنگام انتخاب نزیه لیبیرال به ریاست صنعت نفت حزب توده در مردم شماره اخود به مدح و ثنای این انتخاب بجا و بموقع پرداخت و وقتی رژیم جمهوری اسلامی او را برکنار کرد، حزب توده فریاد برآورد که ما از اول گفته بودیم این لیبیرالها را ناساییده قدرت راه داد.

رفقای راهکارگر!

هنگامی که تحلیل‌های یک نیروی سیاسی در خدمت بورژوازی قرار گیرد، شوهه‌های بورژوازی فریب توده‌ها را نیز بیکار میگیرد و آماده است حرفی را که دیروز گفته، امروز بیس بگیرد این راهی که انتخاب کرده اید اگر آن مبارزه نشود انتهای تلخ چون رویزیونیستهای فدائی خواهد داشت. هشدار که خطر نزدیک است! در پایان یک سؤال از رفقای راهکارگر داریم: اگر به گفته راهکارگر ۴۷ معتقد هستید و اپورتونیست و ابرای فریب هواداران نتان نگفته اید، دیگر چه علت جنگ ایران و عراق عادلانه است، شما تاکنون تحلیل میکردید چون امپریالیسم آمریکا میخواهد جمهوری اسلامی را سرنگون کند و چون جمهوری اسلامی بهتر از رژیم کارگزار امپریالیسم است، پس بایستی در این جنگ شرکت کرد رفقا پس اگر معتقدید آمریکا با رژیم ایران در صدد توافق است (و اینرا گویا از اول هم میگفتید!) پس بایه و اساسی تمام تحلیلها برتان در مورد عادلانه دانستن این جنگ فرو ریخته است! راستی فردا این تحلیل فرو ریخته را چگونه رنگ و لعاب خواهد زد؟

رزمندگان و سیاست رویزیونیستی،
تحلیل از واقعه‌ای تا واقعه‌ای دیگر

"سیاست رویزیونیستی عبارت از تعیین روش خود از واقعه‌ای تا واقعه دیگر تطبیق حاصل کردن با حوادث روز و تغییرات - وارده در جزئیات سیاسی، فراموش کردن منافع اساسی پرولتاریا و..." (النیسن) ما رکیسم و رویزیونیسم - منتخبات یک - جلدی - (صفحه ۲۲)

تحلیل مادر مورد جنگ ایران و عراق از ابتدا

روشن بود جنگی تا عادلانه میان سرمایه داران حاکم بر دو کشور ایران و عراق سودا میریالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم از این جنگ را نیز در همه آثار خود نشان داده ایم. (رجوع کنید به یادداشت‌های سیاسی پیکار ۷۵) اما با تقویت گرایش رویزیونیستی رزمندگان بعلت تندبیج جنگ، آنها نیز مانند راهکارگر صحبت از این کردند که امپریالیسم آمریکا با برافروختن آتش این جنگ قصد سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را دارد و بدین ترتیب "چون جمهوری اسلامی ارتجاعی است و چون حکومتی که آمریکا روی کار خواهد آورد، ارتجاعی تر، پس ما باید در قبال ارتجاعی تر، خود را به کار ارتجاع بسیار نازیم" (رجوع کنید به ضمیمه پیکار ۷۹، رزمندگان: ما رکیسم - رویزیونیسم)

ما بی آنکه بخواهیم بطور مطلق یک کودتای آمریکا را رد کنیم، گفته ایم که سیاست فعلی امپریالیسم آمریکا در واقع حمایت از لیبیرالها و تقویت جناح مورد نظر خود در هیئت حاکمه است. ما گفته ایم و میگوئیم که برای نیل به این مقصود امپریالیسم دست به فشارهای معینی میزند. اما گفته ایم و خواهیم گفت که جنگ ایران و عراق ربطی به سرنگونی جمهوری اسلامی ندارد و همان طور که در پیکار ۷۵ گفته ایم، تنها به تقویت جناح مورد نظر امپریالیسم مدد میرساند. اما رزمندگان تحلیل خود را بر این "تازستوار کرده گویا امپریالیسم در صدد سرنگونی جمهوری اسلامی است، ضد انقلاب مغلوب در صدد حاکمیت دوباره است و مقوله ارتجاعی و ارتجاعی تر... ما برای زیاد شدن مطلب فقط یک نقل قول رزمندگان را در این مورد می آوریم:

"جمهوری اسلامی... از آنجا که پایگاه متقیم امپریالیستها نبوده و بویژه جناح خرده بورژوازی آن موافق حضور آنها در حاکمیت نیست، با حفظ همین ترکیب نمیتواند، منافع امپریالیسم را تأمین کرده و حفاظت از سیستم سرمایه داری و باسترا بعهده بگیرد از این روست که امپریالیسم و عوامل مزدور وابسته به آن و بورژوازی خارج از حکومت که ما آن را ضد انقلاب مغلوب میخوانیم، در صدد سرنگونی این حکومت و سرکوب مستقیم ویلاوا سطه کارگران و زحمتکشان می باشد." (رزمندگان شماره ۲۳، (تا کید همه جا از ما است.) این اساس تحلیل رزمندگان در مورد جنگ ایران و عراق بود: ضد انقلاب مغلوب حمله کرده است امپریالیسم در صدد سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و جایگزین کردن حکومتی کارگزار ابرای سرکوب بلاوا سطه انقلاب است.

انقلاب در خطر است، بیایید بجهتیکید، اما ما هنگامیکه مسئله گروگانها بیش می آید و هواداران رزمندگان مانده همه توده های مردم بندوبست رژیم با امپریالیسم را بعین مشاهده می کنند، رزمندگان ما ننند کیک سرش را در برف فرو می برد و نغمه ای دیگر میزند:

"آمریکا اگر تاکنون نتوانست رژیم حاکم را ساقط کرده و انقلاب ایران را سرکوب نماید،

اما قادر است که با استفاده از جنگ ایران و عراق فشارها را که این جنگ بر بنیه اقتصادی و نظامی رژیم ایران وارد می نماید با استکبابه تقویت بورژوازی ایران در کوتاه مدت جنگ سعی نماید تا رژیم ایران را از ما منماید.

(رزمندگان شماره ۳۵)

سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ناگهان به رام شدن جمهوری اسلامی بدل میگردد و رزمندگان عصبانی از آسایش "خرده بورژوازی ضد خلق - ضد امپریالیست" فرمان افتادن خرده بورژوازی را بسر شیب استحاله به بورژوازی صادر میکند (رزمندگان شماره ۳۷)، تا تزه های ورنگسته رویزیونیستی اش را نجات بخشد، رفقای رزمندگان! تحلیل کردن از این واقعه تا واقعه دیگر مرتب پوست عوض کردن و با هر تغییر جزئی در سیاست، تحلیل دیگر ساز کردن، عبارت از سیاست رویزیونیستی است. بطور شدت دیر و ز هدف جنگ سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بود، ولی پس از تلاش رژیم برای آزادی گروگانها، سخن از رام شدن و توافق جمهوری اسلامی با آمریکا کردید؟ و از آن مهمتر، اگر واقعاً اعتقاد دارید، امپریالیسم در صدد سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نیست و دیگر ضد انقلاب مغلوب نمی خواهد حاکم شود، این مسئله چه تاثیری بر تحلیل جنگ شما میگردد؟ اگر امپریالیسم و رژیم میخواهند سازش کنند، پس جنگ ایران و عراق ادا می کند، سیاست است؟ و کمونیستها چه باید بکنند؟ رفقا اگر فردا با زنگنه دیگری ساز نخواهد کرد تا به بورژوازی مدد برساند و جنگ غیر عادلانه کنونی را بسود جمهوری اسلامی تبلیغ کند و اگر به گفته خود در رزمندگان ۳۵ معتقدید، بنا بر این شما گفته های پیشینتان باطل میشود و در این صورت شما باید پاسخ بگوئید چرا جنگ عادلانه است؟

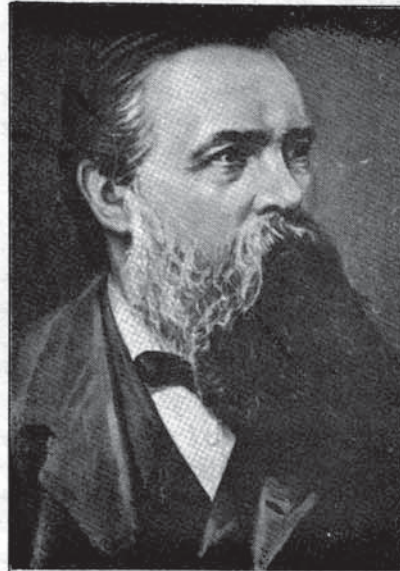
رفقای رزمندگان!

بسمت ورطه خطرناکی حرکت میکنید. اتخاذ سیاست از این واقعه تا واقعه دیگر، تخرده بورژوازی ضد خلق، ضد امپریالیست، تزلزلات - تان در مقابل رویزیونیسم و سوسیالیسم امپریالیسم و تزه های انحرافی تان در مقابل حاکمیت به تدریج شما را به سوی رویزیونیستهای خروشچی میراند. تنها با طرد انقلابی این تزه های رویزیونیستی میتواند نبذ، از سقوط خود جلوگیری.



صد و شصت و یکمین سالگشت تولد فریدریش انگلس آموزگار کبیر پرولتاریا گرامی باد!

۱۸۲۰-۱۸۹۵



روز ۲۷ آذر (۲۸ نوامبر) مصادف است با یکصد و شصت و یکمین سالگشت تولد یکی از بنیانگذاران سوسیالیسم علمی:

فریدریش انگلس بیش از یک قرن و نیم جنبش کارگری - کمونیستی جهان با نام او مترادف است و لنین کبیر حق داشت که او را "موزگار پرولتاریا" بنامد. انگلس همراه با کارل مارکس بنیانگذار فلسفه علمی تحسول شگرفی را در روند مبارزه طبقاتی پرولتاریا بوجود آوردند.

انگلس با تفاق مارکس سوسیالیسم علمی را بنیان نهاد و نشان داد که با "ت" با بدچون علم رفتار نکرد، او با "ت" فلسفی خود ضربات مهلکی بر پایه آلیسم حاکم برجسته کارگری و آثار دانشمندان بورژوازی و "رهبران" بورژوازی جنبش کارگری اروپا در آن زمان وارد ساخت انگلس با کتاب "نتی دورینگ" "زرفیسمی" ما تریالیسم دیاکتیک را نامیا نتر ساخته و راهنمای جدیدی در برابر کارگران، روشنفکران پرولتری قرار داد، او و مارکس سوسیالیسم را از تخیل به علم تکامل بخشیدند و آن را چراغ راهنمای پرولتاریای جهان در نبرد تاریخی - شان با سرمایه داری تبدیل کردند. انگلس به کارگران سراسر جهان آموخت که برای پیروزی بر سرمایه داران زلوفت، با یسوسیالیسم علمی زافراگیرند و خود با آثار متعددش ستاره راهنمای آموزش پرولتاریا گشت. انگلس همرمزم کبیر مارکس در کنار رفیقش تدوین کننده بنیان سه جزه اساسی مارکسیسم، فلسفه، اقتصاد و مبارزه طبقاتی است.

اهمیت نقش انگلس در جنبش کارگری و کمونیستی جهان فقط به حیثه تئوریک و تدوین

میباشد. برای نشان دادن چهره انگلس بعنوان یک انقلابی پرشور به نقش رهبری کننده اش در انقلاب آلمان اشاره میکنیم.

هنگامیکه آتش انقلاب ۱۸۴۹ در آلمان شعله ور میگشت انگلس و مارکس در کنار مارکسیت های انقلابی آلمان روزنامه "راین جدید" را منتشر میساختند. هنگامیکه نبرد تعیین کننده در بهار ۱۸۴۹ نزدیک گردید، لحن روزنامه در هر شماره خشن تر و هیجان انگیزتر شد و آنها بیش از پیش مورد تهاجم "امپراتوری" قرار گرفتند و بمقابله برداختند:

"در خارج و در داخل امپراتوری این تعجب ابراز میگشت که ما چگونه در درون یک قلعه بروسی درجه اول، در مقابل یک پادگان هشت هزار نفری و در روبروی پاسگاه های جنین خونسرد فاعلیت خود را ادا میسازیم لیکن با توجه به هشت تفنگ و سرنیزه و ۲۵۰ فشنگ در اطاق هیئت تحریریه، و کلاه قرمز ژاکوبینی حروف چیس ها، افسران عمارت ما را نیز دژی میشناختند که با تر دستی قابل تخریب بود." (انگلس: "ما رکی روزنامه راین جدید")

بنابراین نوشته لنین، انگلس سه بار راجا بنازانه در صفا اول نبردهای خیابانی در کنار پرولتاریا شرکت کرد و نشان داد که رهبران پرولتاریا نه فقط تدوین کنندگان تئوری عملی انقلاب بلکه پیش از آن جبهه نبرد نیز هستند.

امروزه که مارکسیسم لنینیسم تحت یورش های رویزیونیستها (از سوسیال امپریالیستهای روسی گرفته تا مرتدان رویزیونیست "سه جهانی") و اپورتونیست ها قرار گرفته، بکارگیری درس های ارزنده انگلس، این آموزگار کبیر پرولتاریای سراسر جهان، اهمیت بسزایی در بالایش اندیشه های نیروهای کمونیستی و کارگری از هرگونه انحراف رویزیونیسم و اپورتونیسم در جلوه های مختلف بروز آنها دارد. بزرگداشت واقعی انگلس، آموزش مارکسیسم لنینیسم انقلابی و بکار بستن درس های ارزنده این رهبر جنبش کمونیستی جهانی است. ■

آثار فلسفی و جمع بندی مبارزه طبقاتی محدود نمی شود. انگلس در کنار همرمزش مارکس، سازمانده جنبش کارگری جهانی و بنیانگذار انترناسیونال اول و نیز چندین حزب پرولتاریا - یایی در اروپا بود. انگلس نه تنها یک تئوریسین برجسته، بلکه یک سازمانده و انقلابی پرشوری بود که از این کشور به کشور دیگر تبعید میشد و با زهره ما بذرا انقلاب میکاشت. از درون جنبش توده ها، انقلاب را رهبری میکرد و دستاورد های شکست ها و پیروزی ها را با تکیه بر سوسیالیسم علمی برای کارگران جهان فرموله میکرد. او امروز همین تجربیات و آثار راست که راهنمای انقلابی پرولتری در سراسر جهان

بقیه از صفحه ۱۹ پاسخ ...

رفیق طراح م-۹۲ از کرج

دو طرحی که فرستاده اید، از نقطه نظر مواضع سازمان در قبال جنگ موفق بود، اما از لحاظ تکنیکی اشکالاتی داشت که کار بیشتر در جهت واقع گراییی تصویرها را از جانب تو طلب میکند. طرح شماره ۱ که خلقهای عراق و ایران را بشکل خرج اسلحه تهاجمی رژیمهای دوکشور در جنگ غیرعادلانه (گوشت دم توب بودن خلقهای دوکشور) نشان میداد موفق بود.

طرح شماره ۲ خصوصیات سرمایه داران دوکشور از نظر تصویری نشان نمیداد که با ید از علائمی تصویری از قبیل برج، لباس یا نوشته ... در

جهت نشان دادن آنها بهره برد.

باز هم برای ما طرح بفرستید بیه واقع گراییی از نظر تصور توجه کنید. موفق باشید!

■ نامه کلیه رفقای که اسم آنها را در زیر می آوریم، بدستمان رسیده، با تشکر از شما نظرات، پیشنهادات و انتقاداتشان را مورد توجه قرار خواهیم داد:

- رفقا: بی، ج، از تهران - ص، د، از تهران - نیما پ. ب، دانش آموز، ن، الف - ن - م، ی - رفقای گود، ب - ب - ۲۰۵، الف - ۲۵۰، ع، ه، ا، هواز - ج - رفیق کشا و وزالف - ورامین - س - م - از

بقیه از صفحه ۲ سرمقاله ...

بیشتر دان من خواهد هزد، زمستان سردا سال، ما شاهد شعله های فروزان و گرما زای جنبش توده ای خواهیم بود، بکوشم تا نقش پیشروانه خویش را در برافروختن این شعله ها و گسترش آن، بلشویک - وارا با بقا نماشیم! ■

کمکهای مالی دریافت شده

تهران: بوشهر:	ک	کارمند
ب	ف	۴۵۰۰
۶۶۰۰	۱۱۷۰۰	م
۵۰۰۰	۷۰۰۰	اهواز:
ج	پ-ه	۶۲۰۰
۸۰۰۰	۵۹۰۰	ن
۱۳۳۰۰	۱۳۰۰۰	س
۱۲۰۰۰	۹۰۰۰	اصفهان: ی
د	ب-ه	۱۰۰۰۰
۱۲۵۰۰	۲۶۰۰	ع
ر	م	۱۱۰۰۰
۷۸۰۰	۱۱۳۰۰	س-ج
ص	ک	۱۱۲۶۰
۶۳۰۰	۶۵۰۰	س-ج
ع	ب	۲۰۰۰
۱۵۵۰۰	۱۱۰۰۰	س-ج
۱۲۲۰۰	۱۲۶۰۰	ع-ب
ق	سی	۱۰۹۰۰
سی	سی	۶۴۰۰
۳۹۹۰۰	۸۸۰۰	م-ت
	۱۹۰۰	مجدلسلیمان:

رفقای که بدون کد اول اسم برایمان کمک ارسال کرده اند.
الف - ۱۰۰۰۰ ریال
الف - ۳۰۰۰۰ ریال
الف - ۴۰۰۰۰ ریال
الف - ۲۰۰۰۰ ریال

ب ۹۰۰۰ ریال
ز ۹۰۰۰ ریال
ش ۶۰۰۰ ریال
ت ۴۰۰۰ ریال
Z - ۴۰۰۰۰ ریال
م - ۹۰۰۰ ریال
ک م - ۱۲۰۰۰ ریال
ک ب - ۱۵۰۰۰ ریال
رفیق کارگر م - ۲۵۰۰ ریال
رفیق کارگر ه - ۱۵۰۰۰ ریال
رفقای کارگر ج - ۱۰۰۰۰ ریال
رفیق ۲۷ - ۱۰۰۰۰ ریال
م - ۱۰۰۰۰ ریال
م - ۴۰۰۰ ریال
رفیق سرباز ۲۵۰۰ ریال
مادر مبارز ۱۰۰۰۰ ریال
فریده ۱۰۰۰ ریال
هیوا ۵۰۰۰ ریال
رفیق بزنگ یک باند ب ۱۰۰۰ ریال
رفقای بی سم و شوش ۳۵۰۰ ریال
دانشجویان شرق هدیه تان رسید
اصغر هدیه ات رسید.
رفیق مادر ۱۰۰۰۰ ریال و لباس برای پیشمرگان
کارمندان شوکت مغایرات ۶۰۰۰۰ ریال
جمعی از دانش آموزان جنوب ۱۸۰۰ ریال
د- ز (هدیه یک زحمتکش) ۱۰۰۰ ریال
ز- سارا ۲ هدیه ات رسید.
رفیق کارمند ۳۷ - ۱۰۰۰ ریال برای افشای
هرچه بیشتر ما هیت ارتجاعی جنگ
رفقای هسته کارگری پتک ۲۰۰۰۰ ریال.

اهواز:
۱- الف ۵۰۰۰ ریال
۲- ر ۵۰۰۰ ریال
۳- رفیق آرا م هدیه ات رسید.

خرم آباد:
مراودانش آموز ۱۰۰۰ ریال.

اصفهان:
ح - ت ۱۳۴۰۰ ریال

شوشتر- رفقای هوادار ۴۰۰۰۰ ریال.
لالی - جوانان مبارز ۲۰۰۰۰۰ ریال.
تیریز- رفیق کارگر قصاب ۵۰۰ ریال.
ترکیه- رفقای هوادار ۶۰۰۰ دلار.

بروجرد: رفقای دانش آموز (درفش) ضمن ارسال
۶۰۰۰ ریال نامه زبررا برایمان فرستاده اند.
این پول بوسیله عده ای از دانش آموزان
هوادار پیکار در مدرسه راهنمایی "سعید محسن"
بروجرد برای سازمان ترست ده شده است که با

سرکوب طلاب مبارزیم

طلاب ومحصلین "علوم دینی"، اغلب از خانواده های زحمتکش و خرده بورژوازی نشأت یافته و برخلاف زعمای و مراجع روحانی، نیروهای دمکرات درون نهاد درواغ نیست از درون طلاب بر-خاسته اند. رژیم جمهوری اسلامی میگوید گرایش های انقلابی و دمکراتیک درون این نهاد را سرکوب نماید. خبرهای زیر نمونه هایی از این سرکوب را نشان میدهد:

* - مدتی پیش دادگاه ویژه روحانیت، که ریاست آنرا آذری قمی بعهد داده ارد، شهریه (حقوق) ۱۵ تن از طلاب را "بجرم" هواداری از مجاهدین قطع میکند. با مراجعه این ۱۵ نفر و مدرسین آنها به دادگاه ویژه، پاسخ داده می-شود که دادگاه حاضر است حقوق آنها را محدود بر-قرا کند اگر آنها دو کار را انجام دهند، یکی اینکه اظهار ربرانت و شتفر کرده، بگویند ما هدیه-منافق هستیم تا رسماً منتشر شود. دوم اینکه گروهی میارز طلبه ها و روحانیون را معرفی کنند. هیچکدام از این شرایط مورد قبول واقع نمیشود. این ۱۵ نفر دارای سوابق مبارزاتی هستند و عموماً درخیزش ۱۵ خرداد ۵۴ فیضیه شرکت داشته اند. یکی از آنها بنا م ارمی است که در سالهای ۵۳-۵۲ در مساجد قم فیلم ویتنام را نشان می داده است و بخاطر اینکار از طرف آیت الله مرعشی نجفی تکفیر میشود، او همچنین به ۴ سال زندان در رژیم گذشته محکوم شده بود. فرد دیگری درزی نام دارد عضو یک گروه انقلابی مسلح (در زمان شاه) بوده و در رژیم قبلی دوباره اعدام محکوم شده بود.

* - بکنفران طلاب بنا م لک رقابی راه "جرم" طرفداری از مجاهدین، به خلع لباس، قطع حقوق، یکماه زندان و ۲۵ ضربه شلاق واقامت اجباری در قم محکوم کرده اند. این شخص در فساد مجلس ترحیم دوم ما که در دربار غرق شده بودند گفته بود، یکی از این مجاهدین در برابر رفتن به کردستان (حین سربازی) مقاومت کرده است.

مهارت و زحمت زیادی بدست آمده است. و ما چون فهمیدیم که سازمان احتیاج زیاد به کمک مالی ما دانش آموزان و دیگر رفقای هوادار داریم تصمیم گرفتیم این کمکها کردیم. و با زحمات کمکهای مالی دیگر ما باشید. درفش، بی.بی.بی.

اراک:
ر- ع - م - ۱۱۰۰ ریال
تامی ۲۱۰۰ ریال
رفیق ع - مادر ۱۵۰۰۰ ریال

کمکهای مالی بدون اسم و کد:
۲۷۵ دلار ۳۰۰۰۰ ریال برای کردستان.
۳۰۰ دلار ۱۰۰۰۰ ریال

توضیح در مورد کمک مالی:
رفقای که برای سازمان کمک مالی ارسال میکنند حتماً کد و یک حرف را فراموش ننمایند. متشکریم.

آمار سخن میگوید!

"رژیم جمهوری اسلامی" بارها ثابت کرده است که از آگاه شدن مردم ما هراس دارد. اخراجها "پاکسازی" های دسته جمعی معلمین، ناشی از همین هراس رژیم را انتقال آگاهی به دانش-آموزان میهن ما است. ارتقا مزی که تمسک دارد اخراجها بر برخی مناطق را تا نیمه اول آبانماه نشان میدهد خود گویا ترا زهر مطلق، سیاستهای ارتجاعی رژیم را نسبت به فرهنگیان مترقی و متعهد و انقلابی نشان میدهد.

* - در فارس ۱۵۰۰ نفر معلم ممنوع التدریس شده اند (اخیراً ۵۳ نفر را با تعهد به کار برگردانده اند).

* - در استان کرمانشا ه ن، ۵۰۰ نفر معلم را آماده خدمت اعلام کرده اند و منتظرند که لایحه پاکسازی به تصویب "مجلس اسلامی" برسد تا این عده را اخراج نمایند.

* - در شهر حصه (کرمانشا ه) ۵۹ نفر از معلمین را از طریق نامه های بدون تاریخ و امضاء معلق اعلام کرده اند. مردم حصه از معلمین انقلابی پشتیبانی میکنند.

* - در بروجرد ۱۳۳ نفر از معلمین از کار اخراج شده اند.

* - در شهر کرد ۱۵۳ معلم از کارشان برکنار شده اند.

بهتر است بدانیم چه کسانی حکم اخراج معلمین مبارز و آگاه را امضاء کرده اند، نمونه ای میآوریم:

درسا و حبیبلاغ رئیس هیات پاکسازی "احمد - وثا ش" نام دارد. وی از اعضای بسیار فعال حزب رستاخیز، کاندیدای حزب رستاخیز در مجلس شاه و از گردانندگان "برنامه های ۴ آبان" بود و پس از ختمش شهر آ میز مردم تیریز در سال ۱۳۵۶ بنا وقتاحت به توده های انقلابی تیریز حمله کرده است. توضیح این نکته ضروریست که آن عسده از معلمینی که در اثر مبارزه خود پشتیبانی مردم حکم با زکشت به کار گرفته اند، همچنان ممنوع - التدریس هستند و شغل دفتری به آنها داده اند.

ملاحظات ۲۵

بقیه از صفحه ۲۵

بود. ولی اگر فکر میکنید که پس از آن همه افشاگری نیروهای انقلابی و مترقی و پس از آفتاب شدن همکاران صمیمانه "ما شاء الله خان" با سا و جا سوسان آمریکا شای، وی با زداشت و احیاناً مجازات شده است، سخت در اشتباه هستید، جواب شما را خود ما شاء الله قصاب میدهد:

"رئیس دادگاه از وی پرسید در شرایط حاضر در کجا مشغول هستی؟ ما شاء الله قصاب پاسخ داد جز ویاسداران زندان تصور زیر نظر آیت الله خلخالی فعالیت میکنم." (کیهان، پنجمین ۲۹ آبان، صفحه ۹).

مثل معروفی است که کیوتو تریاکبوتر، باز با... همکاران خلخالی قاتل نمیتواند کسانی جز خائنین و جاقوگشانی جز ما شاء الله قصاب ها باشد، اگر غیر از این میبود جای تعجب داشت!



بمناسبت سی و هفتمین سال انقلاب آلبانی

آلبانی سوسیالیستی و دستاوردهای درخشان سوسیالیسم

در آوریل ۱۹۴۹، بدنیا ل خیا ن ت رژی س م فتو دال - بورژوا ئی حاکم، ای تالی ای فاشیست آلبانی را اشغال کرد. ما خلق دلاور آلبانی سی یلاقا طله سلاح بدست به مقابل به ما متجاوزین برداخت و برای کسب استقلال و آزادی در راه انقلاب به پیش رفت .

در جریان مبارزه ضد فاشیستی و بدنیا ل مبارزات سیاسی - ایدئولوژیک درون جنبش کمونیستی، در ۸ نوامبر ۱۹۴۱ حزب کمونیست آلبانی به رهبری رفیق انور خوجه بوجود آمد . حزب بزودی به ستاد فرماندهی شده های انقلابی به سا زمان دهنده مبارزات آزادی بخش و به الهام بخش انقلاب توده ای آلبانی تبدیل گردید .

در جریان مبارزات توده ای حزب به تشکیل جبهه رهائی بخش ملی "همت گماشته و مبارزات مسلحانه توده ای را گسترش بخشید. در این مبارزات طبقه کارگر نقش بسیار فعال بازی کرده و رهبر مبارزات رهائی بخش بود. او با دلاوری تمام توده های زحمتکش شهروستان را به گرد خود متحد ساخته، پیروزمندان انقلاب دموکراتیک - ضد امپریالیستی را به سرانجام خود رساند و در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۴ قدرت جدید توده ای و انقلابی را مستقر ساخت. در چنین تاریخی بود که خلق آلبانی تحت رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست او، سلطه فاشیست ها و امپریالیست ها و ارتجاعی را با نابود ساختن و انقلاب توده ای را به پیروزی رسانید. طبقه کارگر قهرمان آلبانی پس از این پیروزی با عزمی استوار قدم در راه ساختمان سوسیالیسم نهاد .

دستاوردهای اقتصادی آلبانی

نخستین کنگره حزب کمونیست آلبانی در نوامبر ۱۹۴۸ در تیرانا برگزار گردید. این کنگره وظایف اساسی حزب را در دوران دیکتاتوری پرولتاریا و در آغاز ساختمان سوسیالیسم تعیین نمود. در عرصه اقتصادی، معنی کردن سوسیالیسم و سازماندهی نوین کشاورزی بر مبنای سوسیالیستی جهت تبدیل آلبانی از یک کشور کشاورزی عقب مانده، به یک کشور کشاورزی - صنعتی سوسیالیستی در دستور کار قرار گرفت. طی ۶ برنامهای اقتصادی پنجساله، پایه های مستحکم اقتصادی مستقل و سوسیالیستی ریخته شد. اقتصادی که هدف برآورده ساختن نیازهای کارگران و زحمتکشان را تعقیب می نمود. طی سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۹ سهم تولید صنعتی در کل تولید از ۷/۷٪ به ۶۴/۱٪ افزایش می یافت و

می با بست بدرگام بورژوازی سخته کنند. اونمی - نواست به همد که خلقی کوچک تحت رهبری طبقه کارگر و حزب طبقاتی اش تا در بهما ختمان سوسیالیسمی باشد. خروشف متعلق به طبقه بوسیده ای بود که نقش تاریخی پرولتاریا را هرگز نمی توانست بفهمد. خروشف و شرکای رویزیونیستش، پس از قدرت رسیدن، تمام کمک های سیدرینی که شوروی سوسیالیستی به رهبری رفیق استالین به آلبانی می نمود، خائنانانه قطع نمودند تا آلبانی را زنده بگورند. ما آلبانی زنده ماند. آلبانی تحت محاصره اقتصادی امپریالیست های جهان و رویزیونیست های خروشفی با امکانات محدود اما با اتکا به دیکتاتوری پرولتاریا به ساختمان سوسیالیسم، پیروزمندانمانده داد. آلبانی سوسیالیستی در طی دوره ۱۹۷۷-۱۹۶۱ بدون ذره ای کمک رویزیونیست های خروشفی و

بدین ترتیب آلبانی از یک کشور عقب مانده به یک کشور مدرن سوسیالیستی تبدیل میشود. در دوره ۱۹۵۱ تا ۱۹۷۰ آهنگ متوسط رشد لانه اقتصاد توده ای در زمینه های مختلف به این ترتیب بود: تولید اجتماعی کل ۸/۷٪، درآمد ملی ۷/۴٪، تولید صنعتی ۱۲/۴٪، تولید کشاورزی ۱۰٪. این سرعت از آهنگ رشد نشانده آن بود که سوسیالیسم زنده و خلاق است. این مسئله بیرونی

- ★ واقعیت آلبانی سوسیالیستی نشانگر این حقیقت است که سوسیالیسم ذره ای احتیاج به امپریالیسم ندارد. امروز آلبانی تنها کشوری در جهان است که بدهی خارجی ندارد. قانون اساسی این کشور هرگونه اخذ وام و اعتبار از کشورهای ارتجاعی و امپریالیستی و سرمایه گذاری شرکتها و حصارات امپریالیستی در آلبانی را ممنوع کرده است.
- ★ امروز آلبانی دیگر از دیکتاتوری و استبداد و خفقان سرمایه داران و امپریالیست ها خبری نیست. در آلبانی دیکتاتوری پرولتاریاست و دیکتاتوری پرولتاریا یعنی دموکراسی کارگری، یعنی آزادی برای توده های زحمتکش. دیکتاتوری پرولتاریا دموکراسی وسیعترین، عمیقترین و کاملترین دموکراسی می باشد.
- ★ معنویت و فرهنگ از نظر سرمایه داران یعنی قبول بندگی سرمایه داران یعنی پذیرش افکار ارتجاعی و عقب مانده، حال آنکه معنویت برای کمونیست ها یعنی عشق و وزیدن برای آزادی خلقها، یعنی عشق و وزیدن به سوسیالیسم و نابودی استثمار انسان از انسان، یعنی عشق و وزیدن به آرمان کمونیسم.

بر زنی تولید سوسیالیستی خود را رشد داد. در آلبانی در این دوره نرخ متوسط رشد لانه تولید صنعتی ۹٪ بود. حال آنکه در همین دوره این نرخ در کشورهای رویزیونیستی کومکون ۸٪، در اروپای غربی ۳/۸٪ و در آمریکا ۴/۵٪ بود. علاوه بر این سالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۶، آهنگ متوسط رشد لانه تولید کشاورزی در آلبانی ۵/۲٪ در کومکون ۲/۶٪، در اروپای غربی ۱/۸٪ و در آمریکا ۲/۲٪ بود. آری برخلاف آرزوی خائنانانه رویزیونیست ها و امپریالیست ها، اقتصاد سوسیالیستی آلبانی رشدید و استقلال اقتصادی این کشور را تضمین نمود. این دستاورد بزرگ فقط تحت دیکتاتوری پرولتاریا امکان پذیر می توانست باشد. امروز بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستی و رویزیونیستی چنین وانمود می کنند که برای داشتن یک اقتصاد شکوفان با بد از اعتبارات و وامهای امپریالیستی و سوسیالیستی بهره گرفت، امروز تبلیغات نیروهای خائن و مرتدی چون حزب توده و جریکهای فدائی (اکتریت) چنین وانمود می کنند، که برای بیشترت کشورها باید خود را بدامان سوسیالیسم ببنداند. زنده اما همه این تبلیغات، دروغ و فریبی بیش نیست این تبلیغات هزینه تسلیم شدن خلقها و

نشان میداد که تنها سوسیالیسم است که نیروهای مولده را بطرز انقلابی رشد داده و نیروی محرکه تاریخ می باشد. در ۱۹۶۰ خروشف خائن می گفت بدون کمک شوروی، آلبانی از گرسنگی میمیرد. اما خروشف که یک بورژوا رویزیونیست ضد انقلابی بود نمی توانست قدرت خلافت طبقه کارگر و حزب کمونیست آلبانی را درک کند. او فکر میکرد که گویا طبقه کارگر و کمونیست ها برای زنده ماندن



آلبانی ...

برولتا ریای جهانی در برابر امپریالیسم ، هدف دیگری را تعقیب نمی کنند . واقعیت آلبانی سوسیالیستی نشانگر این حقیقت است که سوسیالیسم در ای احتیاج به امپریالیسم ندارد . امروز آلبانی تنها کشوری در جهان است که به بی خارجی ندارد . قانون اساسی این کشور هرگونه اخذ موا اعتبار را از کشورهای ارضی و امپریالیستی و سرمایه گذاری شرکتها و انحصارات امپریالیستی در آلبانی را ممنوع کرده است . برخلاف سوسیال امپریالیستها ، سوزووا - روبریونیستها ای اروپای شرقی و سوزووا - روبریونیستها ای سه جهانی چین که درهای خود را بروی امپریالیستها ی غربی گشوده اند ، آلبانی احتیاجی به امپریالیستها ندارد . چرا ؟ زیرا در آنجا سوسیالیسم کاملاً است و این برولتا ریاست که فرمان میبندد .

در آلبانی بیکاری وجود ندارد . بیکاری بیماری دهشتناکی است که همه کشورهای امپریالیستی ، روبریونیستی و کشورهای تحت سلطه بدان مبتلا می باشند ، اما در آلبانی نه تنها بیکاری ، بلکه گرسنگی ، ستم و استثمار را زمین رفته است . طبقه کارگر و سوسیالیستگان آلبانی از فشارهای اقتصادی ناشی از حاکمیت طبقات ارضی را بی راهی پیدا کرده اند . آنان در کشوری زندگی می کنند که در آن عدالت سوسیالیستی برقرار است و دیگر استثمارگران و بیعدالتی های طبقاتی خبری نیست .

امروز در آلبانی سطح اختلاف میان دستمزد - ها و حقوق ها ۲ به ۱ می باشد (یعنی بالاترین حقوق دوبرابرترین ترین حقوق می باشد) تمام مالیهات مستقیم از بین رفته اند ، اجاره مسکن فقط حدود ۲ درصد درآمد می باشد . خدمات بهداشتی و آموزشی برای همه محاسنی است ، در تمام روستاها برق ، تلفن ، مدرسه ، خدمات بهداشتی و شهری وجود دارد . در آلبانی زن و مرد دارای حقوق کاملاً برابر میباشند . زنان از سنگینی سمد گذشته آزاد شده و امروز ۴۶٪ نیروی فعال کشور را تشکیل میدهند . آنان فعالانه در تمام عرصه های حیات اجتماعی - سیاسی حضور داشته و بیکران در سازمان سوسیالیسم فعالیت می نمایند . آری امروز در آلبانی سوسیالیستی از زندگی نکتت با دیگر خبری نیست ، رفاه مردم بیش از پیش ارتقا پیدا میکند و مردم عادی برای فردای خود ترس و دلهره - سره ندارند . آنان مطمئن میباشند که فرزندان نشان در زمان سوسیالیستی برخوردارند و بدبخت و آواره نخواهند شد . آری اینها همه دستاوردهای سوسیالیسم است ، اینها همه فقط تحت رهبری حزب کمونیست میسر است .

سرما به اداری هرگز نمی تواند یک زندگی مطمئن و زیبا به کارگران و زحمتکشان هدیه دهد زندگی مطمئن و زیبای نوده ها فقط - فقط در سوسیالیسم مکان پیدا است .

اطلاعیه اخراج يك عنصر
اپورتونیست از سازمان

حدود ۵۵ ماه پیش یعنی دوره قبل از کنگره سازمانی یک عنصر مخرب انحلال طلب و فراقسیونست که تلاش می نمود ، تمایلات ناسالیم خود پیرسنا سه خویش را در پوشش "جبهه ترین شعرا رنگ آمیزی نموده و حرکات ضد تشکلاتی و مخرب خویش را تشویز نماید ، سرانجام عنصر تم بکدوره سازی که با او شده بود ، از سازمان تصفیه شد . کنگره سازمان هم در پاسخ به شکایت این فرد در مورد تصفیه اش ، تأیید و اکثریت قریب به اتفاق آراء (غیر از یک رفیق که او نیز هم اکنون حکم بر اخراج او داده است) ، حکم تصفیه او داد . از آنجا که حرکات سازمانی نکند و فراقسیونستی او بعداً نیز ادامه پیدا نمود ، اینبار یکی از سازمان اخراج شد . هم اکنون او با تفاق چند نفر دیگر که یکی عضو ، یکی کاندید عضو و رفیق سمیات (که در رابطه با این - دد - ب قرار داشتند) بودند ، فریبکارانها علام با صلاح "گروه اشعائی" از سازمان نموده اند . سازمان اعلام میکند که حرکت این عده با سازمان را به با اخراج فرد

معنویت و فرهنگ سوسیالیستی در آلبانی

در سوسیالیسم رفاه مادی زحمتکشان ، در کنار دموکراسی نوده ای و رفاه معنوی و فرهنگی تأمین است . امروز امپریالیستها ، سرما به داران و تمامی مرتجعین در میان توده ها تبلیغ میکنند که کشور سوسیالیستی یعنی کشور استبدادی آنها با این تبلیغات عوام فریبانه میکوشند در میان توده ها نسبت به سوسیالیسم و کمونیسم عدم اعتماد بوجود آورند و کارگران و توده ها را از سیستم انتقالی سوسیالیسم سزاوار نمایند ، تا خود بتوانند به حکومت ستمگرا نه خود ادا مدهند . در جواب به آنها باید گفت : بله آقا یان مرتجع در کشور سوسیالیستی دیکتاتوری وجود دارد ، اما نه برای کارگران و سارتوده های زحمتکش ، بلکه برای سرما به داران ، زمینداران ، امپریالیستها و همه مرتجعین . در یک کشور سوسیالیستی دموکراسی برای توده ها است و دیکتاتوری برای مرتجعین می باشد .

امروز در آلبانی دیگر از دیکتاتوری و استبداد دوخفا ن سرما به داران و امپریالیستها خبری نیست . در آلبانی دیکتاتوری برولتا ریاست و دیکتاتوری برولتا ریای یعنی دموکراسی کارگری یعنی آزادی برای توده های زحمتکش دیکتاتوری برولتا ریاست در سرگیرنده و وسیعترین عمیقترین ، کاملاًترین دموکراسی می باشد . در این کشور طبقه کارگر و سارتوده ها در مورد همه مسائل اجتماعی سیاسی و دولتی ابراز نظر میکنند ، کارگران همه امور را تحت کنترل خود

بقیه از صفحه ۱۸ جنگ و ...

با سداران و جناح حزب جمهوری اسلامی منعباید چرا که ارتش را (بخاطرناختی که از مانت آن و فرماندهانش دارد) بخود نزدیکتر می داند . اما زحمتکشان ایران به زوزه های این دشمنان دوست نما و قعی نگذاشته و همچنان که در مبارزه علیه رژیم وابسته شاه فقط و فقط به نیرو و توان خود اتکا داشتند ، در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی حساب این دشمنان خود را نیز به کف آنها خواهند نهاد ، زیرا توده های آگاه خلق ما میدانند که نه تنها از دیوی رژیم ایران بلکه تمام مراد دیوهای ناسمیرده مدافع اسارت خلقهای ما می باشد .



مزبور بوده و هیچگونه ربطی به خرده مرزبندیهای که بسیاری از آنها کاذب و دروغ است و بسیاری توجیه حرکت اپورتونیستی خود را شده اند ، ندارد . به این ترتیب از نظر ما حرکت این عده کاملاً اپورتونیستی بوده و سازمان هیچگونه مسئولیتی در برابر اقدامات و حرکات بیعدلی آنان نخواهد داشت .

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۸/۲۵

دارند ، در ادارات مورکشور شرکت دارند و جز ب بیش از پیش در جهت بسط این کنترل و مشارکت میکوشد . روحیه دموکراسی توده ای سوسیالیستی در کل زندگی اجتماعی از شوراهای توده ای تا مجلس خلق و دستگاه دولتی و حزبی برقرار است . امپریالیستها و سرما به داران چنین تبلیغ میکنند که کمونیستها به معنویت اعتقاد ندارند . این تبلیغات دروغ بیشرمانه ای بیش نیست . اما معنویت و فرهنگی که برای کارگران و توده ها می باشد . معنویت و فرهنگ از نظر سرما به داران یعنی قبول بندگی سرما به داران یعنی پذیرش افکار ارتجاعی و عقب مانده ، حال آنکه معنویت برای کمونیستها یعنی عشق و ورزشیدن برای آزادی خلقها ، یعنی عشق و ورزشیدن به سوسیالیسم و تابدی استعمارشان از انسان ، یعنی عشق و ورزشیدن به آرمان کمونیسم .

در آلبانی توده ها از معنویت و فرهنگ سوسیالیستی برخوردارند . آنان فرهنگ و معنویت سرما به داران را کاندیده و فاسد میدانند ، در آنجا دیگر سرما به داران حاکم نیستند که بتوانند توده ها را خفه کرده و ارتقای فرهنگی - سیاسی آنان را جلوگیری نمایند . امروز آلبانی میکوشد تا با بسط فرهنگ سوسیالیستی و دگرگون ساختن مناسبات کهنه ، انسان نوین پدید آورد انسانی که سرشار از عشق به سوسیالیسم و آرمان کمونیستی میباشد . انسانی که از هیچگونه سختی نمی هراسد ، به ما رگسبم - لنینیسم صلح است و استوار در راه استقرار جامعه بدون لغات کامر میبندارد .

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

(قسمت یازدهم)

پیکار: رفیق روحانی، شما ضمن برشمردن و توضیح مسائلی که مورد بحث شما و آیت - الله خمینی بود، از گونگی نگارش و برخورد آیت الله به مبارزه مسلحانه و قهر انقلابی سخن گفتید، در دنیا لسه مطلب اگر مسائل دیگری در ملاقات شما با آیت الله مورد بحث قرار گرفته اند، توضیحاتی به ما در باره آنها بدهید.

رفیق روحانی: من قبلا به شما گفتم که آیت الله خمینی در اظهار نظر خود نسبت به کتاب "امام حسن" از این کتاب و جوانان نیکه آن را تهیه کرده اند تعریف و تمجید کرد. در اینجا با یاد افتاد که من که از جمله موارد مشخصی که مورد تأکید و تعریف آیت الله قرار گرفت، موضوع صلح "امام حسن" بود من در اینجا نه قصد آن دارم و نه جای آن هست که به تاریخچه صلح "امام حسن" و همچنین به مضمون توجیه گرایانه تحلیل آن روزها زمان از این صلح که در کتاب فوق الذکر تفصیلا آمده بود، بپردازم، آنچه که در اینجا مورد توجه من است، استفاده از شعار "فرصت طلبان و پاسیفیستها از این رخداد تاریخ اسلامی است، بعنوان نمونه، خود من در طول زندگی مبارزاتی ام در سالهای قبل با عناصرو افراد زیادی از این دست روبرو شده ام که در پاسخ این سؤال که چرا در مقابل رژیم منفقور پهلوی و بیخاطران دفاع از منافع و خواسته های توده ها سکوت اختیار کرده و حاضر نیستند دست به مبارزه بزنند، صلح "امام حسن" را شاهد آورده و مدعی بودند که شرایط برای مبارزه با رژیم بهیچوجه مساعد نیست. و هرگونه اقدام موفعا لیت علیه رژیم حاکم، اقدام موفعا لیتی غیر اصولی و ماجراجویانه است.

خوب نباید در آن وقت ما در آن و خانواده های زندانیان سیاسی مجاهدین و هواداران آنها در سال ۵۰ و مقارن با همان زمانیکه من با آیت الله خمینی ملاقات داشتم، نزد آیت الله خوانساری در تهران رفته بودم، او در پاسخ ما در آن و خانواده انقلابیون زندانی که خواستار اقدام فوری وی جهت آزادی زندانیان سیاسی و یا جلوگیری از اجرای احکام اعدام میدادگاه - های رژیم شاه در باره آنها شده بودند، گفته بود که آنها حق ندارند دست به چنین کاری بزنند! زنان قهرمان ما، از فعالیت و اقدام مبارزین و مجاهدین دفاع کرده و در توضیح خود در باره ضرورت مبارزه علیه ظلم و ستم، نمونه مبارزه "امام حسن" در مقابل خلیفه ستمگرا موی "بزی" را مثال میاورند. آیت الله خوانساری بلافاصله به آنها میگوید: شما چرا همیشه از "امام حسن" مثال میاورید و صلح "امام حسن" سخنی نمی - گوئید، او هم ما میبود و چرا شما راه او را الگو و سرمشق خود قرار نمیدید؟

هرچند که میان آیت الله خمینی و خوانساری بلحاظ موضع طبقاتی و در برخوردشان به رژیم شاه اختلاف فاحشی وجود داشت، اما آیت الله خمینی نیز بدلیل ماهیت طبقاتی همطور

که قبلا برای شما توضیح دادیم نمیتوانست در مبارزه خود علیه رژیم شاه، دارای پیگیری و قاطعیت باشد. تعریف و تمجید آیت الله خمینی از تحلیل توجیه گرایانه کتاب "امام حسن" از صلح "امام حسن" بهیچوجه نمیتوانست جدا از عدم اعتقاد او به قهر انقلابی و مبارزه مسلحانه علیه امپریالیسم و رژیم شاه باشد، این سبب طبیعی و روشن است که وقتی آیت الله خمینی بنا آخرین روزهای دوران رژیم شاه و در شرایطی که

تکا مل بود، اعتقاد به اصل "تکا مل" و پیدایش حیات از ماده و تکامل پیچیده آن به انسان، از ابتدائی ترین و در عین حال اساسی ترین اعتقادات سازمان مجاهدین بود و از همین رو یکی از جزو ات آموزشی سازمان که پس از کتاب "شناخت" به اعضا آموزش داده میشد، جزوه "تکا مل" بود. اعتقاد به اصل "تکا مل" آنچه که با استناد اصول علمی در این جزوه آمده، در اساس با برداشت و اعتقادات مذهبی (اعم از اسلام و غیر آن)

- آیت الله خمینی بدون آنکه اعتقادات ما را آنطور که امروز مدعی است، "منافقان" و "مخالفان" اسلام بداند و بطریق آنکه ظاهرا نسبت به سرنوشت ما اظهار تامله مینمود و در همین رابطه ما را از اتخاذ موضع صریح و قاطع نسبت به روحانیون مرتجع باین دلیل که ما را مورد تکفیر و ضربه خود قرار خواهند داد، برضد میداشت و حاضر نشد از مجاهدین و یازندگان سیاسی حمایت و پشتیبانی بعمل آورد.
- وقتی من طاعت هم پشتیبانی آیت الله را از زندانیان سیاسی و مجاهدین میبینم که امکان اعدام آنها وجود داشت، جوابشده م، آیت الله خمینی در جواب گفت: اگر من درباره آنها چیزی بگویم، وضع آنها بدتر میشود!

تفاضل آشکارا در او این یکی دیگر از التقاطهای موجود در مباحث فکری و ایدئولوژیک آن روزها (و امروز مجاهدین) را تشکیل میداد. اما در مورد موضع آیت الله خمینی نسبت به مقوله "تکا مل" روشن است که آیت الله با توجه به جهان بینی ایده آلیستی و مذهبی اش، بهیچوجه با آنچه که مورد قبول ما بود، موافقت نداشت و مخالفت خود را نیز آشکارا پس از مطالعه کتاب "امام حسن" اظهار داشت.

اختلاف بنیانی میان ما و آیت الله بر سر تکامل الزامات به درکهای مختلف ما و او در باره مسائل دیگری از جمله معاد و قیامت نیز کشیده میشد. درک آیت الله در این زمینه نیز گسلا مایده آلیستی و غیر علمی و بدو از هرگونه التقاط بود. آیت الله خمینی که بر اساس اعتقاد مذهبی و ایدئالیستی اش، به خلق انسان بودن جهان و انسان با وراثت، بر همین پایه، به بنا بودی ناگهانی جهان و انسان و سپس حیات مجدد تمام موجودات و از جمله انسان در یک لحظه بنا به اراده "ذات" با ریتمالی "مورت" میگیرد، اعتقاد داشت، لیکن ما که خواسته بودیم تحلیل خود را از تکامل و مساله قیامت برداشت و اصولی علمی متکی ما زیم، از یک سو چاره ای جز بنده گرفتن مباحثی و اصول مورد اعتقاد مذهب نداشتیم و از سوی دیگر بدلیل ایدئالیسم نهفته در تفکرو جهان بینی آن روزها، اصول مورد اعتقاد مذهب را - نظیر همین اصل معاد و قیامت و لو بشکل پیچیده تر و التقاطی مورد قبول قرار میدادیم. مجاهدین علیرغم آنکه میکوشند تحلیل خود را در زمینه تکامل (اعم از طبیعی و اجتماعی) در چارچوب

توده های میلیونی خلق ما خواستار مسلح شدن و جنگیدن با دشمن بودند، سخن از برادری ارتش آمریکا شایه با مردم میگویند و از تسلیح توده ها و مبارزه مسلحانه آنها با رژیم سرما بدهداری و بسته ها کم سربا میزنند، از صلح "امام حسن" و تحلیل توجیه گرایانه آن روزها از این صلح نیز به سخنی طرفداری نماید.

اشتباه نشود، ما کمونیستها مخالف هرگونه صلحی نیستیم، در شرایط ویژه ای، صلح با دشمن بصورت امری ضروری و اجتناب ناپذیر در میآید. امضای معاهده صلح "برسک لیتوفسک" میان شوروی و سوئالیستی و آلمان امپریالیستی که توسط لنین کبیر صورت گرفت و همچنین امضای پیمان عدم تجاوز میان شوروی استالینسی و آلمان هیتلری در اوائل جنگ جهانی اول، از جمله این صلحها هستند، اما این بمعنی مصالحه و سازش تاکتیکی و موقتی با دشمن است نه بمعنی مصالحه و سازش و استراتژیک و با مصالحه فرعی، موقت و مشروط است، در حالیکه مبارزه با دشمن، امری اساسی، دائم و غیر مشروط میباشد. کمونیستها بزرگترین منادین صلحند، اما نه صلحی که دست غارتگران را برهستی زحمتکشان با زیگارد، آنها طرفدار صلحی هستند که بر پایه حاکمیت کارگران و زحمتکشان و بنا بودی طبقاتی و ستم طبقاتی باشد.

پیکار: موضع آیت الله خمینی نسبت به مقوله "تکا مل" که در کتاب "امام حسن" مورد تأکید و تمجید قرار گرفته، چگونه بود؟
رفیق روحانی: از جمله مسائلی که در ملاقات من و آیت الله مورد بحث قرار گرفت، همین مساله



بقیه از صفحه ۲۶ تشدید ...

تنهایی از بازی کامل سیستمه اقدامات آشکار دست بزنند، بنی مدرو حزب جمهوری تواما قاتلان خلق کرد، ترکمن و سرکوبگران آزادیهای دموکراتیک و شکنجه در زندان و تیرباران کمونیست ها و انقلابیون هستند و اکنون که تیغ حزب جمهوری میخواهد لیبیرالها را نیز ببرد و قطب - زاده را میگیرد و به میزان حمله میکند، بسا د آزادی افتاده است، اما هنگامیکه خود فرمان کشتار خلق کرد اما در میگردند و با دهها کمونیست و انقلابی دیگر در زندانها تیرباران میشوند و آزادی احتماعات و مطبوعات برای نیروهای انقلابی قدغن میشود و مدایش در نمی آید. فریاد "و آزادی" بنی مدرو غوغی بیش نیست. او خواهان آزادی لیبیرالها در یک گرفتن کامل قدرت و آزادی سرکوب توده ها و بازی سیستم است، نه آزادی مردم!

کلام آخر اینکه هر دو جناح رفیق (لیبرالها و حزب جمهوری) ارتجاعی اند و ما باستی به افشای کامل دلایل این جنگ و دعوا پرداخته، توده ها را نسبت به مردم فریبی های دو طرف آگاه کنیم و نگذاریم که از یک طرف به طرف دیگر متمایل شوند، آنها را تا ما ده کنیم تا برای پیشبرد امر انقلاب برای مقابله با هر دو جناح متشکل و متحد شوند! این بگانه راه صحیح و انقلابی است. نه آن راهی که خاستن...

بقیه از صفحه ۲۵ جنگ و ...

بود ولی اگر فکر میکنید که پس از آن همه افشاگری نیروهای انقلابی و مترقی و پس از آن فتاوی شدن همکاران صمیمانه "ما شایسته الله خان" بسا سب و احسان آمریکا شایسته با زداشت و احبانا محازات شده است، سخت در اشتباه هستید و حوا ب شما را خود ما شایسته الله قما ب میدهد:

"رئیس دادگاه اه زوی برسید در شرایط حاضر در کجا مشغول هستی؟ ما شایسته الله قما ب پاسخ داد جزو با سداران زندان قهرورین نظر آیت الله خلخالی قما لیت میکنم (کیهان پنجشنبه ۲۹ آبان صفحه ۹).

رویزونیست فدائی و توده ای در دفاع از حزب جمهوری پیش پای توده ها میگذارد و نه آن راهی که خاستن رویزونیست به جانی تبلیغ میکنند و میخادین نیز هر چند از موضعی دیگر ما بهر حال به تقویت لیبیرالها می پردازند. با یاد از این جنگ قدرت برای افشای دو طرف و ارتقاء آگاهیه توده ها سوچست، نه برای تقویت یک طرف، با یاد به توده ها گفت که اینها بروی اجساد هزاران شهید انقلاب ایران، بر سر تقسیم قدرت و سود حاصل از استعمار زحمتکشان و چگونگی سرکوب توده ها به جان هم افتاده اند، نه برای دفاع از حقوق توده های خلق!

مثل معروفی هست که کیوتربا کیوتربا سباز با باز ... همکاران خلخالی قاتل نمیتوانند کسانی جز خاستن و جاکشانی جز ما شایسته الله - قما ب ها باشند اگر غیر از این می بود جاسای تعجب داشت؟!!

ملت را میگوید! "به سبیل کمک های نظامی خود به ارتش عراق ادامه میدهد، در واقع شوری بسا حمایت از دور زیم ارتجاعی، دشمنی و ضدیت طبقاتی اش را با توده های تحت ستم هر دو کشور با ردیگر به نمایش می گذارد.

اما رادویبنداد "ابن حنجره مرتجع رژیم عراق در حالیکه اخبار بیروزی های " ارتش عربی عراق" را سر میدهد، گمان میبرد مردم زحمتکش دزفول، اهواز، خرمشهر، قصر شیرین، کرمانشاه ... که شب و روز بمب و موژک مرتجعین عراقی بر سرشان می بارد، با ورخواهند کرد که گویا این سبب ها و راکت ها برای "آزادی" آنان از دست "رژیم خمینی - خلخالی" عزیزان آنها راه به خون میکشد و خانه و آشیانه شان را ویران میکند صدای ارتجاعی رژیم بنداد با بهره گیری از عناصر ارتش که بدست ارتش عراق اسیر شده اند و با بخش "شو" های رادیوئی "سو" استفاده از اشکاف میان ارتش و پاسداران، عمده حمله خود را متوجه بقیه در صفحه ۱۶

مباحثه ...

اصول و مبانی علمی استوار کنند (جنبه ما تریا لیبیرالها، اما در همان زمان این - چارچوب "علمی" را تحت تا شیر قلمی و تعیین کننده "اراده ریتمالی" قرار میدهند (جنبه ایدئالیستی تفکر مجاهدین) که نتایج کویکتترین سخنی از علمی بودن و اصولی بودن این تحلیل در چارچوب مورد نظر مجاهدین نمیتوانند در میان باشد.

پیکار: نتیجه ملاقات شما با آیت الله خمینی و پس از آن معنای متوالی بحث و مذاکره و توضیح مواضع سازمان مجاهدین ضرورت پشتیبانی آیت الله از مجاهدین و زندانیان سیاسی چه بود؟ آیا آیت الله خمینی هیچگونه پشتیبانی ای از مجاهدین و زندانیان سیاسی بعمل آورد؟

رفیق روحانی: همانطور که قبلا توضیح دادم، من قبل از هرگونه درخواستی از آیت الله، به تشریح مواضع ایدئولوژیک - سیاسی سازمان مجاهدین و فعالیتهای آن پرداختم و پس از توضیح این مسائل بود که ضرورت حمایت آیت الله را از زندانیان سیاسی و دادن اعلامیه ای در این زمینه خواستار شدم. آیت الله خمینی بدون آنکه اعتقادات ما را منظور کرده امروز مدعی است، "منافقان" و "خلاف اسلام" بدانند و علیرغم آنکه ظاهرا نسبت به سرنوشت ما اظهار علاقه مینمود و در همین رابطه ما را از اتخاذ موضع صریح و قاطع نسبت به روحانیون مرتجع نه این دلیل که ما را مورد تنفییر و ضربه خود قرار خواهند داد، بر حذر

میداشت، حاضر نشد از مجاهدین و یازندانان سیاسی حمایت و پشتیبانی بعمل آورد. عدم حمایت آیت الله خمینی از مجاهدین در شرایطی بود که در ایران بسیاری از علما، روحانیون و از جمله آیت الله طالقانی، منتظری و رفسنجانی و دیگران حمایت خود را از مجاهدین اعلام کرده و در این مورد نه ماهی به آیت الله نوشته بودند. آیت الله خمینی در توجیه عدم پشتیبانی خود از ضرورت شناخت بیشتر از ما را مطرح کرد و از ما خواست که از افرادی سربسته فوق و دیگران که مورد اعتماد آیت الله باشند بخواهیم که در این مورد با زهمنا هم برای اوستویند و جاکشانی همه اینکه وقتی من علت عدم پشتیبانی آیت الله را از زندانیان سیاسی و مجاهدین که امکان اعدام آنها وجود داشت، جویا شدم، آیت الله خمینی در جواب گفت: اگر من درباره آنها چیزی بگویم، وضع آنها بدتر میشود. من توضیح دادم که آقا مسئله اصلی، دفاع و حمایت از انقلاب و آرمان زندانیان سیاسی است و نه حمایت فردی از این و آن زندانی سیاسی که شما فکرمیکنید اگر درباره آنها چیزی بگویند، وضع آنها بدتر میشود. بعلاوه وضع آنها چه در زندان و چه در بیادگاهای رژیم شما تا نقد رده است که با حرف شما بدتر از آن نخواهد شد.

آیت الله خمینی پاسخی در برابر استدلالات من نداشت و نمیتوانست همداشته با خود بناچار و برای خالی نبودن عریضه در آخرین ملاقات رو بمن کرد و گفت: آقا با ما جور ندو! میدوارم

که در کارشان موفق باشند! عکس العمل من روشن بود، من به صراحت به آیت الله گفتم که مردم ما و مجاهدین خواستار "دعا" نیستند، آنها عمل میخواهند و دعا کردن و صرفا آرزوی موفقیت نمودن برای آنها دردی را دوا نمیکند. من از آیت الله جدا شدم و حاصل کوشش و ملاقات من و رفیق تراب تنها این بود که اولاد در لابلای برخی از اعلامیه های خود حمایت محدودی از زندانیان ما و تحت عنوان کلی "جوانان مسلمان" بعمل آورد و تا نیا پرداخت بخشی از "جوها ت شرعی" را به خانوادها زندانیان سیاسی مجازدانست، اما بدینست بدانید که ترا بیسط آنروزمبارزه چنان بود که مثلا بازاریان هوادار مجاهدین بدون "اذن" آیت الله از با بیست "جوها ت شرعی" خود هم به خانوادها زندانیان سیاسی و هم به سازمان مجاهدین کمک میکردند. در سال ۵۴ همین آقای هاشمی رفسنجانی به رفیق تراب در دمشق گفته بود، وضع در داخل کشور طور نیست که حتی اگر آقای خمینی هم حرفی بزند تا مجاهدین آنها را نشاندند، اجرا شدنی نیست!

من در اینجا سخن خودم را با شما، علیرغم آنکه مطالب گفتنی بسیاری وجود داشت که من ناگزیر از تلخیص آنها بودم به با من میبرم و از رفیق تراب میخواهم تا درباره ملاقاتهای بعدی خود با آیت الله و مسائل دیگری که در ارتباط با آن قرار میگردد با شما صحبت کند. پیرویشاید! ادامهدارد.



سخنی درباره سازماندهی تبلیغ بر علیه فلاکت جنگ!

رفقا! هر روز که از اوضاع حا دو بیجی سده مبارزه طبقه‌ای درجا مع میگذرد، مسئله‌ای جدید و وظیفه‌ای جدید پیش پای جنبش کمونیستی ایجاد میشود. اگر دگرروز مبارزه برای افشای تضاد جناحی هیات حاکمه مهمترین قسمت افشاکری و تبلیغات را در بر میگیرد، جنگ سمت تبلیغات را دگرگون نمود و جنبه عمده تبلیغات کمونیستی را بر محور جنگ و عوارض و فلاکت ناشی از آن و از آنجمله مساله آوارگان و گسترش گرانی و کمبود ما یحتاج عمومی، سوق داد.

رفقا! در شرایط کنونی، مساله گرانی و کمبود ما یحتاج عمومی یکی از مسائل مبتلابه توده‌ها و از جمله مسائلی است که با بد کمونیست‌ها روی آن تکیه کنند. در همین رابطه کلیه رفقا موظفند که در هر کجا که هستند تبلیغات وسیع علیه گرانی و دورنمای فلاکت توده‌ها دست بزنند و در هدایت و ارتقاء مبارزات توده‌ها بر علیه گرانی، که حتما گسترش خواهد یافت، بکوشند. در چنین شرایطی که بحرانهای رژیم روز بروز گسترده‌تر شده و توده‌ها نسبت به آن ابراز نا رضایتی بیشتری می نمایند، اگر ما در صحنه حضور نداشته باشیم، اگر ما سیاست ویرانه خود را برای توده‌ها توضیح ندهیم، که برایشان ارمان دمکراسی رفاه و انقلاب را تود می دهد، حتما لیبرالها و کمپرادورها از آن سود خواهند جست. هم اکنون مسئله گرانی وصف های طویل مواد غذایی و ما یحتاج روزمره، خوراک تبلیغاتی بسیار مساعدی برای لیبرالها و دارودسته‌های ضد انقلابی دیگر است که از نا رضایتی توده‌ها علیه رژیم جمهوری اسلامی و در جهت منافع خویش بهره گیرند. رفقا در این عرصه مهمی که میتوان بر سر آن تبلیغات گسترده‌ای صورت داد، هر گونه سهل انگاری مادر تبلیغ علیه گرانی، در فقدان حضور اعتراضات توده‌ای، عملا میدان را برای لیبرالها خالی گذاشتن است... بیس بکوشیم تا با مقابله با گرانی و... مبارزات توده‌ها را سازماندهی کرده و آلترو تا بتوان انقلاب را گسترش دهیم!

نامه‌ای از یک کارگر مبارز مکانیک

بنا خدا و خلقهای قهرمان ایران
"در جواب سئوالی که گفته بودید نظر

هواداران در مورد "نشریه پیکار" چیست، من معتقدم که روزنامه‌ای با محتوای مهم، عالی و ساده‌جواب کنیدا کارگران و زحمتکشان در محیط کار و خانواده‌شان بتوانند بدون مزاحمت دیگران بخوانند و بحث کنند و اسم‌های زما نی روی آن نوشته نشده باشد چون ما میدانیم که ایس روزنامه‌ها رگان چه سازمانی است.

البته پدرم با اینکه زحمتکش است و خواهران و برادرانم هم کار میکنند ولی در عین حال هر وقت با روزنامه‌ای که اسم سازمانی و کمونیستی داشته باشد مخالفت میکنند و با حتی آن را پاره میکنند و از ظرفی چون من مکانیک هستم و تمام روزها در کارگاه و تعمیرگاه به سر میبرم روزها اصلا نمیتوانم مطالعه کنم. شب هم که به خانه میروم با عکس‌العملهای خانواده و بیرونی می‌شوم و معتقدم که باید مبارزه کرد. خواهشمندم مرا یاری کنید. پیروزی از آن طبقه کارگران است. محبتی - ج - مشهد"

دوست گرامی! از اینکه نشریه پیکار را میخوانید و نظر خود را در باره آن برای ما نوشته اید تشکر میکنیم و خوشوقتم که نشریه ما توانسته است مورد توجه و علاقه کارگران و زحمت کشان از جمله شما قرار بگیرد. اینکه خوانندگان یک نشریه کمونیستی مثل پیکار در محیط کار و خانواده برای بعضی افراد موجب مزاحمت می شود، امر عیبی نیست، سالهاست که سرمایه‌داران و دشمنان طبقه کارگر بر ضد کمونیست‌ها تبلیغات کرده اند و حتی بسیاری از زحمتکشان کمونیست‌ها و هدفهای آنان را نمی شناسند. راه چاره این نیست که تا سازمانی و کمونیستی از روی نشریه برداشته شود، بلکه باید با حوصله و دقت زیاد در مورد آن کار کرد تا وحشی را که سرمایه داران در دل زحمتکشان از کمونیست‌ها ایجاد کرده اند بتدریج از بین برود. ما و دیگران نیز - های کمونیستی نیز وظیفه داریم که دردهای زحمتکشان و راه حل آن را که جز ایجاد حکومت کارگران و زحمتکشان نیست با زبان هر چه ساده‌تر بیان کنیم و با کارگران نزدیکترین و صمیمانه‌ترین پیوندها را داشته باشیم.

اما اینکه با توجه به کار روزانه فرصتی برای مطالعه در روزها و رید و شب هم خانواده ما منع مطالعه شما میشوند نظر ما این است که بیس از مشورت با رفقای همکاران با خانواده صحبت کنید و آنگاه نقد بر زبان خودشان و بازارش و حوصله کافی آنها را آگاه کنید که نه تنها در کار و مطالعه شما دخالت نکنند، بلکه با علاقمندی به مطالبی که شما میخواهید بگویند، و با شما همفکر گردند. نشریات کمونیستی بیان دردهای آنهاست اگر از مطالب آنها آگاه بشوند با شما همراه خواهند گردید.

با زهم برای ما نامه بفرستید. دست شما را میفشایم.

نامه‌ای از یک مادر مبارز

پیکار کارگران عزیز! من مادر دوتن از رفقای

پیکار رگشما هستم. من ما در چهار فرزند هستم و سلام گرم مرا بپذیرید. من نمیدانم از کجا برای شما شروع به نوشتن نامه میکنم، چون صحبت کردن با شما قهرمانانی که در راه عشق به خلقها و طبقه کارگر، از جان و مال خود گذشته و ما دقا نه بسه خلق خود و فادار هستید، برآستی مشکل است. من یک مادر خانه دار هستم، و در ضمن بسه کارهای دیگری چون بافندگی و دوختن کتبی اشتغال دارم. به شما بگویم که من کمونیست نیستم ولی عقاید انقلابی و مبارزه جویانه شما را قبول دارم و در هر حال که از دستم برآید میخواهم به شما کمک کنم و من هر کجا که بتوانم از موضع پیکار دفاع میکنم و خواهم کرد. و بدانید که شما در قلب توده‌های ما جای دارید و من بعضا ن یک فرد از توده‌های زحمتکش تا پای جان با شما هستم.

با امید روزی که پیروز بشید. ش. الف
مادر مبارز!
از اینکه عهد بسته اید تا پای جان هم دوش سازمان باشید، ما به غرور و سربلندی ما است. ما در عزیزا شما میتوانید تبلیغ نظرات سازمان در میان زنان زحمتکش جمع آوری کمکهای مانی برای سازمان، بهترین کمکها را در راه پیشبرد اهداف سازمان صورت دهید!

پیر وزباشید!
- رفقای محله‌های آبا در ریخ به پرش - نامه ۷۳ گزارش بسیار مفصل و دقیقی نوشته اند که بسیار جالب بود. رفقا با تهیه جدولی، کلیه پیکارهای منتشره از شماره ۱ تا شماره آخر را بررسی نموده اند و توضیح داده اند که ترکیب آنها و نقیصها و وضعیهای آنها چه بوده است. از کوشش و زحمت فراوان این رفقا و سایر رفقای که با سخیهای پرشنامه ۷۳ را برایمان ارسال نموده اید سپاسگزاریم.

رفیق ب - ه کارمند

نامه‌های بدست ما رسید و از اینکه نوشته بودی: "... اگر چه تا بحال نتوانسته‌ام کمک مالی خود را بطور ما هیا نه به سازمان برسانم ولی از طریقهای دیگر نسبت به علاقمندان و موضوعیهای سازمان در رابطه با اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی روزمره و بردن آن به میان توده‌ها، با توجه به وظیفه‌ای که داشته‌ام، چند تهراتر و چند شهرستان کوشیده‌ام (وضنا) پس از کسر خرج زندگی، ما هیا نه مبلغ ۳۰۰۰ ریال کمک تا چیز خود را به سازمان تقدیم میدارم...". بسیار خوشحال شدیم رفیق! ما نیز به شما همی شما می کارگران و زحمتکشان و خلقهای بیاری شما رفقای پیگیریک دم از مبارزه دست بر نخواهیم کشید و سوگند یاد کردیم که تا برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگران زبسی نشینیم!

پیروز باشی!
تقیه در صفحه ۱۳



بحران اقتصادی و مبارزه طبقاتی در لهستان

در لهستان رویزونیست، بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی همچنان ادامه دارد. حاکمیت بورژوازی و استقرار سرمایه‌داری از یکطرف و وابستگی به سویال امپریالیسم شوروی از طرف دیگر، اقتصاد لهستان را به ورطه‌ای کامل کشانده است. مبارزات کارگری اخیر ضریحاً تملهکی برپیکر سرمایه‌داری حاکم زد، بنحوی که این مبارزات دلبرانه تولید بورژوازی را در بخشهای مهمی مواجه با رکود کرده و دولت حاکم را مجبور نموده تا برای مقابله با فطی و گرانی روزافزون اقدام به جیره‌بندی مواد غذایی کند. در همین رابطه "الکساندر کوپیک" معاون نخست وزیر گفت: "این کشور با کمبود گوشت، شکر و حبوبات مواجه است"، و بعلاوه "بین کوفسکی" نخست وزیر لهستان مطرح کرد: "روال عیادی کار تولید در بسیاری از زمینه‌های اقتصادی کند شده است و دونا سه سال فرصت لازم است تا مجدداً رکودی را که بر اثر انقلاب کارگری چند ماه پیش بوجود آمد حیران کرد. ما باید آگاه باشیم که دوران سختی در پیش داریم و افزایش دستمزد هامی تواند، مشکل ترین شرایط با آرا برای ما فراهم آورد. بسیاری از مواد غذایی با کمبود تولید در لهستان مواجه است." (کپیان ۲۲ آبان) واقعا چه عاملی کارگران را برای افزایش حقوقشان وادار به اعتصاب نمود؟ در واقع عامل اصلی بحران همان سرمایه‌داری است. این سرمایه‌داری است که تورم و گرانی را بوجود می‌آورد، این سرمایه‌داری است که لهستان را مواجه با کمبود مواد غذایی می‌کند، این سرمایه‌داری است که کارگران را تحت فشار اقتصادی - سیاسی قرار میدهد و آنان را به مبارزه میکشاند.

لهستان برپا به تازمیربالیستی روسها یعنی تز "تقسیم بین المللی کار" به نقطه ای رسیده که در زمینه کشاورزی نیز مواجه با رکود است. بنحوی که این کشور "شیر" خود را از چکسلواکی و "حبوبات" خود را از آلمان شرقی تا مین میکند و گفته "بین کوفسکی" مرتداً سال مجبور است "۱/۴ میلیار دلار بیشتر از سال گذشته صرف تا مین مواد غذایی و واردات کشاورزی

نماید" (هما نجا). البته با دبحران فراتر از آنچه که گفتیم میباید، بورژوازی لهستان برای مقابله با بحران احتیاج به منابع مالی دارد. سویال امپریالیسم خود در بحران سرمایه‌داری و نمیتواند فعلاً به بورژوازی لهستان کمک کند. به این لحاظ لهستان مجبور است دست گذاشتن سوی امپریالیسمهای غرب دراز کند. اخیراً دولت ارتجاعی لهستان بطور محرمانه مبلغ ۳ میلیار دلار از امپریالیسم آمریکا تقاضای کمک مالی نموده است. البته آمریکا هنوز پاسخی به این درخواست نداده است و بعلاوه امپریالیسم روس بیعت گسترش نفوذ آمریکا در لهستان در مورد این درخواست دچار گرانی گشته است. میدانیم که لهستان مبلغ ۱۹/۴ میلیار دلار به کشورهای امپریالیستی غرب بدهی دارد و هر سال ۶ میلیار دلار بابت این بدهی باید بپردازد. حال اخذ وام جدید و افزایش این بدهیها چه نتایجی بیا خواهد آورد؟ آیا با نفوذ بیشتر امپریالیسم غرب در لهستان ببار نخواهد آورد؟ نگرانی شوروی از این مسائل ناشی میشود.

درست‌ترین بحران اقتصادی، بحران سیاسی اجتماعی همچنان ادامه دارد. و کارگران لهستانی به مبارزات خود ادامه داده‌اند. بورژوازی که زیر فشار جنبش بوده‌ای مجبور به عقب نشینی‌هایی گردیده است در پی آن نیست تا به قولهای خود "وفا" کند. و کارگران نیز حاضر نیستند به مبارزات خود پایان دهند. در حال حاضر این مبارزات و آنجا کارگران دست به اعتصاب می‌زنند و اخیراً ۶٪ از دوازده هزار اروپا ضد نفی کارکنان رادیو - تلویزیون لهستان به اعتصاب پیوسته‌اند. در حال حاضر مسئله اساسی جنبش کارگری لهستان، فقدان یک رهبری کمونیستی و نیرومند است. در لهستان کمیونستهای ضعیف هستند. "حزب کمونیست لهستان" (مارکسیست - لنینیست) که بطور مخفیانه به فعالیت اشتغال مشغول است فاقد پایه‌های گسترده است. بنابراین جنبش کارگری لهستان در شرایط بحران کنونی نمیتواند بطور استوار علیه بورژوازی - رویزونیستهای حاکم به پیش رود. بویژه آنکه نیروهای بورژوازی - لیبرال مخالف حکومت میکوشند تا این جنبش را به سود خود منحرف سازند. در حقیقت در لهستان نیروهای سیاسی مخالف حکومت به دودسته متضاد تقسیم میگرددند: اگر در یک سو دمکراتها و انقلابیون کمونیست قرار دارند، در سوی دیگر روشنفکران لیبرال مرتجع طرفدار دمکراسی بورژوازی غرب، روحانیت مرتجع کلیسایی و محافظ صهیونیستی لهستانی جای گرفته‌اند. نیروهای بورژوازی اپوزیسیون میکوشند تا جنبش کارگری را تحت سیطره خود قرار دهند. به این لحاظ کمونیستهای لهستان وظایف سنگینی بدوش دارند. این وظیفه عبارت است از افشا و طرد این نیروهای مرتجع اپوزیسیون و سازمان‌دهی و هدایت جنبش کارگری در جهت سرنگونی

بورژوازی حاکم و تصرف قدرت سیاسی

تلاش‌ها جدید نیروهای امپریالیستی در خلیج

رادیو جبهه خلق برای آزادی عمان، در تاریخ ۲۳ آبانماه بنقل از سخنگوی رسمی جبهه مزبور چنین گفت:

فعالیت‌های امپریالیسم جهانی بویژه امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج و اقیانوس هند با دتازهای یافته است. نیروهای آمریکایی و انگلیسی مستقر در جزیره "ام الفم" - که خود بصورت یک پایگاه نظامی، مشرف بر تنگه هرمز در آمده است - با همکاری نیروهای رژیم دست - نشانده قابوس، مشغول حفركانالی از منطقه "نینا" به "حلبین" هستند تا خلیج فارس را مستقیماً به دریای عمان متصل سازند و از این کانال - مال در صورتیکه تنگه هرمز بسته شود استفاده کنند. طول این کانال به ۶ کیلومتر بالغ میگردد. همچنین ۱۵ ماهه اوت گذشته (۲۴ مرداد)

یک واحد نیروهای آمریکا، منطقه‌ای به مساحت هزاران مترمربع را مورد بررسی قرار داده تا تا سیات نظامی و مراکز برای انبار کردن اسلحه در آنها بسازند. همینطور، یک بندرگاه نظامی در منطقه "نینا" و "حلبین" (متعلق به عمان) تاسیس نموده‌اند. تا بتوان از آن برای پهلو گرفتن کشتی‌های جدید جنگی و کشتی‌های دریایی استفاده کرد.

اهالی این مناطق ساحلی از فعالیت‌های اقتصادی خود، آزماهیگیری گرفته تا حمل و نقل کالا ممنوع گردیده‌اند. در بنای تاسیسات مورد نظرها کارگران محلی نیز استفاده نمیشود و کارگران را صرفاً از خود آمریکا شپا و انگلیسیها و خارجیان استخدام میکنند. نزدیک شدن به این مناطق برای اهالی ممنوع است.

بدین ترتیب منطقه "رئوس الجبال" (ارتفاعات عمانی مشرف بر تنگه هرمز) بصورت پایگاه‌های جهت بسط تجار و تاجران با زهم بیشتر برای نیروهای امپریالیستی در آمده است.

راهپیمائی عظیم دانشجویان یونانی علیه رژیم حاکم و امپریالیسم آمریکا

۷ سال پیش دانشجویان کمونیست و مبارزان یونان به تظاهرات عظیم و گسترده‌ای علیه دولت نظامی وقت و امپریالیسم آمریکا دست زدند. در این جنبش عظیم که منجر به سقوط دولت نظامی با دویولوس گردید، حداقل ۳۴ نفر کشته و ۱۰۰۰ نفر زخمی شدند. مناسبت بزرگداشت این جنبش قهرمانانه، هر سال دانشجویان به تظاهرات گسترده‌ای دست می‌زنند. در همین رابطه سال راهپیمائی عظیمی با شرکت بیش

بقیه در صفحه ۲۲

ندیدن سوسیال امپریالیسم: نکته‌ای بس مهم در قضیه سعادتی

باز هم ارتجاع حاکم زهر خود را علیه نیروهای انقلابی ریخت و ما هم محمدرضا سعادتی را محاکمه و به ۱۰ سال زندان محکوم ساخت. در باب اینکته از زمان مجاهدین خلق با بدبختان یک نهاد انقلابی و دموکراتیک پشتیبانی کرد بسیار سخن گفته ایم و موضعگیری ما علیرغم اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی با مجاهدین خلق نسبت بدانان مثل روز روشن است.

در این باره نیز که رژیم ما کم‌تفادلتی تا پذیرفتن طبقه تیش را با کمونیستها و نیروهای دموکراتی نظیر مجاهدین هرگز فراموش نکردیم و یکدم از تهمت زدن، ممانعت از فعالیت و سرکوب آنان - تا آنجا که نتوانسته - خودداری نکرده است. مقالات متعددی در پیکار آورده ایم، همچنین انتقادات ما به مجاهدین خلق بی‌شمار است. ما زمان انقلابی ضد امپریالیست با راه مطرح شده و نسبت به آن حرفاتی که در مضمون سیاسی آنان وجود دارد و در نتیجه گرایش لیبرالی رابر این سازمان غالب گردانیده و به جنبش انقلابی خلقهای مظلوم وارد می‌آوردیم و بارها هشدار داده ایم. در باره ما که سعادتی نیز طی نوشته‌ها و مقالات بیگانه هم هدفهای ارتجاعی رژیم را از این قضیه افشا کرده ایم و هم به برخورد لیبرالی مجاهدین و خود سعادتی که در "دفاعیاتش" منعکس است انتقاد نمودیم.

برخورد لیبرالی مجاهدین و خود سعادتی از نظر کسی که آنها نسبت به این رژیم دارند از موفقی که آنها می‌خواهند به عنوان "بوزیسیون قانونی" در این رژیم داشته باشند ما به میگرد. رژیم به آنان تهمت میزند آنها را منافق می‌نامد، دستگیر میکند، سرور میکند و سرکوب مینماید دولتی سیاست کبک وار مجاهدین سردر زیر سر فرو میبرد و میگوید ما نیست و "انشاء الله گریه است!" رژیم می - کوشد آنها را از محتوای انقلابی خالی کند و به لیبرالیسم بیشتر بکشاند، میگوید بگوید کمونیستها نخسند، "اقتصاد دیزبان ساده" را قبول نداریم "شناخت" را قبول نداریم "تا بدشما را در درون خود بسبذیم" و مجاهدین از کنگره تحقیق درباره اسلام و وحدت اسلامی سخن میگویند و خود را بسا آنها (رژیم) در یک صف میدانند (و در واقع جفا میزند) و این در واقع جمع کثیر هواداران و توده‌ها هستند که در توهمی مانند و نیرویشان به هدر میروند این ارتجاع دشمنان خلق اند که سود میبرند. در همه این موارد قبلا بتفصیل سخن گفته ایم.

نکته‌ای که در اینجا روی آن مکتوب خواهیم کرد کیفیت برخورد و نگرش مجاهدین به سوسیال امپریالیسم شوروی است. سیاست مجاهدین در دوره جدید فعالیت آنها (از ۵۷ بعد) نشان می - دهد که آنها علیرغم داشتن انتقاداتی بس

سیاست شوروی (چنانکه در موضعگیریشان در مقابل اشغال افغانستان آشکار بود)، آن کشور را حداقل در مرحله کنونی همپیمان خود علی - همپیمان امپریالیسم آمریکا میدانند. اینکته مجاهدین بلافاصله پس از قیام موبیا فتنه‌گانی بوده‌ای و موقعیتی سیاسی، به فکر وارد شدن در بده و بستن - های بین المللی میافتند و ما همپیمان امپریالیستی و نجات‌بخش را نه شوروی را از بساد میبرند و به تجاری که خلقهای رزمنده آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین از برخورد با شوروی دارند کمپها میدهند و بدان به چشم یک "طرف

میا ندیدند یا به منافع توسعه طلبانه خود ساحت و با ختنایش با امپریالیسم آمریکا .
۱- پس از جنگ ژوئن ۶۷ و شکست رژیمهای عربی از اسرائیل، کاسیگین در ملل متحد طی نطقی با مصلحت از حقوق خلقهای عرب دفاع کرد "محو آثار نجات و زوال ۶۷" و بازگشت نیروهای نظامی به مرزهای قبل از جنگ را خواستار شد. یک پل هوایی بین مسکو و قاهره برای ورود اسلحه برقرار گشت ولی تنها کمونیستها را سستی می فهمیدند که این پل، پل نفوذ تسلط بیشتر است و بدهکاری ۱۰ میلیارد دلاری مصر به مسکو

*** یک انقلابی فلسطینی: "روسها وقتی با تو صحبت میکنند یا از تو حرف میکنند بابتو دستور می دهند . هیچ سخنی از موضع رفیقانه در میان نیست!"**
*** در رابطه با جریان سعادتی ، جای یک انتقاد از خود جدی از طرف مجاهدین خلق ، خالی است .**

معا مله "مینگرند، حکایت از خطری مهلک برای جنبش انقلابی و دموکراتیک خلقهای ایران می کند. مجاهدین این را ندیده اند که شوروی دیگر یک کشور سوسیالیستی و دوست خلقهای تحت ستم نیست ، بلکه خود تحت سرپوش کمک بسج جنبش های ضد امپریالیستی ضد صهیونیستی و ضد نژادپرستی و در چرخه رقیبیت با آمریکا در کار توطئه و جنگ انداختن بر منابع مادی و انسانی این خلقهاست .

یک انقلابی فلسطینی طی یک ملاقات ، سیاست شوروی را در برخورد به جنبش های آزادی بخش چنین خلاصه میکند :

"روسها وقتی با تو صحبت میکنند یا از تو حرف میگویند یعنی ترا جاسوس خود می - خوادند و یا به تو دستور میدهند . هیچ سخنی از موضع رفیقانه در میان نیست!" (۱)
هم اکنون سوسیال امپریالیسم شوروی بر اغلب جنبش های آزادی بخش خاور میانه خیمه زده و ما به شوم خود را گسترده است . این جنبش ها بدلیل ضعفها و آنحرافات درونی خود ، و بسرای مقابله با دشمن خونخوار که حیات و سر نوشتشان را بطور روزمره تهدید میکند (یعنی آمریکا و اسرائیل و عمال آنها) ، به شوروی "پناه برده اند" . تنها چند مثال عینی از واقعاتی که طی سالهای گذشته رفقای ما در منطقه خاور میانه شاهد آن بوده اند به خواننده نشان خواهد داد که آیا سوسیال امپریالیسم شوروی به منافع و مصالح و حقوق این خلقهای تحت ستم و مبارز

راطی چند سال بدنبال خواه داشت (۲) . آنها درک میکردند که این "دوست بزرگ" پس از مدتها چانه زدن و رفت و آمد مدرسان عرب به مسکو حتی به دادن یک قطعه سلاح تنها جمعی به اعراب رعایت نخواهد داد و هر چه میدهند و نقد هم پولش را دریافت میدارد جز سلاحهای تدا فعی نیست . ما در اعراب " موجودیت اسرائیل " را که مورد توافق آمریکا و شوروی است بخاطر بیاد آنند بومدین رئیس جمهور سابق الجزایر یکی از همین گفتگوها و مرا روجا نه زدن در مسکو در سال ۶۷ آنقدرنا راحت میشود که جلسه را نیمه تمام گذارده ، مسکورا به اعتراض ترک میکند .

عبدالنا صریح از چانه زدنهای زیساده و دادن ضمانت و پرداخت پول نقد که الجزایر و لیبی و ... تا مین کردند توانست موثکهای سام ع را در یافت کند و به جنگ فرسایشی محدودگانال سوشل در سال ۷۰ میا درت نماید .

سلم است که اشکال کار اعراب در مبارزه علیه آمریکا و صهیونیستها نه در داشتن یا نداشتن سلاحهای تنها جمعی بلکه ناشی از ماهیت بورژوازی و ضد خلقی رژیمهای عربی است که هرگز نمی - خواهند و نمی توانند توده ها را علیه آمریکا و " اسرائیل " بسیج نمایند . همچنین مسلم است که راه اعمال سلطه شوروی علیه خلقهای عرب نه فقط در دادن یا ندادن سلاحهای تنها جمعی ، بلکه از راه های گوناگون منجمله حمایت از رژیمهای بورژوازی دولتی و تقویت و حمایت ریزیونیست ها - ها هسته ، روابط اقتصادی هم خود داستان

(۱) - در حالی که بین سازمان آزادی بخش فلسطین و شوروی روابطی نزدیک وجود دارد ، کم نیستند انقلابیون مادی که با توجه به تجربه شان (بسا دیدی امپریالیستی و نه مرز بندی مشخصی ایدئولوژیک) به شوروی اعتماد دارند .
(۲) - سادات این نماینده بورژوازی کمپرادور مصر ، همین قضا با ربا نه سقوط خود پیدا مان آمریکا و " اسرائیل " و توجیه آن نزد توده ها - قرار داد .

دیگری دارد.

منظور ما از آوردن مثالهای از خرید سلاح و غیره صرفاً نشان دادن نمونه‌هایی از برخورد سوسیال امپریالیسم شوروی با مسائل است که خلقهای تحت ستم آن دست‌بگریمان اند.

۲- رفقای ما که طی جنگ در بلغارستان انقلابیون عوامی تماشای نزدیک داشته‌اند نقل میکنند که سلاحهای راکه انقلابیون از طریق بلوک شرقی بدست می‌آوردند عموماً با قطعات بدکی همراه بود بطوری که مثلاً مسلسل ضد هوایی "دوشکا" پس از مدتی کار نکردن، با نکتشدن یک بیخ و میهره کوچک به پارهای تنبیل میشد که در جنگ هیچ مصرفی نداشت. دادن سلاح و ندادن قطعات بدکی به نیروها یا کشورها، بهترین وسیله برای درگیر داشتن ریش طرف‌خبردار از سبب شوروی است.

در مورد صنایع هم همین مسئله و نیز وجود مستشاران بنحوبارزی وجود دارد، همانطور که در مورد کشورهای امپریالیستی غرب سراغ داریم

۳- شاید کمترین بی‌انگهی انقلابیون فلسطینی بندرت کمک تسلیحاتی بلاعوض از شوروی گرفته‌اند و هر چه دارند پولش را نقد برداخته‌اند. البته این، بدین معنی نیست که شوروی، زمانی که منافعی را با بکند "کمک" تسلیحاتی بلاعوض نمی‌کند بلکه همانطور که در انگولا دیده‌شده و یا در تایوان و افغانستان، حاضر است لشکرکشی هم‌کند.

۴- از بین ده‌ها مورد افتخارانه راجع به رابطه شوروی با فلسطین قضا یا بی نظیرها جرئت بهبودیان روسی به فلسطین اشغالی وجود دارد که بخصوص بخاطر محبت و کارآشپهای علمی و تکنیکی شان در تحکیم موقعیت صهیونیستها تا شیرفراوان دارند. سابقاً در "پیکار" در این باره اشاراتی داشته‌ایم و در اینجا فرصت برداختن بیشتر بدان نیست.

۵- تلاش برای وابسته کردن کشورهای منطقه و نیز نیروهای انقلابی آن، به سیاست شوروی، از طریق وابستگی تسلیحاتی، شیوه‌ای است که مسکو برای تأمین هژمونی و پیشبرد نفوذ خودیکار می‌کند. کمتر تحرک نظامی در منطقه‌ها ورمیانه‌میتوان یافت که با موافقت مسکو همراه نباشد. دیدار کاسیگین در یکی‌دو روز قبل از دخالت نظامی سوریه در لبنان جهت سرکوب جنبش مقاومت فلسطین و لزوم جلب موافقت مسکو حتی برای استقرار نیروهای سوریه در منطقه "بقاع" لبنان نمونه‌ای از تلاش سلطه‌طلبانه شوروی علیه خلقهای تحت ستم است.

۶- حمایت شوروی از رژیم‌های بورژوازی دولتی بر اساس تزخدا انقلابی و ضدما رکسیستی "راه‌رشد عیسرما به‌داری" و در حالیکه این رژیم‌ها به سرکوب فاشیستی کارگران و زحمتکشان کشور خود مشغول اند نمونه‌های دیگر از برخورد سوسیال امپریالیسم شوروی با مبارزات خلق‌های تحت ستم میباشد. حمایت شوروی از عراق و سوریه به‌عشیا، از تایوانی‌ها یا لایمریم، از سودان

نمیری و سوسیالی‌ها در باره (در گذشته) مثالهای در اس‌زمنه هستند. در اینجا به‌همین مثالها بسنده میکنم (۳) و به برداشت توهم‌آمیز و انحرافی ما ه‌دین نسبت به شوروی بر میگردیم و تا کند میکنم که این توهم برداشت انحرافی ما ه‌دین در زمینه سیاست خارجی جدا از تنزل و نابیکری طبقاتی و ایدئولوژیک ما ه‌دین نیست، بلکه دقیقاً انعکاس آن است. وقتی ما ه‌دین تلگراف "جهه‌دموکراتیک برای آزادی فلسطین" برهبری نائف حوا تهمه خطاب به خودشان که در واقع کارگزار شوروی در جنبش فلسطین است در صدر روزنامه ما ه‌دجا ب میکنند توده‌ها را نسبت به شوروی و کارگزارانش به توهم بیشتری مسا ندازند. این برداشت غلط و انحرافی را به‌همان دلیل طبقا تسی و ایدئولوژیک در سازمان آزادیبخش فلسطین نیز میتوان دید.

باری، ما ه‌دین نه تنها این برخواستورده انحرافی خود را تا کنون نپذیرفته‌اند و از خود انتقاد نکرده‌اند بلکه پس از دستگیری سعادتسی (۴) طی اعلامیه‌ای به توجیه آن پرداخته‌اند. عملی صحیح! خواندند (۵) ما ه‌دین حتی مدعی شدند که تماشای شوروی جهت "مقابله با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا" را در گذشته نیز انجام داده‌اند و اضا فیه کردند که در سال ۵۱ نماینده‌ای از سازمان ما ه‌دین همراه با با سرعفات و با معرفی او به مسکو فرستاده است! این را میگویند "عذر بدتر از گناه"! توجیه یک برداشت نادرست با یک داستان غلط چون قضیه روابط خارجی ما ه‌دین در آن سالها به برخی از رفقای ما منجمله رفیق ثواب حق - تناس بر میگردد، ما پس از کما تلاح محبده اعلام میداریم که چنان تماشای و مسافرتی هرگز صورت نگرفته و گذشته‌ها زمانی ما ه‌دین از اینگونه تماشای ما میراست.

ما ضمن حمایت از سازمان ما ه‌دین خلق ایران و اعلام تنفرا ز برخورد سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی نسبت به آنان و نیروهای کمونیست، ضمن محکوم شمردن محاکمه سعادتسی وراثی که علیه او ما در شده است خوا ستار طرد انحرافات و پاکیزگی هر چه بیشتر سیاسی - ایدئولوژیک این سازمان هستیم. ■

(۳) در باره برخورد شوروی با جنبش اریتره در آبنده مطالبی خوا هم‌آورد.

(۴) ما در جاهای دیگر به‌خدا انقلابی بودن باز داشت و محاکمه سعادتسی و عدم ملاحیت ایسن رژیم برای بررسی فعالیتها بی که به نیروهای انقلابی مربوط میشود، حدکافی برخورد کرده‌ایم.

(۵) طبیعی است که انتقاد ما هیچ حقانیتی به سرمداران رژیم جمهوری اسلامی که این قضیه را وسیله تهمت و سرکوب ما ه‌دین قرار داده‌اند، نمیدهد.

شبه از صفحه ۱۲ پیام...
زحمتکشان ایران و عراق!

در جنگ کنونی تنها و تنها امپریالیسم غرب و سوسیال امپریالیسم شوروی سود می‌برند. این جنگ به زحمتکشان تعلق ندارد و رفمان شومی است! زوی دولتها ی سرما به داری حاکم بر ایران و عراق، بیش از این به سرما به داران حاکم بر دو کشور و ریزبونیستهای متعلق و چا پلوس بورژوازی اجازه ندهید که توده‌ها را به گوشت دم - توب منافع خود بدل سازند. در هر گما که هستیم کارخانه، مزرعه، مدرسه، اداره و... مشکل و متحد شویم، توهم و ناآگاهی را نسبت به حاکمیت و جنگ درهم‌کنیم.

هستند نیروهای ما اندر اها کارگروزمند - گان که شما را به دنباله‌روی از دولتها ی ارتجاعی و شرکت در این جنگ فرامی‌خوانند. آنها در این جنگ عملاً به بورژوازی خدمت میکنند و با ایدسیاستهای انحرافی و ریزبونیستی آنها را افشا کرده و برای مبارزه خود علیه این جنگ غیرعا دلانه و سیستم‌سازمانی و وابسته، عا مل اصلی فلاکت و کشتار زحمتکشان، بی‌خیزیم.

فریاد خود را بر علیه این جنگ ارتجاعی بلندتر کنیم! جنبش‌آوارگان جنگ برای بهبود وضع زندگی‌شان را مشکل‌تر کنیم! جنبش اعتراضی بر علیه گران، کمیابی و فلاکت زحمتکشان را سازمان دهیم! مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۵۹/۸/۲۷ ***

بقیه از صفحه ۴ تبلیغ...

نمیدهند و عملاً توده‌ها را زیر آماج تبلیغات بورژوازی رها میکنند. نتیجه یکی است: توده‌ها زیر نفوذ وسیله ایدئولوژیک سیاسی بورژوازی قرار میگیرند، بورژوازی که نیک میدانند با تبلیغات را وسیله توده‌ها نفوذ داد.

بدین ترتیب عدم پیوند با توده‌های وسیع از طریق تبلیغ گسترده، تنها و تنها میشود. بورژوازی و مبلغان پرامکانانش تمام میشود. ادا مه‌دارد.

بقیه از صفحه ۲ راهپیمایی...

از ۳۰۰۰۰ دانشجوی کمونیست و مبارز ریزگرزاز گردید. دانشجویان انقلابی قصد داشتند به سفارت امپریالیسم آمریکا حمله کرده و آنرا با تاش بکشند، اما پلیس مرتجع یونان از سفارت با تکی‌ها به شدت حمایت کرده و با حمله خود به صفوف دانشجویان حداقل یک دختر دانشجو را کشته، صدها نفر را زخمی و صدها تن را دستگیر نموده است. ■

گرامی باد خاطره ۴ پیکارگر شهید که در خوزستان جنگ زده بشهادت رسیده اند

مراسم بزرگداشت
شهادت رفیق نورائی
در پاریس

سازمان پاریس عضو "اتحادیه جهانی دانش - آموزان و دانشجویان در خارج از کشور - هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" به مناسبت شهادت رفیق حسین نورائی، که عضو سابق این سازمان بود، مراسم بزرگداشتی برگزار نمود. در اینجنا مایا مهیای سازمان پاریس به مناسبت شهادت رفیق نورائی راجع مینماید:

"تلگرام سازمان پاریس به خانواده پیکارگر شهید حسین نورائی"
پدروما درما زینکا زگر شهید حسین نورائی
سازمان پاریس عضو اتحادیه جهانی دانش - جوانان و دانش آموزان در خارج از کشور هوادار سازمان پیکار، شهادت فرزند قهرمان شما، رفیق حسین نورائی را که خود را فدای آزادی خلقهای ایران نموده شما، پدر و مادری که فرزندی اینچنین را ستین پرورانده اید و به تمام زحماتش تسلیت گفته، بادش را گرامی داشته و به راهش ادامه دهیم.

۱۷ آبان ۵۹
"تلگرام به تشکیلات هوادار س. پ. در اهواز"
رفقا! رفیق شهید حسین نورائی، عضو سابق سازمان پاریس و هوادار س. پ. در اهواز جان خود را نثار آرمان زحمتکشان نمود. رفیق حسین مظهرتاما مبارزان راستینی بود که در این مرحله از انقلاب ایران خود را فدای تنها شعار صحیح: "جنگ ارتجاعی را تبدیل به جنگ علیه ارتجاع کنیم" میکنند است. همه او را بخاطر داریم. رفیق در تمام طول دوران مبارزانش مظهر صداقت، صمیمیت و عشق به زحمتکشان و راه آنان بود و براساسی رفیق حسین کمونیت و ارابه شهادت رسید. آری "دره میان سوسالیسم و امپریالیسم را گستر کمونیتها پرخواهد کرد"
سازمان پاریس عضو اتحادیه جهانی محصلین ایرانی در خارج از کشور
هوادار س. پ.

شهادت رفیق پیکار زگر شهید حسین نورائی را به تمام زحماتش و خلقهای ایران تسلیت گفته، بادش را گرامی و ورزش را با پیادار میدارد.
سازمان پاریس هوادار س. پ.
۱۷ آبان ۱۳۵۹
"تلگرام تسلیت به ما در پدروما زرفیق حسین نورائی"
بقیه در صفحه ۲۴

نام: غلام
نام خانوادگی: سقاط
تولد: ۱۳۳۹ در یک خانواده کارگری در آبادان
شغل: کارگر، هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
شهادت: ۱۰ آبان ماه ۵۹ در اثر ترکش خمپاره های ارتجاعی عراق - آبادان

جنگ ارتجاعی بین رژیمهای ایران و عراق هر روز بیش از روز پیش برزخهای زحمتکشان میهن ما می افزاید. این جنگ برای کارگران ایران جزیبستی و تشدید استقامت ربه راهی ندارد کارگران را کشتار میکنند و توده های زحمتکش را به نیستی میکشاند. رفیق پیکار غلام سقاط یکی از کارگران آگاه است که در اثر تهاجم ارتش بعث عراق، قلب سرخش که مالمال از کینه طبقاتی نسبت به دشمنان طبقاتی زحمتکشان بود و جز در راه رها نشی سرخ کارگران و زحمتکشان دیگر نمی طپید، از حرکت باز ایستاد. رفیق پیکار غلام بیست سال پیش در یک خانواده کارگری در آبادان چشم جهان گشود. بخاطر شرایط خانوادگی و محیط کارگری آبادان بسیار زود در درونج ناشی از استقامت طبقاتی آشنا گشت. زندگی پدرش که کارگر صنعت نفت بود، واقعتهای تلخ زندگی زحمتکشان را در جامعه طبقاتی تحت سلطه برای او تصویر مینمود و درجه تازه ای از زندگی بر روی چشمانش جستجو کرد. رفیق گشوده میشد، بخاطر نیاز مالی خانواده مجبور به ترک تحصیل و روی آوردن سوی صف کارگران گردید و علیرغم سن کم با پرداختن بکار

گرامی باد خاطره شهدای بخش

منشعب س. م. خ. ا.



رفیق فاطمه فروزک زاده
منشعب س. م. خ. ا.
شهادت در آذرماه ۵۴



رفیق صادق فردنغوی
منشعب س. م. خ. ا.
نقش فعال در بخش کارگری سازمان
دستگیری در نهم آذرماه ۵۵
شهادت در ۱۴ آذرماه ۵۵
شکندمد و غمناک ساواک
بقیه در صفحه ۲۴

نام: بهرام
متولد: ۱۳۳۸ در شیراز
دبلمه وظیفه هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
شهادت در جبهه جنگ ارتجاعی

رفیق پیکار زگر بهرام نا هوران در سال ۱۳۳۸ در شیراز زیدنیا آمد و در همانجا تحصیل کرد. رفیق چند ماه پیش وارد تشکیلات سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در شیراز گردید و به فراگیری آموزشهای سازمانی و غنی تر ساختن آگاهی ما ز کمبستی - لنینیستی پرداخت و بعنوان عنصری فعال در جهت تبلیغ و ترویج مواضع انقلابی سازمان مشغول فعالیت شد. در گرامم جنگ ارتجاعی ایران و عراق رفیق بهرام بعنوان دبلمه وظیفه در آبادان، ۲۰ اهواز مشغول کار بود، او طبق رهنمود سازمان برای تبلیغ سیاستهای سازمان در مورد جنگ غیر عادلانه کنونی عازم جبهه جنگ شد تا در حد توانش ایده های انقلابی را در میان سربازان نشر دهد و آنان را از ماهیت جنگ آگاه ساخته و با آنها بیاموزد که چگونه سرمایه داران با تبلیغات ارتجاعی و شوینستی جوانان میهن ما را به

نام: حمید
تاریخ تولد: ۱۳۴۰ در اهواز
آزادی طبقه کارگر
شهادت: ۶ آبان ۵۹ در راه انجام وظیفه تشکیلاتی در برخورد با اوسیل پاسداران سرمایه در اهواز

پیکار زگر شهید رفیق حمید رحمانی در سال ۱۳۴۰ در خانواده ای زحمتکش در یکی از محلات کارگر نشین اهواز زیدنیا آمد. زندگی در میان زحمتکشان او را با درد و درونج آنان آشنا ساخت و از ستمهای طبقاتی و استثمارگری که زحمتکشان ما متحمل میشوند، آگاه شد. او در دبیرستان سعدی در کنار فرزندان کارگران و دیگر زحمتکشان تحصیل کرد و بدینم گرفت. شور و شوق انقلابی رفیق او را امیدان مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم منقور شاه سوق داد. رفیق در جریان مبارزات توفنده توده ها بر علیه رژیم ارتجاعی پهلوی با عشق به زحمتکشان در صفوف جنبش دانش آموزان انقلابی مبارزه ادامه داد. دوپس از قبا مبهمن ۵۷ نیز با نیرووشی بیشتر در پیکار خونین خلقهای زحمتکش ما شرکت نمود.

رفیق حمید در پاریس از گذشته از طریق نشریات سازمان با مواضع ما آشنا شد و با تکبیه برهنمودهای "پیکار" و دیگر نشریات سازمانی، بقیه در صفحه ۲۴

بقیه از صفحه ۲۳ رفیق حمید ...

بدون ارتباط تشکیلاتی به تبلیغ نظریات سازمان پرداخته و سواستمنوی خود را در خدمت رهاشی زحمتکشان از حور و ستم طبقاتی قرارداد بیکار زگر شهید در تابستان ۵۹ با درک اسیان واقفیت که برای مبارزه انقلابی تشکیلات انقلابی لازمست و با جمع بندی از فعالیت های گذشته به تشکیلات هواداران سازمان بیکار پیوست و از مرداد ۵۹ مبارزه خود را در یکی از کمیته های محلات پیش برد. رفیق شهید ما بخاطر پشتکار و صداقت و تعهد انقلابی نسبت به آرمان تاریخاً وظیفه کارکردن در انجاءموظف تشکیلاتی سخت کوشا بود و به همین خاطر توانست مسدود تشکیلاتی را سر بعلی کرده و به عضویت "هسته مرکزی" محله ای که در آن فعالیت میکرد درآید رفیق حمید برای انجاءموظف تشکیلاتی و تبلیغ مواضع سازمان بویژه در مورد جنگ ارتجاعی کنونی در شهرمانده بود و در راه انجاءما موریت سازمانی در حین گذشتن از "چهارراه آبادان"، بر اثر ناشیکری راننده یکی از اتومبیل های کمیته انقلاب اسلامی "درا شترتادف با آن زندگی برافتخار ولی کوتاهش بیباکان رسید در حالیکه دیگر رفقای همزمزش راه او را تا سرانجام پیروز - مندش ادا می خواهند داد.

یادش گرامی و راهش پیونده باد!

بقیه از صفحه ۲۳ رفیق بهرام ...

جنگ میفرستند تا "گوشت دم توپ" آنان باشند. رفیق شهید ما علیرغم شرایط سخت جبهه های جنگ بطور چشمگیری در انشای جنگ تحاورگرا نه و غیر عادلانه بین رژیمهای ایران و عراق فعالیت کرد. رفیق بهرام به جبهه رفته بود تا ما هیست جنگ ارتجاعی را میان سربازان بر ملا کند. او بر اساس تحلیل سازمان اعتقاد به شرکت در این جنگ نداشت. اما جبهه یکی از مراکزی بود که در آن ارتجاع و جنگ اومی بایست افشا گردد. می بایست در سنگرها در میان سربازان که فرزندان زحمتکشانند تبلیغ ضد جنگ نمود و آنها را برای انقلاب آماده ساخت. رفیق بهرام چنین کرد. او به جبهه رفت تا به سربازان بگوید که این جنگ متعلق به سربازان است و کارگران و فرزندان زحمتکشان ایران و عراق نباید یکدیگر را کشتار نمایند. اما دشمن اجازه نداد تا او با هم بیشتر ارتجاع ایران و عراق و ما هیست تا عادلانه جنگ کنونی را افشا کند. او فعالیت انقلابی خود را در احوادث انکی خود به پیش میبرد اما این واحد مورد هدف بمباران هواپیما های عراقی قرار گرفت و بدین ترتیب رفیق بهرام در راه منافع زحمتکشان توسط ارتجاع بخاک و خون کشیده شد.

بقیه از صفحه ۲۳ نو اسیم ...

ما شرکت کنندگان در سیزده گداشت بیکار زگر شهید حسین نورانی، که در روز شنبه ۱۷ آبان توسط سازمان باریس عضواتحادیه جهانی

به رفقای شهید:

شکر الهه دانشیار
محمد اشرفی
منوچهر نیک اندام

سرخ

عشقی از آنگونه که سینه را می دراند
بیش از آنکه صف تفنگها
نیم تن خون آلودش را
نشان نرفته باشد

یادتان سرخ است یاران!
قلبی از آنگونه که توفان میکند زخون
در بیکرد لاورش
بیش از آنکه به شلیکهای ناگهان
از خروش افتاده باشد
نامتان سرخ است یاران!
مشتی بزرگ

مشتی بزرگ

برآمده از خشم دیربای مردم
که اشاره میکنند به فتح
بیش از آنکه در تنها حم تیر
ویران شده باشد

راهتان سرخ است یاران!

چشمی خیره

که به کینه، مضاف خود

بردسوی

بدرخشم می افشاند

پیش از آنکه از آسمان سرگرا هی اش
دور ما نهد باشد.

سرخ است یادتان!

سرخ است نامتان!

سرخ است راهتان!

سرخ است

پرچمی که برافراشتید

بر بلند غرور

تا باد

بردسوی

عطر اهتزازش را

براکنده کند.

سرخ است راهتان

یاران!

هم زای تروست که دیری نمی گذرد

تا تبار رنج

بردسوی بخواند

سرودتان

(سهند)

۵۹/۸/۱۸

بقیه از صفحه ۲۳ رفیق غلام ...

های سخت، رنج و ستم طبقاتی را که سرمایه داران بر آنان تحمیل میکنند با پوست و گوشت خود لمس کرد. در سال ۱۳۵۷ با اوج گیری جنبش تکوفنده توده های زحمتکشان و برای درهم شکستن زنجیرهای بردگی به سیل خروشان مبارزات توده ای پیوست و از کلیه اشکال مبارزاتی، از شرکت در تظاهرات خیابانی تا اعتراضات و اعتصابات کاری برای رهاشی از سلطه بیکارگان و در راه سرگونی رژیم وابسته امیرالایسم شاه جلاد سود میجست. در جریان این مبارزات توده ای، آگاهی سیاسی او به میزان ارزشمندی بالا رفت. پس از قیام با شکره بهمن، با شناخت از واقعیت عینی جامعه و آشنائی با جبهان بینی طبقه اش ما رگسیم لنینیسم، مبارزات رفیق اسعد گسترده ای بخود گرفت. او به کارگاهها که راهسازماندهی در میان کارگران پرداخت و صداقت و بیعتش انقلابی او اعتماد کارگران مبارزان نسبت به رفیق غلام جلب کرده و وی بعنوان نماینده شوراهای زسوی کارگران اسکله ۷ برگزیده شد. رژیم جمهوری اسلامی که از توانائی های انقلابی رفیق و نیز اطمینانی که کارگران با او داشتند آگاهی و وحشت داشت بیباکانه کمی سن از ستمبندگی وی جلوگیری کرد. رفیق در مبارزات کارگران بیمانی نقش فعالی داشت و برای اینکه این کارگران زیر پوش صنعت نفت قرار نگیرند تلاش بسیار کرد. رفیق پس از آشنائی با سوسالایسم علمی ابتدا در صفوف هواداران سازمان جریکهای فداشی خلق قرار گرفت ولی مشی سازشکارانه و سوازش طبقاتی آنان با روحیه و خلقت های طبقاتی رفیق هم آهنگی نداشت. رفیق غلام در جریان مبارزاتش با مواضع سازمان بیکار آشنا شد و برای پیشبرد اهداف کمونیستی به صفوف آن پیوست. او از مهر ۵۸ در ارتباط فعال با سازمان ما قرار گرفت. ویژگیهای انقلابی رفیق و خصلتهای پرولتری او موجب شد که رفیق در تشکیلات سر بعا رشد نماید. رفیق در انجاءموظف وظایف تشکیلاتی و مبارزاتی اش چنان شور و شوقی نشان میداد که رفقا بش به لقب "پرشور" داده بودند. پس از آغاز جنگ تحمیلی و ارتجاعی کنونی رفیق غلام برای تبلیغ و ترویج سیاست سازمان در کنارتوده های که اجباراً در مناطق جنگ زده مانده بودند فعالیت ما ندوبه انجاءموظف وظایف تشکیلاتی خود ادا می داد.

در روز دهم آبانماه ۵۹، رفیق بیکار زگر غلام سقاط در حالیکه بیش از ۲۰ سال نداشت در اثر ترکش خمباره های ارتش مرتجع عراق شهیدات رسید.

رفیق شهید ما، علاوه بر کار فعال و آگاهگرانه در میان کارگران، مقالات و اشعار زیادی نیز تهیه کرده بود و گزارشات زیادی را برای نشریات "بیکار" و "تفنگر به پیش" فراهم آورده بود.

یادش گرامی و آرمانش جا و بدیداد!

دانش آموزان و دانشجویان در خارج از کشور
هواداران، بیکار زگر رشاد، شهادت رفیق حسین،
فرزند را ستینشان را که در راه آرمان زحمتکشان
جان خود را نثار کرد، به شما عزیزان او، رفقا و
تمام دوستانش تسلیم گفته، یادش را زنده و
رزمش را با پایداری میاداریم. ۱۷ آبان ۱۳۵۹

جنگ و رادیوهای ضد انقلابی

ملاحظات کوتاه

میداننداری بنی صدر

این روزها بنی صدر، سردسته لیبرالها چه در میدان آزادی و چه در حسینیه ارشاد شما متلاش خود را بکار برده تا همه بدبختیها و فلاکتها ی مردم را بسه کردن رقبا ی خودش در حزب جمهوری اسلامی بیاندازد و خود را بعنوان آلترنا تیبو پاک و حلال مشکلات معرفی نماید. توگوشی از ابتدا با همان حضرات هم‌کاسه نبوده است.

او امروز می گوید چرا دشمن علم هستی و میگوئید ما متخصص احتیاج نداریم و تلویحاً تعطیل دانشگاه را تقصیر رقبا ن می شمارد و گمان می کند مردم سخترانی او را در دوم اردیبهشت که پس از یورش منول و اربابان دانشگاه ایراد شد فراموش کرده اند که برای شما دگشتگان دانشگاه گفت: امروز، روز پیروزی ما ست و دولت استقراریافت! او میگوید هیچکس از ما معصوم بی خطا نیست فقط "ما ما غایب" معصوم است ولی گمان می کند که مردم از یاد دیرده اند که او در باره آیت الله خمینی چه ها که می گفت.

او از یگبر و بینه ها و زندان شکنجه و هفت تیر کشی گله و پرخاش می کند ولی وقتی که کردها و ترکمن ها و اعراب خوزستان، کمونیست ها و معاهدین را کشتار روزندانی می کردند او می داد که "اگر من هم بودم همین حکم را میدادم". او صریحاً به رقبا یش میگوید که اگر میخواهد با شما وحدت کنیم، باید حاکم طلبی و انحصارات را کنار بگذارد و با شما شیدین هم تقسیم کنیم ولی یکی دود تقیه بعد میگوید در مکتب ما برخلاف مکتب دیگر کار را برای خدا یا یاد کرد (!؟) و احلا بین ما قدرت طلبی مطرح نیست!

خلاصه اگر بخوای پشتک و او را هتک کنی یا بشما ری به آخر نمرسی. دجال بنی صدر امر تازه ای نیست ولی ورشکستگی حزب جمهوری اسلامی راه را برای ما نور می داند و لیبرالها با زگذارده است. آنها را افشا کنیم و دست محرم را در حین ارتکاب جرم بگیریم.

ما شاء الله قصاب، همکار خلیجی!!

مردم مبارز ایران با ما شاء الله قصاب و کارهای او آشنا نیستند. وی و کمیته مشهور ضد انقلابی اش که از طرف رژیم جمهوری اسلامی در سفارت سابق آمریکا مستقرند بودند، با استفاده از روشهای ساواک و سیا و یکا رگیری مپرده های سازمان "امنیت" تا به نکار انقلابیون می پرداختند. دستگیری مجاهد سیرعادتی از "شاهکار" های او و مزدوران ملخ باند او

بقیه در صفحه ۱۴

"صدای آزاد ایران"، رادیوی سلطنت - طلبان فراری با دفاع از ارزش "شاه" - مدام حسین در الحزاب (سال ۱۹۷۵)، گناه آغا زحک را به گردن رژیم جمهوری اسلامی می اندازد و تلویحاً جانب رژیم ارتجاعی عراق را گرفته و با دفاع از "ارتش جمهوری اسلامی" که میدانند "خودی" است و بزرگ کردن نقش آن، تقصیر شکست ها را متوجه "پاداران" و "آخوندها" مینماید. این مرتجعین فراری گمان می کنند که با سعی در جدا کردن ارتش از کل نظام حاکم خواهند توانست آب رفته را بجوی بازگردانند. ولی مردم قهرمان ایران با نیا ن کشتارهای ۱۷ شهریور - ها، ۱۳۰ آبان ها و ۱۶ آذرها ۰۰۰ را هرگز فراموش نخواهند کرد.

دارودسته بغضپراخان با برنامه های "رادیو ایران" خود با سوء استفاده از نفرت روزافزون اقشار مختلف مردم از رژیم جمهوری اسلامی سعی می کند تقصیر تمام ما با ما می های حامی و همچنین عوارض هستی بر ما بدهد و فلاکت یا رجحان ارتجاعی کنونی را متوجه جناحی از رژیم نموده و با حمله به "ملاها" و "دراس" آن "خمینی" ارتش ارتجاعی را تظهير کرده و مقام و مت بحق مردم در مقابل لیبرالها و ارتش را از اعتراف و مینا رزه توده ها بر علیه کل رژیم و هیات حاکمه جدا کرده و با تکیه به عناصر لیبرال و ارتش ارتجاعی جای باقی برای خود در جامعه با زما میاید. بختیار مزدور که درستگر کلیه دشمنان خلق ما و از جمله رژیم مرتجع عراق، بر علیه خلقهای میهن ما توطئه میکند، در رادیوی ضد انقلابی اش با تبلیغ "دفاع از میهن" سعی می کند فریبکارانه دسیسه ها و توطئه هایش را بپوشاند. اما او جز قشر محدودی از "لیبرالهای" وابسته و عناصر خائن ارتش و قشری از زده های بالای بوروکراتها و کارمندان وابسته به رژیم سابق، پایهای در جامعه نخواهد یافت.

"رادیو مسکو" صدای سوسیال امپریالیست های روس، فریبکارانه خواهان "خاتمه جنگ" می باشد. اما با بد از این روبه صفتان پرسید چه کسانی رژیم مرتجع عراق را ملخ می کنند تا زحمتکشان میهن ما را بجاک و خون بکشند؟ چه کسانی به صد ام حسین اجازه میدهند که توپولف های روسی که بر اساس قرارداد نظامی فقط علیه اسرائیل باید بکار گرفته شوند، اینک مردم بی دفاع ما را بمباران کنند؟ جواب روشن است این برزخ و شرکای خائن اش می باشند که به صد ام اجازه میدهند.

سوسیال امپریالیسم روس این جنگ را "تضعیف نیروهای ترقی خواه" میدانند (روزیونیست های شوروی هر دو رژیم ایران و عراق را "صد امپریالیست" میدانند!) و در رادیو مسکو در همان زمان که فریاد می کشد "این جنگ شیرهان دو

بقیه در صفحه ۱۸

مادر گذشته نقش ضد انقلابی برخی از رادیو های امپریالیستی و ارتجاعی را افشا کرده ایم. با طربنا سوراخبار از سوی رژیم جمهوری اسلامی و سیاست تبلیغاتی ارتجاعی، "صدای سیمای" ارتجاع حاکم پیش از پیش اعتماد خود را در میان توده های مردم از دست داده و می دهد و در نتیجه مردم می که طالب اخبار صحیح هستند ناچاراً به رادیوهای بیگانه کشیده میشوند و این کشش بویژه پس از شروع جنگ تحمیلی و تجاوزکارانه رژیمهای ایران و عراق افزایش یافته و موقعیت مناسی بدست امپریالیستها و نیرو های ارتجاعی منطقه داده است تا با سوء استفاده از خلا حاصل از نبود اخبار صحیح سیاستهای ضد مردمی خود را از طریق بلندگوهای خود پیاده نمایند:

رادیو "سی سی سی" سخنگوی امپریالیست های انگلیسی در آغا زحک و همزمان با حملات وسیع ارتش عراق بیشتر جان دولت بعثتی عراق را می گرفت، ولی بغا طر نرمشی که در سیاست جمهوری اسلامی نسبت به "غرب" پدید آمد (بویژه نسبتاً از رژیم به تسلیحات و تجهیزات جنگی) و... و از جمله مطرح شدن مسئله گروگانهای آمریکا، لحن این بلندگوی امپریالیستی تغییر یافته و اغلب اخبار را به نقل از رادیوی جمهوری اسلامی بخش مینماید.

رادیو "صدای آمریکا" نیز که روزانه چندین ساعت برنا مبه زبان فارسی بخش مینماید از آغا زحک بطور محسوس از رژیم جمهوری اسلامی طرفداری مینماید. و این طرفداری با اعلام شرایط آزادی گروگانها از سوی مجلس اسلامی بوضوح افزایش یافته است. امپریالیستهای آمریکا شی از سیاست گرایش به غرب جمهوری اسلامی که بویژه از طرف لیبرالها تقویت میشود و نیز نقش و اهمیت که ارتش دست پرورده امپریا - لیسم آمریکا در جامعه مینماید، خوشحال است و این رضایت را با اعلام اینکه "ایالات متحده از تمامیت ارضی ایران دفاع میکند" و نیز - آمادگی ارسال تسلیحات (که مینا براخبار موثق اخبار به ایران رسیده است) و پیشتیبانی از "گرایشات واقع بینانه رژیم جمهوری اسلامی... و... بیان مینماید. پس از سفر نخست وزیر "مکتبی" به نیویورک و نشان دادن "درباغ سبز" از سوی اولین "صدای آمریکا" "دوستانه تر گذشته است.

"رادیو اسرائیل" بلندگوی تبلیغاتی صهیونیستهای اشغالگر فلسطین نیز همین سیاست را دنبال میکند. بویژه بغا طر تائیری که پیشروی رژیم ارتجاعی عراق در این جنگ در دامن زدن به احصایات خفته و بیدارنا سیونالیستی اعراب و در درجه نخست اعراب مناطقی تحت اشغال فلسطین خواهد گذاشت آشکارا از رژیم جمهوری اسلامی حمایت میکند.

بقیه از صفحه ۲۸ **تشدید...**

که علیرغم این تضاد، همچنان وحدت خود را در مقابل انقلاب، وحدت خود را برای بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته و سرکوب جنبش حفظ کرده - اند و در عین حال که این جنگ قدرت در حد تصرف تدریجی مواضع قدرت و نیز افساکری علییه یکدیگر برای جذب پایه های توده ای طرف مقابل باقی مانده و به مرحله حاد سرکونی دیکتاتوری نرسیده است (مثلا آنچه در بین جناح های رفیق در افغانستان روی داده است ۱۰)، آنها همچنان میگویند ضمن عقب راندن تدریجی یکدیگر، فعلا وحدتشان را در مقابل انقلاب حفظ کنند

ناتنا: آیت الله خمینی بدون پرده پوشی در جنگ قدرت شرکت میکند

یکی دیگر از ویژگیهای اوچکبری مبارزه طبقاتی اینست که طبقات بدون پرده پوشی و ظاهر فریبی مجبور میشوند با حدت مبارزه طبقاتی روبرو شوند. آن پرده های تقدس، اناس دوستی انقلابی گراشی و... که میتوان در دوران آرام و راکد بودن جنبش توده ای بدور خود کشید و برای دیدن این نقاب دروغین، سالها وقت لازم است، در دوران اعتلا، خود این طبقات مجبور میشوند این نقاب را بردارند و با چهره آشکار طبقاتی در صحنه ظاهر شوند. یکی از این نقابها نقش آیت الله خمینی در هیئت حاکمه است رژیم و حتی نیروهای مانع محاهدین خلق، می - کوشیدند آیت الله خمینی را بعنوان فردی در ماوراء هیئت حاکمه، بدون طبقه و تمام خلفی، کسی که فقط به "اسلام" و "مردمی اندیشه به قدرت و جاه و مقام... جلوه دهند آنها میگویند تا با سرکوب فرادان آیت الله خمینی، توده - ها را دچار توهم سازند که گویا اقدامات رژیم ربطی به وی ندارد و دور آیت الله خمینی، هاله - ای از تقدس میکشیدند و به او شایسته بالاتر از دخالت در دعواها بر سر قدرت و حمایت از یک جناح میدادند. اما اوچکبری مبارزه طبقاتی آنچنان نبود که جناح رفیق لیبرالها مجبور شد آخرین تکخال خود را رو کنند و آیت الله خمینی را به میدان نبرد قدرت درون هیئت حاکمه، کاملا علنی و بدون پرده پوشی بکشاند دیگر سخنان دو - پهلوی آیت الله به دفاع از حزب جمهوری کافی نبود، باید او بطور مشخص از حزب جمهوری دفاع میکرد. سخنان منتظری و خامنه ای و محمد یزدی در نمازهای جمعه ۲۳ آبان در مقابل - تعرض سیاسی لیبرالها سودی بخشیده بود و حزب جمهوری مجبور شده بود، به آخرین حربه اش یعنی آیت الله روی آورد. در این میان تعرض لیبرالها به دو پایه اساسی "حزب"، یعنی بازار و قم که به هیچ وجه نمیتوانست برای آنان قابل تحمل باشد، بعنوان مهمترین عامل برای هراس "حزب" و تعرض لیبرالها و متقاعد شدن - روی آوردن به آخرین تکخالشان، باید بحساب آید.

آیت الله خمینی و حزب جمهوری اسلامی نمیتوانستند تحمل کنند، معبودان "بازار" از دست برود، بقول آیت الله این برای شان مصیبت بود:

"اگر بازاری قم، بازاری تهران با این حرف موافق است، (یعنی با انحلال حزب جمهوری و کاهش قدرت روحانیون این حزب - بیکار) مصیبت بسیار زیاد است." (جمهوری اسلامی ۲۶ آبان)

آری برای طرفدار سرمایه داران از دست دادن پایگاه میان بازاریان مصیبت بسیار زیادی است و چنین است که خود برای تعرض به لیبرالها برای حفظ بازار دست به تعرض می - زنند و دوروزی بازارهای تهران و شهرستانها را می بندند.

براستی آیا هیچ تردیدی در این مورد که آیت الله خمینی نیز در کنار دیگر جناحهای حکومت طرفدار سرمایه داران بازاری است میتواند وجود داشته باشد؟

براستی آیا هیچ تردیدی در این مورد که آیت الله خمینی مدافع حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی است و در جنگ قدرت جناحهای رفیق یک - پای قضیه است میتواند وجود داشته باشد؟ آیا میتوان تزولات لیبرالی مجاهدین را پذیرفت که خودش "حوب" است، "اطرافیا نشاند" هستند؟! بهر صورت آیت الله خمینی عربان و آشکار به میدان آمد و در مقابل لیبرالها و دفاع از حزب، صف آرایی کرد و در این میان مسئله عاشورا و ناسوعا و استفاده ای که هم بنی مدروهم - آیت الله خمینی از آن میخواستند بکنند، در انتخاب لحظه این "عربان تر شدن" موثر بود (ارتباط محرم با سخنان آیت الله خمینی را هاشمی رفسنجانی در مصاحبه اش، اطلاعات ۲۹ آبان رومیکند). آیت الله خمینی می اندیشید با تنها جنبش به لیبرالها، آنها را ساکت کرده و به اعتباریایا به توده اش میتواند تعرض لیبرالها را به عقب بستاند، اما لیبرالها این بار واضح و آشکار در مقابل خمینی ایستادند و شمشیر قدوسیت خمینی "بر آنها کارگر نشد.

ناتنا: نطق عاشورای بنی صدر، بیان شدت جنگ قدرت میان جناحهای رفیق

طبعاً حزب جمهوری همانطور که در نوار آیت ذکر شد، میخواهد بنی صدر تنها یک مقام تشریفاتی باشد و با شویا بهر صورت در میان ارکانهای متفاد و قدرت حزب کم شود و نتواند سیاست خاص خودش را به پیش برد. حزب که ریاست جمهوری بنی صدر موی دماغی برابرش محسوب میشود، میکوشد آنرا تحت الشعاع ارکانهای قدرت خویش درآورد.

در این میان نطق بهشتی در ناسوعا قابل استناد است (اطلاعات ۲۹ آبان) وی اداره کننده اصلی جمهوری اسلامی را رهبر (ولایت فقیه) و فقیهای شورای نگهبان میدانند و پس از آن معتقد است آنها در هری وجود دارد که هر یک وظایف خاص

خودشان را دارند و نه بزم بنی صدر یک نهاد رهبری آنهم ریاست جمهوری!، نهادهای رهبری از دید بهشتی عبارتند از: "رئیس جمهوری، نخست وزیر و وزرا، مجلس شورای عالی قضائی" و معتقد است اگر هر یک به سهم خود ناسوعا باشند، دیگر اختلافی باقی نمی ماند. وجدال از همین - جا شروع میشود که هر جناح میکوشد سرگردگی حکومت را کاملا در اختیار خود بگیرد و دیگری را از قدرت عقب براند اگر حزب جمهوری سرکوبیای برنده اش ولایت فقیه، مجلس، نخست وزیر و وزرا، و شورای عالی قضائی و سپاه پاسداران است، لیبرالها نیز به بخشهای مهمی از قدرت اجرایی و بخصوص ارتش تکیه دارند و بدو لیبرال ناعاشی و فریاد آزادیخواهی دروغین میکوشند با حلس توده ها در مقابل رفیق باستانند، اتفاقاً نطق بنی صدر حاوی همین دو نکته اساسی است:

۱ - بنی صدر در نطق خود قسمت بسیار مهمی را به تقویت و تنظیم ارتش ضد خلقی شاهنشاهی دست - پرورده آمریکا اختصاص داد، ارتشی که همه در زمان شاه خاش و جدیس از آن (۱۵ خردادها، ۱۷ شهریورها ۱۳ آبانها، اول محرمها و پسین ۵۲ها و نیز در کردستان و ترکمن صحرا) به قتل عام نموده هما - برداخته و چیزی حرم جاق مرگ آفرین سرمایه - داری وابسته نبوده است بنی صدر کوشید این ارگان ضد خلقی را ناجی توده ها بناماند و در به شایانه شرایط جنگی، هرگونه افساکری بر علیه این جناح سرکوب را قدغن کرده، توده ها را نسبت به این ارتش جنایتکار، خوش بین سازد. شرایط جنگی بهانه مناسبی شد تا لیبرالها بکوشند توده ها را که بحق از این جناح سرکوب متنفر بودند، به آن متوهم سازند و بدین ترتیب با تقویت این ارگان سرکوب سرمایه داری وابسته گامی محکم بسوی بازسازی کامل سیستم وابسته بردارند این مسئله گذشته از نیا رژیم به سرکوب توده ها توسط ارتش منجم، در جهت تقویت موضع لیبرالها در هیئت حاکمه نیز هست، چرا که از ارتش میتوان بعنوان عاملی نیرومند در جنگ قدرت جناحهای رفیق مسود خود استفاده کرد

۲ - بنی صدر به مظلوم ناعاشی و آزادیخواهی دروغین پرداخت، او کوشید سروج نارضایتی توده ها از اقدامات سرکوبگرانه رژیم بسو راشود و خود را آلترنا توی در مقابل بریدن توده ها از جناح حزب و آیت الله خمینی قرار دهد. او کوشید خود را مخالف سرکوب آزادیها بناماند و برای اینکار از زندانها و شکنجه ها نیز ناسع بهره - اما واقعیت چیست؟

واقعیت اینست که بنی صدر نیز مانند حزب جمهوری خواستی جز با زسازی کامل سیستم سرمایه داری وابسته و سرکوب توده ها ندارد، منتها میخواهد پس از هر جناحیت، دستا نش را بسوی دواست خون آلودهای توده ها آشکار نشود. او طبیعی است که به اقدامات آشکار حزب جمهوری در این مورد اعتراض داشته باشد. او میخواهد اکنون با دیوکرات سما با ندن خویش توده ها را بفریبند و

بقیه در صفحه ۱۸

بقیه از صفحه ۲۸ عاشورا...

اولین مشخصه این اسطوره‌ها که به آن‌ها پیوندی عمیق با توده‌ها می‌بخشد، وجه مشترک آن‌ها با زندگی برادر داورنج توده‌هاست: **رنجی** که می‌برند، ستمی که بناحق به آن‌ها تحمیل میشود، ظلمی که حقیقتاً نیست و بنا بر مردمان سر آن‌ها روا میدارند، شکنجه‌هایی که در آرزوی و سبب با این است، مسیح مطلوب میشود و آن‌ها پس از شکنجه‌هایی دردناک، سیاه و سیاه‌رود می‌بینند را نده میشود، بناحق بدنام میگردد و سپس دور از مبین با توطئه و نیرنگ به شهادت میرسد و شهادت حسین نیز بسیار دلخراش است. دستان برادرش عباس قطع میشود، فرزندان و برادران و حتی کودکان او و خود او در حال تشنگی بیرحمانه کشان می‌شوند و زنا نشان اسیر میگرددند. در اسطوره‌ها شخصیت‌های اسطوره‌ای همواره مظلوم بیگناه و بی‌گناهند. مثلاً مسیح در عمرش هیچ گناهی نکرده است و سبب او آتشی است که از آتش میگذرد و نمیمیرد، آن‌ها برای تریلیدی دیگران به شهادت میرسند. یهودای جاسوس مسیح را لو میدهد، سیاه و سیاه‌رود توطئه‌های سوداگرانه و نزدیکان افرا سیاه میگردد و اهل کوفه به حسین پشت میکنند و او را که بدعوتشان آمده، تنها با ۷۲ تن در مقابل هزاران تن از لشکرهای تهنه میگذارند.

اسطوره‌ها بیان آرمان‌گرایی توده‌هاست. در نزد توده‌ها اسطوره‌ها قهرمانند، دارای همان خصوصیات هستند که توده‌ها میخواهند، شخصیت‌های اسطوره‌ای شجاعند و راستگو و فداکار و مظلوم، بخصوص حسین که بنیان‌گذار روحیه خشم و اعتراض توده‌ها نیز هست (۱). حسین و سیاه و سیاه پس از نبرد به شهادت میرسد و این نبرد با ظلم که بیان روحیه خشم توده‌ها بر علیه ظلم و ستم است، آن‌ها را بسیار عزیز و دوست داشتنی میکند گرامی داشت سیاه و سیاه در ایران باستان مراسمی عزادارانه بوده که توده‌ها به تلخی بر رنج سیاه و سیاه میگریستند. در شهادت حسین نیز نه تنها در ایران، بلکه در بسیاری از کشورهای اسلامی هم‌سال یکبار با شما موجود بر شهادت

(۱) - در اینجا باید به این مسأله اشاره کنیم که جنبش‌های دهقانی در مینمان بر علیه فئودالها در قریب‌های خود از تشیع و بخصوص شهادت حسین سودجسته و خود را پیرو حسین دانسته‌اند. این مسأله خودنویس زبانه تحقیق جداگانه دارد، ریشه در این واقعیت مسلم دارد که جنبش‌های دهقانی، ایدئولوژی‌ای جز مذهب برای مبارزات خود در دست نداشتند. جنبش‌های دهقانی در اروپا با جلوه‌ای از مسیحیت و جنبش‌های دهقانی در ایران با تشیع و حمایت از حسین مجهز می‌شدند و این را با بددوات جنبش‌های دهقانی جست که بجز مذهب فاقد ربه تبیین خواستهای خود از طریق ایدئولوژی دیگری نبودند. به حال در جنبش‌های دهقانی ایران، توده‌ها بر این روحیه خشم و وطنی‌ان حسین نیز انگشت می‌گذاشته‌اند.

حسین می‌کینند.

توده‌ها رنج حسین را با سد میا و رند و رنج طبقاتی خود را در مقابل آن ناجز می‌بینند و تنگین می‌نابند. آن‌ها قهرمانیها و دلایریهای حسین را می‌بینند و در با آن دلایریها، خود را تنگین می‌بخشند و عشق به صفات خوب انسانی را در خود ارضا میکنند و از همه مهمتر با زدن خویش یا گریه کردن، آن‌ها شورا نقلی بسیاری را که ستم‌طبعی در آن‌ها ذخیره کرده است بر سر میدهند. مثلاً را که با دیدن سینه‌ها ششما رگ‌ها را بکوبند به سینه خود می‌کوبند و ارضا میشوند و آن کینه و نغرضی که ستم‌طبعی بر آن‌ها انباشته است را با گریستن از خود دور میکنند خود را راحت میکنند و تنگین می‌نابند. این جنبه تخیلی روح عا شورا است. اما در کنار این جنبه تخیلی، روح عظیم توده‌ها را میتوان دید. عشق به شهادت در راه دیگران، عشق به آزادی و آزادیخواهی، عشق به ایثار، عشق به فداکاری، دوستی و وفات دشمنی با ظلم و ظالم، این جنبه مثبت اسطوره عا شورا است.

دومین مشخصه این اسطوره‌ها، در آنجا است که بیشتر و بیشتر در خدمت تقویت روحیه تسلیم، رکود و ارضا به آنچه مشیت الهی است در می‌آید توده‌ها را به مظلوم بودن دعوت میکند و برای مظلومیت، قنوسیت و احترامی خدا می‌فراشد. این اسطوره‌ها خصوصیت اسطوره‌ها و سبب مناسبتی برای بهره‌گیری طبقات است و استقامت رگ‌ها است. این اسطوره‌ها از سوی طبقات ارتجاعی بصورت عاملی برای تخریب توده‌ها در می‌آیند. این طبقات میکوشند تا آن‌ها را آزار بکنند. با شرح درد و رنج خدایان و اما ما نشان، درد و رنج طبقاتی را برایشان قابل پذیرش نمائند و روحیه خشم و وطنی‌ان و اعتراضشان را خاموش سازند.

مسیح، سیاه و سیاه و حسین مناسبت‌ترین نمایندگان اسطوره‌ها برای شناخت روحیات توده‌ها و چگونگی استفاده طبقات است و استقامت رگ‌ها از این روحیات است. بهره‌گیری رژیم جمهوری اسلامی از عا شورا یکی از موارد بارز فریبکاری و خیانت به توده‌هاست. رژیم میکوشد با قرار دادن رنج حسین در برابر ستمی که به توده‌ها وارد میشود، جوی بوجود آورد تا توده‌ها ستم و استقامت طبقاتی را فراموش کنند. رژیم میکوشد با تخریب توده‌ها، مسأله آن‌ها را علیه هیات حاکمه تخفیف داده و بسا منحرف نماید. طبقات ارتجاعی در پی آنند تا با برجسته کردن جنبه‌های منفی اسطوره‌ها، از دلایری، پاک‌ی، مهربانی، صداقت، عشق، فداکاری، ایثار توده‌ها در جهت تحکیم کمیت طبقاتی خود بهره‌جویند. آن‌ها دوسلاح برای تسخیر و حکومت دارند: یکی سرکوب و دیگری تحمیل آن‌ها در همان زمان که حقیقتاً را تشدید میکنند و به سرکوب خونین دست می‌زنند، در میان توده‌ها به اشاعه ایده آل‌لیسم می‌بردارند. آن‌ها می‌گویند: آیا جامعه‌ای که خوشبخت، بدون رنج و ستم می‌خواهد؟ با ید رنج این دنیا را تحمل کنید تا در دنیا بی دیگران و دان به آن دست یا بیدار روحیه

قهرمانی، دلایری، از خودگذشتگی بخاطر منافعتان میخواهید؟ در روی زمین حق ندادید آن را جلوه کردید. اما در آسمان میتوان دیدند که خدایا بی با این خصائل بگردید و تا آن قهرمان - آن نیز با سستی بیشتر و بیشتر با روحیات تسلیم‌ورکود و ستم‌گشا منطبق گردد. نه اینکه بر خشم و اعتراض و غلبه نشان دامن برند.

همچنانکه در زمان شاه‌ها، توده‌ها با عزاداریهای روز عا شورا، آشفتن، خمیشان را تنگین می‌بخشیدند. در زمان جمهوری اسلامی نیز توده‌ها خود را می‌زنند و میگرددند تا شورا نشانه شده‌ها را از ستم طبقاتی بپدر رود. طبقات استقامت رگ‌ها را در جهت تخریب توده‌ها کوشیده‌اند. اما ما کمونیست‌ها نمی‌توانیم نسبت به روحیات توده‌ها بی‌اعتنا باشیم. اسطوره‌ها قریب‌هاست که در ذهن توده‌ها نهاد رند. نمی‌توان و نباید به این اسطوره‌ها اعلان جنگ داد. (همچون آن‌ها ریشته‌ها) و نمیتوان و نباید مثال توده‌ها افتاد و بر تفکرات باقی‌مانده از سلسله سال‌ها ستم‌طبعی صدها گزشت. (ما ننسبند و نیز بنویسند که با نا شیدا گام این اسطوره‌ها، بر تخریب توده‌ها صدها میگردد. رنج شویس "مردم" ۲۶ آبان)، عطف توجه ما به این اسطوره‌ها برای شناخت نقاط قوت و ضعف توده‌ها و در نظر گرفتن روحیه‌ها و بیز خود را صولتی و مناسبت با این روحیه‌هاست. ما با بد روحیات توده‌ها را بشناسیم و با روحیه تسلیم، رفا و رکودشان به مقابله برخیزیم. اما همه اینها را در رین مبارزه طبقاتی با بد اندام داد و ندها مقابله بر علیه "مذهب" و "اسطوره‌ها نشان".

مذهب توده‌ها برای ما امری شخصی است و برای دولت آینده کمونیست‌ها نیز امری شخصی (البته نه برای حزب طبقه کارگر) نخواهد بود، اما با اینهمه ما موظفیم به توده‌ها بگوئیم که چگونه احساسات و روحیات آن‌ها، طبقات استقامت رگ‌ها را جویند و چگونه روحیات آرمان‌خواهانه آن‌ها را برای تخریبشان به بسازی میگیرند. با بد گوییم که مظلوم‌ها بد بسود، همانطور که ظالم‌ها بد شد، بلکه با بد با طعنه و شجاعانه ظلم طبقاتی را بر انداخت و همه چیز را که خواست توده‌هاست در روی زمین تحقق بخشید با بد گوییم که رنج محتوم و ابندی نیست و می‌توان در روی زمین آن را بر انداخت و همه اینها را با بد رین مبارزه طبقاتی به توده‌ها نشان داد، با بد کوشید طبقات استقامت رگ‌ها در نبرد توده‌ها بعنوان شیدا دانی که احساسات و آرمان - خواهی‌های پاکشان سواستفاده میکنند، افشا کرد و شورا نشانه شده‌ها نقلی‌ان را در خدمت انقلاب بکار گرفت. و نگذاشت که بپدر بسود. با بد روحیه آرمان‌خواهی و خشم و وطنی‌ان را در جهت نابودی طبقات ستم‌گشا داد. و با هر آنچه روحیه تسلیم‌ورکود توده‌ها را تبلیغ میکند، با شویس علمی مبارزه کرد و توجه داشت که تنها در آستانه رسیدن انسان به کمونیسم، دیگران نفوذ این اسطوره‌ها در توده‌ها خبری نخواهد بود.

تشدید مبارزه طبقاتی

جنابعالی رژیم را
بجان هم انداخته است

اولاً دعوا چرا آغاز شد و جدال بر سر چیست؟

شدت گیری مبارزه طبقاتی در درون جامعه انفعالی را در درون حکومتها بصورت شکافها و اختلافها نمایان میکند. حرکات انقلابی توده ها، پایه های قدرت حاکمیت را به تکان میآورد جنب و جوش توده ها در "پائیس"، "بالایشیا" زانه تکان بودمی آورد. اعتلا انقلابی حتی در مدارج پائینی اش تا به ارتجاع را می آزارد "خطر" انقلاب ونا بودی شان را جلوی چشمشان میآورد و آنکه "بالایشیا" بتدریج به جان همی افتند استنفا توده ها دیگرمانند سابق راحت نیست، توده ها را به آسانی نمیتوان فریب داد و بی سر - و صداسرکوبشان کرد، توده ها آرام آرام، زمین زیرپای بالایشیا را داغ میکنند و آرامش بالایشیا را بهمی زسند و حکایت آن میسونهایی تکرار میشود که همه محبت بیکدیگر چون قفس آهنی شان را داغ کردند، میکوبیدند برای در - امان ماندن از گرما، بر روی دیگران بنشینند دیگران را فدا کنند تا خود نجات یابند! این مسئله در میان تمام حکومتها، حتی آنها شیکه ترکیب بکدام تری نیز دارد، امری است که ملا قانومند، چه بر سر به رژیم جمهوری اسلامی.

بخاطر داریم با وزش اولین نسیمهای اعتلا در زمان شاه خاش، پیش از آنکه این نسیم به طوفانی سهمگین بدل شود، چگونه جناحهای مختلف درون رژیم شاه که همگی شان نیز مسز دور امپریالیسم آمریکا بودند، دچار اختلاف شده بودند هر کدام میکوشیدند تقصیر را به گردن دیگری بیا نندازند و سیاست خاص خویش را برای سرکوب جنبش توده ای بعنوان تنها راه درمان بیماران رژیم سرمایه داری وابسته شاه خاش، بهر حکومت غالب گردانند. ما رکیسم لنینیسم حکم میکنند که فدا انقلاب برای مقابله با انقلاب بتدریج میکوشد تا فشرده تر گردد و در این راه با بستنی حتما و حتما با یک سیاست یگانگیم برانند. تشتت و اختلاف که خود نتیجه طبیعی حرکت انقلابی توده ها است، با بستنی بودیک جناح خاشتمای بدو همین مسئله نیز خود جناحهای رقیب را برای غلبه بخشیدن به میا ستهای خود، درگیر جدال و دعوا میا زد و این روند به آنجا میرسد که با دیگران با بالایشیا به لزمه می افتد و دورانی میرسد که توده ها دیگر با لایشیا را نمیتوان نشتند تحمل کنند و بالایشیا نیز زمینوا سند حکم است

یادداشت های سیاسی هفتگی

کنند، یعنی اعتلا انقلابی به موقعیت انقلابی بدل میشود و با یک جناح مینوا نند قدرت را بطور کامل قبضه کرده و ارتجاع را بهم فشرده ساخته و انقلاب را در هم کوبد، این قانونمندی انعکاس جنبش توده ای در صفوف دشمن است.

امروز جناحهای رقیب رژیم در مقابل رسوا شدن تدریجی شان در نزد توده ها بدست و پیا اقتاده میکوشند، جناح مقابل را مقصر جلوه دهند و از سوی دیگر گذشته از جرم را بگردن بکنند و انداختن، یک مسئله سیاسی اساسی به عنوان مهمترین عامل وجود اختلافها، جلوه گراست و آن اینکه دو جناح دوشیوه متفا وت سرکوب توده ها را برای بازسازی کامل سرمایه داری وابسته دنیا ل میکنند، بورژوازی لیبرال خواهان سیاست چماقی و بان شیرینی است: "فرمهای محدود و جزئی برای قرب بخشهایی از توده ها و برخی نیروهای دموکرات، سرعست بخشیدن به روابط عادی و علمی با امپریالیسم غرب و سرکوب جنبش توده ای"، در حالیکه خرده - بورژوازی مرفه سنتی و جناح بورژوازی حزب جمهوری اسلامی برای بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته، سیاست سرکوب کامل و بسودن برنامهم منظر ادنیال میکنند آنها سعلت خصال طبقاتی شان فاقد آن دوراندیشی و سرنامریزی منظم لیبرالها برای سرکوب توده ها هستند، هر دومی اندیشند که سیاست طرف مقابل به اهدا ف طبقاتی شان فریب زده و موجب شکستشان را فراهم میکند، او جگری بیشتر جنبش توده ها، آنها را برای اتخاذ سیاست روشن و واحد، بیشتر به جان همی اندازد. آنها در هنگام برخورد با هر مسئله دچار تفا در اختلاف شیوه میشوند و این از بهم فشرده شدن ارتجاع برای سرکوب انقلاب جلو میکبرد. پس بناچار دو جناح برای یکسره آردن کامل قدرت برای اعمال سیاست متفا وت شان بجان بکدیگر می افتند، در عین حال بنقشه در صفحه ۲۶

رفقا! اعضا، هواداران!

هما نظور که در گذشته تا کنون کردیم، رفقا باید کوشش کنند مقالات و مطالبی را که در نشریه پیکار با علامت سه ستاره در انتهای آنها مشخص میشود، تکثیر و پخش نمایند. پیروزی باشید!

عاشورا: نمونه ای از خدمت گرفتن غرایز توده ها در جهت تخفیف تضادهای طبقاتی

بی شک اسطوره ها، آئینهای از روحیات توده ها هستند. در اسطوره ها، آرزوها، خشمهای فرو خفته و رنجهای کهنسال و دیرینه شان را می توان مانند یک گنج از بین خروارها خاک بیرون کشید. توده ها، زاینندگان واقعی این اسطوره ها روحیات خویش را در آن آمخته اند و چون خود "مادر" این اسطوره ها هستند، آن را چون فرزندی در دامن شان می پرورند و همه کمی ها و کاستیها و همه فوئتهای خود را در آن جای میدهند. مسدا اسطوره ها میتواند، جادوهای در یک گوشه جنبان با شدویا حتی صرفاً از آرزوهای توده ها برخاسته باشد، اما حتی اگر میداد اسطوره ها واقعیت نیز داشته باشد، آن چیزی که توده ها از آن میا زند بسیار متفا وت از آن چیزی است که روی داده است. توده ها خود را با آن در همی آمیزند و آن غرایز و گانیمتی روحیه تسلیم، محسودی و نظلم از یک سو و خشم و اعتراض و طغیان را از سوی دیگر در آن پنهان میکنند. توده ها آرزوها و روحیات و احساسات خود را که در طی قرنهای ستم طبقاتی در آنها پدید آمده است، در اسطوره ها اسطوره ها را میا یابند، طبقات استنما رگسرو اندیشمندان در طی تاریخ، اسطوره ها را آنچنان که بسودا استنما رگران عمل کنند، فرم و شکل دلخواه می بخشند، حکومت بر توده های ستمکش بدون نفوذ مبنوی در آنان و قبولانیدن ستم طبقاتی و جادوانگی ظلم و رنج تا با یسان این دنیا وظلوع دنیا نی پس از مرگ، محصال بوده است، و از اینرو طبقات استنما رگسرو اندیشمندانن همواره بر روحیات، احساسات و غرایز توده ها سوار میشده اند و اسطوره های مذهبی را بسنما به ایدئولوژی و تفکر توده ها بسوی منافع طبقاتی خویش کانالیزه میکرده اند. در میان اسطوره های مذهبی، بی شک شخصیت - هائی چون مسیح، سیا ووش و حسین بن علی بی ما ننندند.

توده ها این شخصیتها را چنان پرورانده اند که میتوان روحیات توده ها را در پس غما رقرنیا کهنگی بروشنی و وضوح دید. این شخصیتها غرایز طبقاتی توده ها را بسنما آتشکار میکنند و از آن مهتر، میتوان آنجا که در این اسطوره ها برای طبقات استنما رگرمقید واقع میشده است، بروشنی و واضع دید.

بنقشه در صفحه ۲۷

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست